

صاحب امتیاز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان جنوبی

سرمدیر: دکتر زهرا علیزاده بیرجندی

کارشناس اجرایی: مهین زرنگ

مدیر مسؤول: احمد محبی

مدیر داخلی: عباسعلی بهاری

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|--|------------------------------|
| دانشیار جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شیراز | ۱. دکتر حبیب احمدی |
| دانشیار علوم تربیتی دانشگاه بیرجند | ۲. دکتر هادی پورشافعی |
| استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی | ۳. دکتر محمدتقی راشد محصل |
| استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد | ۴. دکتر محمدرضا راشد محصل |
| دانشیار علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن | ۵. دکتر غلامعلی سرمد |
| استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند | ۶. دکتر مفید شاطری |
| استاد علوم تربیتی دانشگاه تهران | ۷. دکتر غلامحسین شکوهی |
| دانشیار تاریخ دانشگاه بیرجند | ۸. دکتر زهرا علیزاده بیرجندی |
| استادیار جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی | ۹. دکتر محمدصادق فرید |
| استاد تئاتر و ادبیات دانشگاه تهران | ۱۰. دکتر احمد کامیابی مسک |
| دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه بیرجند | ۱۱. دکتر جواد میکانیکی |
| استادیار مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران | ۱۲. دکتر محمد همایون سپهر |

مترجم انگلیسی: اکبر آذرکمند

امور فنی و چاپ: انتشارات فکربرکر

شمارگان: ۱۰۰۰

ویراستار ادبی: سید نورالله نصراللهی

صفحه آرا: فائزه دستگردی

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

نشانی دفتر نشریه: خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان شهید محلاتی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان

دورنگار: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۲۷۷

تلفن: ۰۵۶-۳۲۳۲۳۳۹۳-۴

جنوبی، دبیرخانه شورای پژوهشی

پست الکترونیک: Daftarehnashriyeh@yahoo.com

آراء و نظرهای مندرج در این شماره مبین نظرها و آرای فصلنامه نیست.
نویسندگان و مترجمان، مسؤول نظرهای مندرج در نوشته خود هستند.
نوشته‌های ارسالی که مناسب چاپ نباشند، پس فرستاده نمی‌شوند.
فصلنامه در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

- | | |
|-------------------------|---------------------------------|
| استادیار دانشگاه بیرجند | - دکتر محمدرضا اسدی یونسی |
| استادیار دانشگاه بیرجند | - دکتر محمد اسکندری ثانی |
| استادیار دانشگاه بیرجند | - دکتر محمد حسن الهی زاده |
| استادیار دانشگاه بیرجند | - دکتر محمدعلی بیدختی |
| دانشیار دانشگاه بیرجند | - دکتر هادی پورشافعی |
| استادیار دانشگاه بیرجند | - دکتر عمران راستی |
| استادیار دانشگاه بیرجند | - دکتر محمدعلی رستمی نژاد |
| استادیار دانشگاه بیرجند | - دکتر مفید شاطری |
| استادیار دانشگاه بیرجند | - دکتر علی عسگری |
| استادیار دانشگاه بیرجند | - دکتر جلیل اله فاروقی هندوالان |
| استادیار دانشگاه بیرجند | - دکتر سید محمدحسین قریشی |
| مربی دانشگاه بیرجند | - علی نجف زاده |



به استناد نامه‌ی شماره ۱۳۹۶۰۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۴

کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه

"مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان" حائز درجه‌ی علمی - ترویجی گردیده

است. پروانه انتشار این مجله به شماره ۹۲/۷۲۶۰ مورخ ۹۲/۳/۲۵ از وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی صادر شده است. فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان در پایگاه استنادی

علوم کشورهای اسلامی (ISC) به نشانی www.srlst.com و پایگاه بانک اطلاعات

نشریات کشور به نشانی www.into@magiran.com پایگاه مجلات تخصصی نور به

نشانی www.noormags.com نمایه می شود.

شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه علمی- ترویجی "مطالعات فرهنگی- اجتماعی خراسان"، مقاله‌هایی در موضوعاتی با جهت‌گیری فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم، تاریخ، جغرافیا و آموزش در گستره‌ی خراسان که با توجه به نکات زیر تدوین شده باشد، منتشر می‌کند.

۱. ساختار مقاله دارای چکیده، مقدمه، بیان مسأله، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه، منابع و نیز ارجاعات دقیق و در صورت لزوم پیوست‌ها باشد.

۲. مقاله در محیط واژه پرداز Microsoft Word 2007 و قلم B nazanin، اندازه ۱۴ از طریق رایانامه به نشانی Daftarehnashriyeh@yahoo.com ارسال شود. صفحات مقاله حداکثر ۲۰ صفحه و هر صفحه ۲۴ سطر باشد.

۳. چکیده فارسی بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه باشد و چکیده انگلیسی هم، همراه مقاله باشد.

۴. معادل‌های لاتین اسامی غیرفارسی و اصطلاحات غیر رایج با علامت شماره‌گذاری مستقل برای هر صفحه، در پانویس آورده شود.

۵. جداول، نمودارها، نقشه‌ها و عکس‌ها (حداقل درجه وضوح 300 dpi)، با شماره و عنوان گویا آورده شود.

۶. ارجاعات درون متنی با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال نشر منبع و شماره صفحه مورد استفاده، درون کمانک آورده شود. مثال: (رضوانی، ۱۳۸۳: ۹۲).

۷. فهرست منابع در انتهای مقاله و بر اساس حروف الفبا همراه با مشخصات کامل کتابشناختی مطابق نمونه‌های ذیل آورده شود.

۷-۱- کتاب

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۷۹). *از سیر تا پیاز*. تهران: نشر علم.

۷-۲- مقاله

شاطری، مفید (۱۳۸۵). "گذاری بر جغرافیای تاریخی قهستان". *فرهنگ خراسان جنوبی*، سال اول، ش ۱ (بهار): ۴۹-۶۶.

۷-۳- مجموعه مقالات همایش

میکانیک، جواد (۱۳۸۹). "اثرات مهاجرت‌های روستایی بر ساختار جمعیتی و ناپایداری سکونتگاه‌های روستایی". در: مجموعه مقالات برگزیده اولین همایش مهاجرت، نظم و امنیت، ج ۱. مشهد: فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی، دفتر تحقیقات کاربردی: ۷۳-۹۱.

۷-۴- پایان نامه

علیزاده بیرجندی، زهرا (۱۳۷۰). "رویارویی اهل شریعت و اهل طریقت در عصر صفوی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۷-۵- گزارش‌های چاپ نشده

سروش، محمدرضا (۱۳۸۵). گزارش فصل اول آواربرداری قلعه کوه قاین. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی. [چاپ نشده]

۷-۶- وب‌گاه‌های اینترنتی

فاضلی، نعمت (۱۳۸۶). "شهروندی فرهنگی و فرهنگی شدن شهروندی". [پیوسته] قابل دسترس در:

<http://WWW.farhangshenasi.com/article/s/9/5/html>. [۱۳۸۸/۸/۲]

۸. نام و نام خانوادگی، وابستگی سازمانی نویسندگان، میزان تحصیلات و رشته مربوطه، نشانی کامل پستی (نام استان، شهر، رایانامه)، شماره تلفن ثابت یا همراه و دورنگار نویسنده بر روی صفحه‌ی جداگانه درج گردد. چنانچه مقاله بیش از یک نویسنده داشته باشد، ضمن مشخص کردن نویسنده مسؤول عهده‌دار مکاتبات، اسامی سایر نویسندگان هم به ترتیب ذکر شود.

۹. مقاله ارسالی نباید به منظور چاپ در دیگر مجلات ارسال شده باشد.

مقاله‌های دریافت شده، نخست توسط هیأت تحریریه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در صورت تأیید، برای دو نفر از داوران صاحب‌نظر ارسال خواهد شد. مقاله‌ها ابتدا به ترتیب تاریخ دریافت و سپس به ترتیب دریافت نظر مثبت داوران منتشر می‌شوند.

فهرست مطالب

بررسی شکلی و محتوایی روزنامه خورشید (دوره مشروطیت)

محمد بیطرفان ۷

بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و رضایت شغلی معلمان شهر مشهد

مسعود حاجی‌زاده میمندی، سید محمود لعل سجادی ۳۵

بررسی رابطه نگرش به فساد اداری و احساس محرومیت نسبی، مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه پیام نور بجنورد

هادی حسن دوست فرخانی، امید رضایی، حسن پاکزاد سرداری، سعید رضایی ۵۹

استفاده از شبکه تلویزیونی پویا و نقش آن در انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی

دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی، مورد مطالعه: شهر بیرجند سال تحصیلی ۹۲-۹۳

مریم سبزه‌کار، هادی پورشافعی ۸۷

بررسی پیامدهای اجتماعی خشکسالی بر نواحی روستایی، مطالعه موردی: بخش شوسف شهرستان نهبندان

محمود فال سلیمان، جواد میکانیکی، حسین سنجری ۱۱۱

پسوند "ـاک" در گویش بیرجند و سابقه‌ی آن در دوره‌ی میانه

حامد نوروزی، کلثوم قربانی جویباری ۱۲۹

بازشناسی الگوی معماری و ساختار فضایی خانه‌باغ‌های اسلامی شهرستان فردوس

حسن هاشمی زرج‌آباد، مرتضی نهاری ۱۴۹



بررسی شکلی و محتوایی روزنامه خورشید (دوره مشروطیت)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۰

محمد بیطرفان^۱

چکیده

انقلاب مشروطیت فضای مناسبی جهت تسریع انتقال اخبار و بعضاً رشد آگاهی‌های عمومی به ارمغان آورد. از این‌رو، روزنامه‌های آزاد یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب مشروطیت بود. این جستار دو هدف عمده را دنبال می‌کند. یکی بررسی شکلی روزنامه هم‌چون نوع چاپ، کاغذ، ساختار روزنامه و ...، دیگری بررسی و تحلیل مسائل عمده سیاسی و اجتماعی ایالت خراسان. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که روزنامه خورشید با وجود روزنامه بشارت، مهم‌ترین جریده مشهد در دوره مشروطیت بود؛ زیرا این روزنامه آئینه تمام‌نمای تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شهر مشهد و ولایات خراسان در دوره مشروطیت محسوب می‌شود. این روزنامه در کنار توجه به مسائل شهری و برون‌شهری مشهد، با مقالات متنوع سیاسی، طنز و علمی به روشنگری و تنویر افکار عمومی می‌پردازد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و بر اساس بررسی شکلی و محتوای روزنامه خورشید است.

واژگان کلیدی: روزنامه خورشید، مشهد، خراسان، مشروطیت

مقدمه

با شکل‌گیری مشروطیت، موجی از روزنامه‌ها و اعلامیه‌های مختلف درون فضای سیاسی کشور متولد شد. این جریان پیشتر مرهون یک دوره سلطنت مستبدانه شاهان قاجاری بود. با بررسی این دوره از تاریخ کشور به عقب ماندگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی پی برده می‌شود. جدای از این که ضعف دولت قاجاریه (به خصوص از زمان دومین شاه این سلسله) مناسبات سیاسی ایران و دیگر کشورها (بویژه انگلستان و روسیه) را به جریانی یک سویه تبدیل کرد؛ باعث جدا شدن بخش عظیمی از جغرافیای طبیعی ایران شد. این جریان در کنار ضعف و سستی شاهان این سلسله و ناکارآمدی آنان از بوجود آوردن بوروکراسی مطمئن، ارتش حرفه‌ای و اقتصادی متأثر از برنامه‌ریزی قوی، نه تنها باعث برآورده نشدن آرزوی ایرانیان مبنی بر ایجاد یک کشور قدرتمند شد؛ بلکه با به فروش گذاردن ایالات، سخت گرفتن بر تجار، به وجود نیامدن امنیت سرمایه و مالکیت خصوصی و سرانجام حراج سرزمین ایران در برابر امتیازات گوناگون به خارجی‌ان، به تنش و جدایی بیشتر ملت از دولت دامن زد. تا این که جمع این مؤلفه‌ها با در نظرگیری انتقال و تحول اندیشه‌های روشنفکران در چند مرحله تاریخی، در کنار پیوند با روحانیت، مقدمات ذهنی و عینی انقلاب مشروطیت را رقم زد. بنابراین شگفت نبود که بعد از انقلاب مشروطیت، شاهد به وجود آمدن جراید بی‌شماری از ولایات و ایالات مختلف ایران باشیم. مهم این که آن چیزی که ما در دوران مشروطه اول می‌بینیم، (جدای از فهم و یا عدم فهم مبانی قانون و اندیشه مشروطه خواهی) حاکی از شور و اشتیاق مردم (بویژه شهرها) در دفاع از مشروطیت بود.

به هر طریق روئیدن روزنامه‌ها در شهرهای ایران به یک تناسب نبود. به قول /دو/رد برون (۱۳۸۶، ج ۱: ۴۶۴) فقط در سال ۱۳۲۵ ه.ق. که اوج اعتلای روزنامه‌های ایرانی بود، هشتاد و چهار روزنامه پدید آمد. محیط طباطبایی (۱۳۶۶: ۱۳۳) معتقد است در این سال ۷۷ روزنامه منتشر شد، که «۴۸ روزنامه در پایتخت و هشت تا در اصفهان و هفت تا در رشت و سه روزنامه در همدان چاپ می‌شد و شهرهای مشهد و شیراز و یزد و کرمانشاه و ارومیه و انزلی به هر کدام یک روزنامه می‌رسید. سهم تبریز از اصفهان و

رشت کمتر بوده و پنج روزنامه جدید در آن شهر انتشار داده بود در صورتی که بعضی روزنامه‌های سال پیش هنوز به حال انتشار باقی بودند».

به هر حال، از صدور فرمان مشروطیت تا به توپ بسته شدن مجلس شورای ملی، فصلی جدیدی در تاریخ روزنامه‌نگاری کشور گشوده شد. با بررسی و تأمل در «فهرست‌ها، روزنامه‌ها و به‌طور کلی متون بر جای مانده شاید بتوان ۳۵۰ عنوان را احصاء کرد که بیش از ۵۰ درصدشان از بین رفته‌اند» (قاسمی، ۱۳۸۹: ۲۱).

روزنامه خورشید پس از جریده بشارت در مشهد منتشر شد. اما از لحاظ محتوایی، تعدد نشر و زمان انتشار در جایگاه بالاتری نسبت به بشارت قرار می‌گیرد. هر چند نباید محتوا و مطالب روزنامه بشارت را در آن دوره تاریخی نادیده انگاشت.

این پژوهش فقط به بررسی و تحلیل داده‌های روزنامه مثل مقاله، خبر و ... که مربوط به خود روزنامه یا خبرنگاران آن است می‌پردازد. لذا از بررسی و تحلیل مشروح مذاکرات انجمن معدلت رضوی (انجمن ایالتی)، انجمن بلدیه، تلگراف‌ها و ... - که فقط به‌صورت گزارش از این انجمن‌ها است - خودداری می‌شود.

سه سؤال راهگشای تحقیق حاضر شد: ۱- ساختار شکلی روزنامه خورشید چگونه بوده است؟ ۲- محتوای مقاله‌های روزنامه براساس چه مبنا و محوری بوده است؟ ۳- آیا روزنامه خورشید توانست به تنویر افکار عمومی بپردازد؟

۱- معرفی صاحب امتیاز و نگارنده خورشید

در منابع تاریخی درباره نویسنده و صاحب امتیاز روزنامه خورشید سخن کمی رفته است. اطلاعات ما از محمد صادق تبریزی (معمدا/سلطان) بسیار ناچیز و فقط در مورد عملکردش در روزنامه ادب و خورشید است. آنچه که مشخص است وی پیش از اینکه روزنامه خورشید را منتشر کند، نزدیک به ۲۰ سال در تنظیم و نشر جراید فارسی تلاش و کوشش وافر داشته است.^۱ نخستین کار مطبوعاتی وی در روزنامه ادب خراسان رقم خورد. از گزارش روزنامه /دب بر می‌آید که وی به معاونت ادیب الممالک فراهانی در

۱. روزنامه معارف، سال اول، ش ۱۹، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۸.

اداره روزنامه برگزیده شده است (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲۵۳)، و در زمان مسافرت ادیب الممالک به قفقاز در سال ۱۳۱۹ ق، شماره‌هایی از ادب را به طبع رسانیده است. وی غیر از پیشه روزنامه‌نگاری برای پیشرفت علم و معارف، مدرسه و کتابخانه در شهر مشهد تأسیس نمود.^۱ زیرا مشوق مدارس جدید و ترقیات عصر نوین بود.^۲

به هر حال، به نظر می‌رسد وی یکی از اشخاص معروف الحال مشهد بوده است. *روزنامه حکمت*، وی را فردی آزادی‌خواه می‌داند چنان‌که می‌آورد: «این آزاده مرد بزرگ از بیست و سال و اند زحمت روزنامه‌ها و جراید فارسی و عربی را در ایالت خراسان بدوش گرفته، در توزیع جراید و نشر معارف خودداری نکرده است و او اول کسی است در آن کشور که قدیماً منبع علم و فضل بوده و اکنون معدن اختلاس و جهل است. درفش معارف را بدست گرفته حی علی الفلاح گویان و در شاهراه حی علی خیرالعمل پویان است».^۳

میرزا محمدصادق تبریزی اخبار را به‌صورت راست و درست انتقال می‌داده است، تا جایی که به خاطر امانتداری و صداقت در نشر اخبار، مورد ضرب و جرح و حبس قرار گرفت. *روزنامه روح القدس* درباره این جریان می‌آورد: «خراسان که معظم‌ترین بلاد ایرانست - بعد از مدتی سیر در جاده ترقی بتازه در طریقه ترقی معکوس افتاده ... علماء سوءشان گاهی فتوا به بستن مدارس جدید می‌دهند زمانی تکفیر مشروطه خواهان را پیش‌نهاد می‌کنند - ایامی دست بعدم نشر جراید و کتک زدن و حبس نمودن مدیر و وکیل جراید می‌گشایند - میرزا صادق خان مدیر جریده خورشید را بپاداشت گفتن حرف حق - که گردن کلفتهای آستانه اموال فقرا نباید صرف شراب و کباب نمایند - خوب است اموال حضرت رضا را به بانک ملی داده تا عموم فقراء و ضعفاء ملت بهره‌مند گردند - باید کتک بزنند - اداره اشرا غارت کنند - روزنامه اشرا توقیف نمایند - بعلاوه حکم بعدم نشر جراید سایر بلاد بدهند ...».^۴

با توجه به اخبار تاریخی به‌نظر می‌رسد گسترش روزنامه در اقصی نقاط ایران زیاد

۱. همانجا، روزنامه ندای وطن، سال اول، ش ۲۱، صفر ۱۳۲۵: ۳.

۲. روزنامه حبل المتین کلکته، سال چهاردهم، ش ۴۲، جمادی الاول ۱۳۲۵: ۱۸.

۳. روزنامه حکمت، سال پانزدهم، ش ۸۸۳، صفر ۱۳۲۵: ۶-۷.

۴. روزنامه روح القدس، سال اول، ش ۲۸، جمادی الاول ۱۳۲۶: ۴.

بوده است. به طوری که این روزنامه در کلکته هندوستان، تهران، تبریز، اصفهان و ... به خوانندگان آن عرضه می شده است.^۱ هم چنین مطالب روزنامه مورد استناد جراید دیگر قرار می گرفت و یا اخبار آن انعکاس پیدا می کرد.^۲

۲- بررسی شکلی روزنامه

صدرهاشمی (۱۳۶۳: ۲۵۱-۲۵۲) در توصیف شکلی روزنامه درباره شماره اول می آورد: «... در عنوان آن تصویر خورشید و در زیر آن تصویر اسم روزنامه و پائین تر آن سال انتشار و در زیر سال انتشار این مجله ... درج است». ولی این توصیف از شماره ۳ روزنامه می باشد. زیرا در شماره اول و دوم تصویر خورشید وجود ندارد و از شماره ۳ است که نیمه خورشیدی در بالای روزنامه قرار می گیرد. به غیر تصویر نیم خورشید در بالای صفحه نخست، روزنامه از نمادهای تصویری دیگر به خاطر نوع ابتدائی روزنامه نگاری برخوردار نیست. وی در ادامه می گوید: «خورشید معمولاً در هشت صفحه بقطع وزیری ۱۲+۷ سانتیمتر در مطبعه سربی «دارالطباعة طوس. میر مرتضی الموسوی» طبع و توزیع می شد (همانجا). ولی حقیقت این است که خورشید تا شماره ۶ به صورت چاپ سنگی بود. محمدصادق تبریزی صاحب امتیاز روزنامه درباره تغییر شیوه از سنگی به سربی می آورد: «جمعی از هواخواهان معارف و مروجین جراید ... طبع خورشید را در مطبعه سنگی صلاح ندانسته تبدیل او را بمطبعه سربی که امروزه معمول و متداول مطبوعات بلاد متمدنه است اظهار و اصرار» فرمودند.^۳ روزنامه معمولاً در هشت صفحه به قطع وزیری بزرگ منتشر می شد و هر صفحه آن شامل دو ستون بود؛ ولی در اغلب موارد یک نیم ستون در پاورقی روزنامه برای درج مفاهیم سیاسی و علمی اختصاص داشت. از شماره ۱۸ به دلیل اصرار "جمعی از بزرگان خبیر کارآگاه" روزنامه از هشت صفحه به

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: روزنامه جبل المتین کلکته، سال چهاردهم، ش ۴۲، جمادی الاول ۱۳۲۵: ۱۸؛ روزنامه عدالت، سال دوم، ش ۴۲، ربیع الاول ۱۳۲۶: ۸؛ روزنامه انجمن مقدس ملی اصفهان، سال اول، ش ۱۳، صفر ۱۳۲۵: ۸.

۲. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: روزنامه ندای وطن، سال اول، ش ۶۹، شعبان ۱۳۲۵: ۳؛ همان، سال دوم، ش ۱۸۸-۱۸۹، ۲۱ محرم ۱۳۲۶: ۴.

۳. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۶، صفر ۱۳۲۵: ۱.

چهار صفحه کاهش، و به نشر چهار مرتبه در هفته افزایش پیدا کرد.^۱ نوع کاغذ روزنامه در ابتدا که به صورت سنگی منتشر می شد تعریف چندانی نداشت، لیکن پس از انتشار شماره های نخست و تغییر چاپ از نسخه سنگی به سربی کیفیت کاغذ بهبود یافت.

وجه اشتراک سالیانه تا شماره ۵ در شهر مشهد ۱۸ قران، در سایر شهرهای ایران ۲ تومان، در ترکستان و قفقاز ۵ منات و در سایر شهرهای خارج ایران ۱۲ فرانک بود. اما از شماره ۶ تا ۱۷ به خاطر این که نوع چاپ از سنگی به سربی تغییر داده شده بود، قیمت روزنامه "یک ثلث اضافه" گردید.^۲ بر این اساس قیمت روزنامه در مشهد ۲ تومان، سایر شهرهای ایران ۲۲ قران، ترکستان و قفقاز ۶ منات و سایر شهرهای خارجی به ۱۴ فرانک تغییر یافت. تا این که دوباره از شماره ۱۸ به خاطر "خرج کاغذ و طبع" آن مقداری بر قیمت روزنامه افزوده شد.^۳ چنان که در شهر مشهد ۳۲ قران، سایر شهرهای ایران ۳۶ قران، ترکستان و قفقاز ۸ منات و سایر بلاد خارجه ۲۰ فرانک برآورد شد. در ضمن قیمت یک نسخه تک فروش سه شاهی معین گردید. هم چنین قیمت تبلیغات و یا "اعلانات" در روزنامه تا شماره ۱۷ سطری ۱۰ شاهی بود. اما از شماره ۱۸ قیمت اعلانات در صفحه اول سطری ۱۰ قران و در صفحه آخر، همان سطری ۱۰ شاهی عنوان شد.

این روزنامه تا شماره ۶ هفته ای یک مرتبه، آن هم فقط در روزهای چهارشنبه طبع می شد. اما از شماره ۷ روز توزیع از چهارشنبه به روز شنبه تغییر پیدا کرد.^۴ تا این که از شماره ۱۸ به بعد روزنامه ۴ مرتبه در هفته چاپ می شد. ولی همیشه چاپ و ارسال روزنامه به طور منضبط نبود. این جریان هم دلایلی داشت: گاهی به خاطر تغییر چاپ از سنگی به سربی و نبود حروف کافی سربی، روند چاپ روزنامه دچار وقفه می شد.^۵ گاهی هم به جهت ناخوشی حروف چین های مطبعه، این مهم با تأخیر و وقفه روبه رو می گشت.^۶

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱۸، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۱-۲.

۲. همان، ش ۶، صفر ۱۳۲۵: ۱.

۳. همان، ش ۱۸، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۲.

۴. همان، ش ۷، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۱.

۵. همان، ش ۱۱، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۱.

۶. همان، ش ۴۴، شعبان ۱۳۲۵: ۱.

رویه واگذاری اشتراک چنان بود که پس از قبول چهار نسخه از طرف مشترکین، اسامی آنان به عنوان مشترک سالیانه ثبت می شد. هر چند در ادامه به خاطر سلیقه خرید مردم، فروش تک شماره به قیمت ۳۰۰ دینار هم در جایگاه های مشخص باب شد.^۱ طرح و برنامه خورشید در ابتدای امر ارسال روزنامه برای "غالب آقایان از اعیان و اشراف و تجار و کسبه و غیره" بود. هر چند "متوقع" بود "هر کس نپذیرفت بادره اطلاع بدهد و نمره گرفته را پس بفرستد. و الا پس از قبول چهار نمره اسامی آنها" در دفتر مشترکین ثبت می شد.^۲ زیرا در ایران مرسوم بود "روزنامه ها و جراید را بدون این که کسی بخواهد یا اعلام کند به منازل مردم" می فرستادند.^۳

مسلک و روش روزنامه تا شماره ۱۷ در سرلوحه آن بدین شرح عنوان شد: «این روزنامه در آنچه راجع به ترقی و تربیت ملت و منافع دولت باشد بحث می کند و هر گونه لایحه که منافی با دین و دولت نباشد قبول و درج خواهد شد». اما از شماره ۱۸ به بعد سرلوحه روزنامه به شرح ذیل تغییر یافت: «این روزنامه در آنچه راجع به ترقی و تربیت ملت و منافع و مصالح دولت باشد بحث می کند و هر گونه اخبار شهری و حوادث محلی و مطالب راجع به انجمن های خراسان مخصوصاً انجمن ایالتی و اخبار ولایات جزء و مطالب آستان قدس و مدارس و مکاتب و غیره درج می شود مراسلات عام المنفعه قبول و اداره در انتشارش آزاد است. مکاتیب بیامضا درج نمی شود اجرت پست در همه جا به عهده اداره است».

نخستین شماره روزنامه در تاریخ چهارشنبه ۲۱ محرم ۱۳۲۵ چاپ شد و آخرین شماره سال اول آن - یعنی شماره ۱۲۰ -، تاریخ اول صفر ۱۳۲۶ را دارد. کسانی همچون بروان، صدرهاشمی و رضوانی معتقدند که شماره آخر سال اول روزنامه، شماره ۱۰۴ به تاریخ ۲۵ ذی الحجه ۱۳۲۵ است (بروان: ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۵۷؛ صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲۵۲؛ رضوانی، ۱۳۷۹: ۲۲). این در حالی است که شماره ۱۲۰ از لحاظ تاریخ انتشار و به گواهی سخن خود محمدصادق تبریزی آخرین شماره سال اول بود.^۴

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۷، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۱.

۲. همان، ش ۱، محرم ۱۳۲۵: ۳.

۳. روزنامه صوراسرافیل، سال اول، ش ۱، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۸.

۴. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱۲۰، صفر ۱۳۲۶: ۱.

روزنامه در مخزن کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه ملی و دانشگاه تهران دارای ۱۲۰ شماره است، که در صدمین سالگرد فرمان مشروطیت چاپ و توزیع شد. اما این ۱۲۰ شماره تمامی روزنامه نیست. زیرا به گواهی بروان و صدر هاشمی این روزنامه تا سال ۱۳۲۹ ق. منتشر می‌شده است (بروان، ۱۳۸۶: ج ۱: ۵۵۸؛ صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲۵۲). به‌طوری که از سال دوم تا سال چهارم به‌طور پراکنده برخی از شماره‌های آن در کتابخانه‌های قدیمی موجود است. چنان‌چه در کتابخانه آستان قدس رضوی از سال دوم ۲ شماره (۱۴۱-۱۴۲)، از سال سوم ۳ شماره (۴۹-۵۱) موجود است (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸: ۷۱۷).

۳- بررسی محتوایی روزنامه

به اعتقاد نگارنده این سطور - با توجه به تتبع و تورق اکثر مطالب روزنامه، منش و مسلک جریده خورشید، برخلاف رویه افراطی جراید دیگر که بیشتر در تهران و تبریز بودند، در موضع اعتدالی و اتفاق و ترقی ایرانیان (به مثابه ایران برای همه ایرانیان) قرار داشت. ادوارد براوان (۱۳۸۶، ج ۵۵۷/۱) هم از موضع اعتدالی روزنامه یاد می‌کند؛ برخلاف رابینو (۱۳۸۰: ۱۳۳) که خورشید را در سلسله مراتب روزنامه نگاران دمکرات قرار می‌دهد. آنچه که مشخص است نگارنده خورشید در جای جای روزنامه هر گاه فراغتی حاصل نموده در قالب مقاله، خبر، خطابه و ... به فراخواندن مردم به اتحاد و اتفاق دعوت کرده است.

روزنامه خورشید تقریباً از نیمه‌های دوره‌ی انتشارش، به خاطر جو سیاسی حاکم، کم‌کم از غنای مطالب علمی‌اش کاسته و بیشتر حول انعکاس مشروح مذاکرات انجمن ایالتی و گزارش‌هایی از ولایات خراسان محدود شد. ولی تقریباً از زمان آغاز نشر بخش چهارم سال اول، با اختلافی که بین صاحب امتیاز روزنامه و اعضای انجمن ایالتی به‌وجود آمد، درج مقالات سیاسی طنز و علمی دوباره رواج یافت.

هم‌چنین به‌نظر می‌رسد استقبال شایانی از خرید روزنامه صورت نمی‌گرفت. زیرا نگارنده روزنامه در چند جا به‌طور تلویحی اشارات کوتاهی به کسری درآمد و کمبود

مشترکین روزنامه می‌کند. حتی مثال‌هایی از شهرهای ناحیه قفقاز می‌زند که حامیان جراید نگذاشتند روزنامه‌ها غروب کنند. این در حالی است که محمد صادق تبریزی به طور ضمنی در مقاله‌ای طنز اخطار می‌دهد اگر به حمایت تنها روزنامه مشهد برنیایند احتمال اینکه این روزنامه نتواند در سال دوم منتشر شود دور از نظر نیست.^۱

روزنامه خورشید از لحاظ محتوایی ابعاد مختلفی را در برمی‌گیرد، که با توجه به گستردگی مطالب به چند دسته تقسیم می‌شوند: (۱) توجه به مسائل علمی؛ (۲) توجه به امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهر مشهد؛ (۳) انعکاس درخواست‌ها، مشکلات و اعتراض‌های ولایات خراسان؛ (۴) نگاه خاص به حالات و اتفاقات مسقط‌الراس جریانات سیاسی کشور (تهران) و دیگر ایالات و ولایات ایران؛ (۵) نشر اخبار خارجی؛ (۶) درج سلسله مقالات سیاسی جدی و طنز؛ (۷) درج "اعلانات" یا تبلیغات.

۳-۱- توجه به مسائل علمی

نظر محمدصادق تبریزی در زمینه ورود به عصر جدید چنین است: «ای ابناء عزیز وطن ایام کسالت و بطالت گذشت و روز بیداری و هشیاری در رسیده، نور علم و تمدن آفاق عالم را روشن و منور داشته، پس دیگر تکلیف ما مثل ایام گذشته اظهار عجز و کسالت و نمی‌توانم و نمی‌شود نیست؛ امروز باید در تحصیل لوازم ترقی و تربیت و جلب و حصول منابع ثروت با کمال جهد و اطمینان شب آنروز نشناخته بشکرانه این نعمت با دل و جال و دست و زبان حاضر باشیم ... امروز تکلیف دانایان و محرّین است که آنچه خیر دولت و ملت را بدانند بنویسند و خوابیدگان ملت و جهال مملکت را از خواب غفلت بیدار و در استحکام روابط اتحاد و اتفاق و دفع و رفع شقاق و نفاق سعی و کوشش نمایند، راه را از چاه، سفید را از سیاه نشان بدهند ...».^۲

آن‌چه از روزنامه خورشید برمی‌آید نشان می‌دهد که نگارنده آن اهمیت بسیاری به کسب علم می‌داد. وی در این باره می‌آورد: «آیا دیگران چه دارند که ما نداریم؟ جز علم که اصل مایه وصول بکلیه مراتب قدرت و ثروت است، همه می‌دانیم که علم نداریم و

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱۰۹، محرم ۱۳۲۶: ۴.

۲. همان، ش ۱، محرم ۱۳۲۵: ۴.

مایه تمام نیک‌بختی‌ها علم است باز در هیچ‌کدام از بلاد مملکت ما چند باب مدرسه علمی و صنعتی بلکه مکاتب ابتدائی صحیح هم نداریم...»^۱

وی در جای دیگر آورده است: «تا ابواب علم و آگاهی بروی ابناء وطن همیشه مفتوح باشد که اصل و مایه تحصیل سعادت و نیک بختی ملت بسته بکثرت علم و اطلاع ایشان است و آن هم بعد از تأسیس مدارس در قرائت‌خانه‌های ملی دستیاب خواهد شد»^۲. خورشید گذشته از تحسین علم و تقبیح نادانی، برخی از مسائل علمی روز را هم در روزنامه آورده است؛ تا جایی که به تشریح برخی حوزه‌های علمی مثل "علم الاقتصاد" پرداخته است.^۳ هر چند طرح این مسائل با آن نگاه عمقی به تشریح علوم، در آن دوره زمانی که حتی نمایندگان و بعضاً سیاست‌یون ایران از درک علمی بالایی برخوردار نبودند، ضرورتی نداشت. این جریان را می‌توان از بی‌توجهی خوانندگان روزنامه به این بخش از جریده دریافت.^۴

خورشید هم‌چنین "سرگذشت بوریس ابوسس - یا قصبچه زورآباد" که اثر "مسیو سانیریک" بود را برای آگاهی خوانندگان به‌صورت پاورقی در چندین شماره از روزنامه چاپ نمود. مؤلف این کتاب که در اوائل قرن هفدهم میلادی می‌زیست، پیشتر این رمان را برای تنبه اهالی فرانسه نگاشته بود. نگارنده معتقد بود که وضعیت داستان با وضعیت حالیه ایران مشابهتی تام داشت؛ بدین خاطر به ترجمه و نشر آن اقدام نمود.^۵ ولی بعدها همین مقاله و بعضاً مقالات دیگر مورد انتقاد انجمن ایالتی خراسان قرار گرفت. زیرا

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱، محرم ۱۳۲۵: ۵.

۲. همان، ش ۴۲، رجب ۱۳۲۵: ۴.

۳. کتاب علم الاقتصاد در چندین شماره روزنامه به‌صورت پانوش و جدا از اخبار عرفی روزنامه چاپ می‌شد. برای اطلاع بیشتر ر.ک. به: شماره های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱.

۴. همان، ش ۸، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۴.

۵. این سرگذشت‌نامه که بیشتر در محیط فرانسه قرن هفدهم با نگاه روشنگرانه به مسائل سیاسی نگاشته شده بود؛ با توجه به عدم سواد و فهم جمعی از مسائل سیاسی دنیای متجدد غرب، نمی‌توانست در نظر اندک خوانندگان روزنامه مورد توجه قرار گیرد. چنانچه انجمن ایالتی خراسان به این سیاست روزنامه اعتراض کرد. علاقه به خوانش این‌گونه رمان‌های سیاسی در آن دوره ایران شاید به عدد انگشتان یک دست نمی‌رسید. رسالت روزنامه بیشتر بر مبنای گسترش فهم عمومی از اتفاقات و مسائل جاری کشور بود - هر چند روزنامه‌نگاران بر ذمه خود می‌دانستند تا حدودی عامه مردم را به مباحث سیاسی و حقوقی آشنا سازند- ولی این جریان نمی‌توانست بر خوانندگان اثر متناهی بگذارد. حتی درک مسائل تاریخ فرانسه آن هم به صورت رمان که در ایران سابقه چندانی نداشت، بعدها زمینه‌های اعتراض برخی‌ها را از این روش روزنامه به وجود آورد. با این حال، این روزنامه در چندین نوبت به درج این رمان پرداخت: شماره‌های ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴.

نمایندگان انجمن به درستی معتقد بودند: «اولاً اینکه پاره مطالب در روزنامه درج می‌شود که کسی ملتفت نمی‌شود و کمتر کسی آن مطالب را می‌فهمد. مردم چه می‌دانند که قصبچه زورآباد کجا است ... این‌گونه تفصیلات مجعوله در روزنامه برای عموم ملت چه فایده دارد. مطالب روزنامه باید صاف و روشن باشد تا همه کس بفهمد! تا قلوب مایل بشنیدن و طباع حریص بخواندن باشد».^۱

انتقادات دیگری هم از روزنامه شد که مهمترین آن بی‌گمان در این سخن نهفته است: «... تلگرافات واصله را بالتمام درج نمی‌کند گاهی بعضی را هیچ درج نمی‌کند، مثل این که تلگرافات آذربایجان و کرمان و غیره را درج نکرده و یکی دو کلمه از آن‌ها از قلم انداخته، معلوم می‌شود مدیر روزنامه ملاحظه می‌کند و حال آنکه روزنامه آزاد است و مدیران جراید نباید ملاحظه و ترس از احدی داشته باشند و بدون خوف و بیم تمام وقایع و اخبار را بنویسند خاصه تلگرافات را که این ایام از هر جا می‌رسد یا از اینجا مخابره می‌شود ... [هم‌چنین] حکایت بوریس ابوسیسی» را حذف نماید.^۲

این جریان باعث واکنش مدیر روزنامه شد که در جوابیه نکته جالبی نهفته است: «اولاً این که می‌فرمایند فلان مطلب باید درج شود و فلان فقره درج نشود، برای این که روزنامه آزاد است در صورتی که همین فرمایش آقایان سلب آزادی از روزنامه کردن است و آن‌گهی مدیر روزنامه حق دارد هر مطلبی را که نافع و مفید بداند [بنویسد] ... و آن‌گهی این ایرادات وقتی وارد است که ایراد کننده شرکتی در کلیه امور اداره روزنامه داشته باشد یعنی به نفع و ضرر او شریک باشد یا مؤسس آن اداره باشد ...».^۳

خورشید در مقاله‌ای دیگر با عنوان "ریاست تجارت خراسان"، اولین لوازم ثروت و آبادی مملکت را تکمیل و ترویج سه اصل "فلاح، صنعت و تجارت" معرفی می‌کند. بنابراین به گسترش تجارت در ایران تأکید می‌ورزد، زیرا اولین فریضه دولت‌های متمدنه را ترویج تجارت می‌داند. جالب این که از پیامدهای تجارت دول سیاسی، زیرکانه به "نفوذ سیاسی" در ممالک عقب افتاده اشاره می‌نماید. به هر حال، امری که نگارنده این

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۸۷، ذیقعد ۱۳۲۵: ۳.

۲. همانجا.

۳. همان، سال اول، ش ۸۷، ذیقعد ۱۳۲۵: ۴.

مقاله را به نگاشتن این مقدمه مهم تهییج کرد، "ورود ریاست تجارت خراسان" بود.^۱ خورشید دو مقاله علمی دیگر می‌نگارد که از لحاظ ادبی و اجتماعی بسیار مهم بود. یکی درج مقاله "ادبیه" به نگارش یکی از فضلالی خراسان، که به معنا و مفهوم واژه ادب می‌پرداخت.^۲ دیگری مقاله‌ای به نام "انجمن بلدیه شغلش چیست"، که انگیزه اصلی آن متنبه کردن مردم جهت انتخاب وکلای انجمن بلدیه بود.^۳

۳-۲- توجه به امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهر مشهد

در زمینه امور شهری، روزنامه رسالت خود را درج اخبار و بعضاً چاپ مکتوبات شهری می‌دانست. در این بخش در کنار پرداختن به مسائل عمده شهری، به ناهنجاری‌های اجتماعی از قبیل دزدی، زد و خورد و درگیری، تجاوز، حادثه دلخراش، قتل و ... اشاره شده است.^۴ هم‌چنین به زعم نگارنده مهم‌ترین عملکرد روزنامه، پرداختن به مسائل فرهنگی از جمله تشویق بزرگان جهت تأسیس و بسط مدارس و قرائت‌خانه بود.^۵ اخبار روزنامه در شماره‌های نخست بیشتر حول مسائل عمده شهری بود. ولی با

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۳۱، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۱-۲.

۲. همان، ش ۳۶، رجب ۱۳۲۵: ۴؛ همان، ش ۳۸، رجب ۱۳۲۵: ۴.

۳. همان، ش ۹۵، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴؛ همان، ش ۹۶، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴.

۴. برای اطلاع از این حوادث رک. به: همان، ش ۵، صفر ۱۳۲۵: ۷ (تصادف شهری)؛ همان، ش ۲۱، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۴ (زد و خورد در باب موقوفات)؛ همان، ش ۲۴، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۱-۲ (عقد غیر شرعی)؛ همان، ش ۱۱۳، محرم ۱۳۲۵: ۱-۲ (قتل).

۵. نکته جالبی که از افکار و آمال میرزا محمدصادق می‌توان فهمید، انگیزه فراوان جهت تشویق امر مدرسه و کتابخانه بوده است. به‌طوری که ورود تمدن مدرن را منوط به آموزش و پرورش می‌داند. زیربنای آن را هم آموزش از پایه نونهالی می‌داند. برای اطلاع بیشتر از افکار وی رک. به: همان، ش ۱، محرم ۱۳۲۵: ۴-۵ (درباره آموزش نونهالان)؛ همان، ش ۴، صفر ۱۳۲۵: ۷-۸ (قرار تأسیس قرائتخانه)؛ همان، ش ۵، صفر ۱۳۲۵: ۶-۷ (اعانه به مدرسه رحیمیه)؛ همان، ش ۱۱، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۱-۲ (تأسیس قرائتخانه سعادت)؛ همان، ش ۱۴، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۸ (قرائتخانه سعادت)؛ همان، ش ۲۲، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۳-۴ (مدرسه رحیمیه سعادت)؛ همان، ش ۲۳، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۱-۳ (مدرسه معرفت)؛ همان، ش ۴۲، رجب ۱۳۲۵: ۴ (تأسیس قرائتخانه ملی)؛ همان، ش ۵۶، رمضان ۱۳۲۵: ۳-۴ (مدرسه رحیمیه)؛ همان، ش ۷۶، ذیقعه ۱۳۲۵: ۴ (اعانه به مدرسه)؛ همان، ش ۷۷، ذیقعه ۱۳۲۵: ۱-۲ (مدرسه معرفت)؛ همان، ش ۸۳، ذیقعه ۱۳۲۵: ۴ (استعفا نامه اجزای مدرسه معرفت)؛ همان، ش ۸۴، ذیقعه ۱۳۲۵: ۱ (بقیه استعفا نامه)؛ همان، ش ۱۱۹، محرم ۱۳۲۵: ۱ (مدرسه رحیمیه سعادت)؛ همان، ش ۱۲۰، صفر ۱۳۲۶: ۲ (مدرسه رحیمیه).

شکل گرفتن انجمن معدلت رضوی (انجمن ایالتی)^۱، انجمن بلدیه^۲ و انجمن‌های غیر رسمی^۳، درج اخبار این انجمن‌ها یکی از مهمترین بخش روزنامه را تشکیل می‌داد.

۳-۳- انعکاس درخواست‌ها، مشکلات و اعتراض‌های ولایات خراسان

خورشید در شماره‌های متناوب درخواست‌ها و اتفاقات ولایات مختلف خراسان از جمله بجنورد، سبزوار، شیروان، قوچان و ... را درج کرده است. این روزنامه حوادث مختلفی از ولایات از جمله قتل و غارت، اعتراضات مردمی، تعدیات و اجحاف‌گری‌ها، جریان فروش دختران و استرداد آنان، ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی، حوادث ناگوار و ... را منعکس می‌کرد.^۴

۱. انجمن معدلت رضوی که بعضاً در روزنامه از آن به‌عنوان مجلس ملی، انجمن ملی و انجمن ایالتی یاد می‌شود ابتدا همانند دیگر ایالات و ولایات ایران برای انتخاب نمایندگان مجلس شورای ملی شکل گرفت. ولی بعدها که نظامنامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در ربیع الثانی ۱۳۲۵ تصویب و به سراسر کشور ابلاغ شد؛ این انجمن با انتخاباتی قانونی و جهت حل مشکلات ایالت خراسان شکل گرفت.

۲. درباره انجمن بلدیه شهر مشهد پیشتر طی مقاله‌ای به‌صورت مفصل بدان پرداخته‌ایم (ر.ک. به: بیطرفان: ۱۳۹۱).
۳. درباره انجمن‌های غیر رسمی شهر مشهد در دوره مشروطیت ر.ک. به: خورشید، سال اول، ش ۸، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۳ (انجمن سعادت)؛ همان، ش ۱۰، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۳-۴ (انجمن سعادت)؛ درباره تأسیس «قراستخانه سعادت» توسط این انجمن ر.ک. به: همان، ش ۱۱، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۱-۲؛ همان، ش ۴۱، رجب ۱۳۲۵: ۳؛ همان، ش ۸۱، ذیقعه ۱۳۲۵: صص ۳-۴ (انجمن برادران خراسان)؛ همان، ش ۸۲، ذیقعه ۱۳۲۵: ۴ (انجمن برادران خراسان)؛ همان، ش ۱۱۵، محرم ۱۳۲۵: ۳-۴ (لایحه انجمن ائنی عشریه)؛ همان، ش ۱۱۹، محرم ۱۳۲۵: ۱-۲ (انجمن سعادت).

۴. خورشید حوادث مختلف ولایات خراسان را درج نموده است که از لحاظ اجتماعی و فرهنگی، زمینه‌های تحقیقاتی مهمی را فراهم نموده است. ر.ک. به: همان، ش ۶۱، رمضان ۱۳۲۵: ۴ (قتل و غارت در سبزوار)؛ همان، ش ۹۳، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴ (قتل)؛ همان، ش ۱۱، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۶ (اعتراض مردم قائنات)؛ همان، ش ۴۴، شعبان ۱۳۲۵: ۴ (اعتراض رعایای نردین)؛ همان، ش ۷۵، ذیقعه ۱۳۲۵: ۴ (اعتراض به گاریچی‌های مسیر مشهد به تربت)؛ همان، ش ۸۱، ذیقعه ۱۳۲۵: ۱-۳ (تظلم کوه سرخیان)؛ همان، ش ۸۳، ذیقعه ۱۳۲۵: ۲ (اعتراض رعایای ربع شامات)؛ همان، ش ۸۹، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴ (عریضه رعایای درجز)؛ همان، ش ۱۰۷، محرم ۱۳۲۵: ۳-۴ (عریضه اهالی طبس)؛ همان، ش ۳، صفر ۱۳۲۵: ۵ (سبزوار)؛ همان، ش ۸، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۴-۵ (تربت)؛ همان، ش ۱۰، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۲ (شیروان)؛ همان، ش ۷۴، ذیقعه ۱۳۲۵: ۱-۲ (تجاوزات ترکمانان)؛ همان، ش ۱۱، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۵-۶ (فروش دختران لطف‌آباد)؛ همان، ش ۱۳، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۸ (استرداد دختران)؛ همان، ش ۲۴، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۳ (فروش دختران)؛ همان، ش ۲۸، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۳ (فروش زنان)؛ همان، ش ۷۴، ذیقعه ۱۳۲۵: ۳ (استرداد تعدادی از زنان تورنگ تپه)؛ همان، ش ۹۴، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴ (استرداد تعدادی از دختران عباس‌آباد)؛ همان، ش ۹۹، ذیحجه ۱۳۲۵: ۲ (استرداد تعدادی دیگر از زنان عباس‌آباد)؛ همان، ش ۱۰۱، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴ (استرداد تعدادی از دختران عباس‌آباد)؛ همان، ش ۱۱۷، محرم ۱۳۲۵: ۳ (استرداد دختران)؛ همان، ش ۲، محرم ۱۳۲۵: ۵-۶؛ همان، ش ۲۹، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۲؛ همان، ش ۳۹، رجب ۱۳۲۵: ۳-۲؛ همان، ش ۹۲، ذیحجه ۱۳۲۵: ۱؛ همان، ش ۳۹، رجب ۱۳۲۵: ۲؛ همان، ش ۶۲، رمضان ۱۳۲۵: ۳-۲.

در کنار آن به درج اخبار فرهنگی هم علاقه نشان می‌داد. مثلاً در شماره‌ای وقایع‌نگار روزنامه طی خبری از بجنورد ضمن گزارش آرامش و آسایش اهالی به نکته ژرفی اشاره می‌کند: «چند نفر از محترمین عجلتاً یک باب قرائت‌خانه دائر کرده‌اند که در آنجا از هر نوع روزنامه بگذارند، مردم این ولایت که چندان بضاعتی برای خرید جراید ندارند. در آنجا روزی یکساعت مشغول مطالعه اخبار شده، شاید چشم و گوششان باز شده، از این خواب جهل و غفلت بیدار شوند».

این سخن خود نشان می‌دهد دوره اول مشروطیت، زمینه‌های مساعدی را برای آگاهی توده مردم با رویکرد به قانون، مشروطیت و ... را فراهم آورد. همچنین روشنگری واعظان و روحانیون در مسجد و منبر، خبررسانی باسوادان از طریق جراید در قهوه‌خانه‌ها و بعضاً انجمن‌ها و موارد بی‌شمار دیگری، باب‌های متناوبی برای آشنایی مردم با اندیشه‌های نوین گشود. اما درک مردم از قانون و مشروطیت بیشتر حول مسائل رفاهی و معیشتی بود. بنابراین بیشتر گرایش عوام بر روی اخبار اجتماعی و معیشتی می‌چرخید و کمتر توجه به مسائل سیاسی کلان و علمی در نگاه آنان جا می‌گرفت.^۱

۳-۴- نگاه خاص به حالات و اتفاقات قانون جریانات سیاسی کشور (تهران)

و دیگر ایالات و ولایات ایران

روزنامه خورشید نگاه ویژه‌ای به تحولات سیاسی و اجتماعی شهر تهران داشت. چنان چه در اغلب شماره‌های این جریده عنوان "خلاصه اخبار طهران" به چشم می‌خورد. خورشید در این بخش بیشتر به خبرهای مجلس و دولت اهمیت می‌داد. ولی این بدان معنا نیست که دیگر اخبار مهم تهران را درج نمی‌کرد. درباره شهرهای دیگر ایران خبرهای چندی ارائه نمی‌شد. بیشتر این خبرها مربوط به تلگراف‌هایی بود که به انجمن ایالتی خراسان می‌شد و روزنامه طبق آن رسالتی که داشت آنان را درج می‌کرد. برخی خبرها و مقالات را هم وقایع‌نگاران، مردم و یا شخصیت‌های شناخته شده برای این روزنامه ارسال می‌کردند؛ که از آن جمله می‌توان به (۱) خبر کمک یکی از نسوان

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به: آبادیان و بیطرفان، ۱۳۹۱: ۴-۲.

قزوین به بانک ملی،^۱ ۲) نارضایتی رعایای املاک آقا نجفی و اعتراض آنان به انجمن ملی اصفهان،^۲ ۳) مقاله در رابطه با شهر سیستان که نویسنده معترض بود چرا بدان شهر رسیدگی نمی‌شود،^۳ ۴) خبرهایی در رابطه با انجمن ولایتی استرآباد،^۴ ۵) نگارش مقاله جهت همدردی با رنج‌های مردم آذربایجان^۵ ۶) خبری در رابطه با شهادت یکی از مشروط خواهان بزرگ یزدی^۶ و ۷) خبر از وقایع حزن‌انگیز تبریز^۷ اشاره نمود.

۳-۵- نشر اخبار خارجی

کمترین بخش روزنامه خورشید مربوط به درج اخبار خارجی بود. به نظر می‌رسد کم بودن صفحات روزنامه و فراوانی اخبار یکی از دلایل مهم عدم نشر اخبار خارجی بود. به هر حال، خورشید به برخی از خبرها علاقه نشان می‌داد که عبارتند از: ۱) بررسی شکست روس از "دولت عادلۀ ژاپون" و شکل‌گیری مجلس "دومای" دولت روس،^۸ ۲) خبر مبنی بر زلزله در حوالی تاشکند که در حدود ۱۵۰۰ نفر جان باختند،^۹ ۳) خبر از دسیسه "فرقه آزادی طلبان" و کشف آن در امپراطوری عثمانی،^۴ انصراف سلطان مراکش از گرفتن قرض از دولت فرانسه به خاطر شرایطی که استقلال این کشور را هدف قرار داده بود،^۵ جنبش ملی اسلامی مسلمانان هند در مقابل دولت انگلیس.^{۱۰} با نگاه به عنوان مطالب می‌توان پی به هدف سیاسی خورشید برد و یکی از مهم‌ترین رسالت این مقالات یا خبرها، شناخت استعمار بود.

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۳، صفر ۱۳۲۵: ۸؛ همان، ش ۴، صفر ۱۳۲۵: ۴-۵.
۲. همان، ش ۵، صفر ۱۳۲۵: ۳-۴.
۳. همان، ش ۸، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۳-۶.
۴. خورشید در میان ایالات و ولایات ایران به غیر از تهران، توجه ویژه‌ای به وقایع استرآباد دارد (همان، ش ۴۸، شعبان ۱۳۲۵: ۲؛ ش ۵۷، رمضان ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۵۵، رمضان ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۵۶، رمضان ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۵۹، رمضان ۱۳۲۵: ۲؛ ش ۶۲، رمضان ۱۳۲۵: ۳؛ ش ۶۴، شوال ۱۳۲۵: ۳؛ ش ۶۵، شوال ۱۳۲۵: ۳-۴؛ ش ۶۸، شوال ۱۳۲۵: ۲؛ ش ۹۲، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴).
۵. همان، ش ۵۸، رمضان ۱۳۲۵: ۱-۲.
۶. نکته جالب در این خبر تنبه اهالی یزد به جریان مشروطیت از طریق جراید بود (برای اطلاع بیشتر ر.ک. به: خورشید، سال اول، ش ۷۸، ذیقعدۀ ۱۳۲۵: ۴).
۷. همان، ش ۱۱۱، محرم ۱۳۲۶: ۳-۴.
۸. همان، ش ۲، محرم ۱۳۲۵: ۸.
۹. همان، ش ۶۲، رمضان ۱۳۲۵: ۴.
۱۰. همان، ش ۹۵، ذیحجه ۱۳۲۵: ۱-۲.

۳-۶- درج سلسله مقالات سیاسی جدی و طنز

یکی دیگر از بخش‌های مهم خورشید یا شاید مهمترین آن، چاپ مقالات سیاسی طنز و جدی بود. این مقالات که به‌طور سلسله‌ای به طبع می‌رسید معمولاً بیان‌کننده ذهنیت نویسندگان بود. روزنامه خورشید در شماره اول از "از ادبا و دانشمندان ملت" دعوت می‌کند که «نتایج افکار خودشان آنچه [را که] موجب تنبّه و بیداری ملت و باعث آبادی وطن و آسایش ابناء وطن» است را مرقوم دارند تا در جریده چاپ شود.^۱

بر این اساس، برخی از بزرگان به همکاری با این روزنامه جذب شدند. شخصی به نام مستعار "ساده گو" با یک سلسله مقالاتی با عنوان "مقاله ساده گویان" به این دعوت پاسخ مثبت داد. وی در جریان معرفی خود که بیشتر به‌طور طنز بر بی علم و عوام بودن خود تأکید می‌کرد، می‌آورد: «از این گذشته ما عوام هم می‌خواهیم در این جریده ملی حقی داشته باشیم ... این را بدانید که چون عده ما عوام بیشتر از شما خواص است صفحه ما نیز بهتر رواج خواهد داشت. و از آنجائی که نکات دقیقه و مرموزه انشائیّه را نمی‌توانیم از عهده برائیم اظهارات ما پس صریح‌تر و واضح‌تر از اظهارات شما خواهد بود و عنقریب خواهید دید که ما عوام‌الناس که از قیودات رسمیت و تعارفات خصوصیت عادی و بری هستیم ترقیات فوق‌العاده خواهیم کرد و از نتایج افکار خود یادگارهای بزرگ خواهیم گذارد که شما خواص و دانایان از عهده آن بر نخواهید آمد».^۲

این مقدمه خود نشان از خمیرمایه افکار مقاله‌نویس دارد که در شماره‌های آتی به طنزهای (هر چند تلخ) سیاسی و اجتماعی می‌پردازد و با زبان عوام با مردم سخن می‌گوید. جالب اینکه با توجه به هم رأی نبودن صاحب امتیاز جریده خورشید با برخی از مقالات "ساده گو"، این مقالات منتشر می‌شد.^۳

شخصی دیگری با نام مستعار "ملا بی‌پروا" سلسله مقاله‌ای طنز با عنوان «جواب میرزای ترسوی کاشانی از ملا بی‌پروای خراسانی (از چه میترسی؟ برادر جان! نترس)»، بر

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱، محرم ۱۳۲۵: ۳.

۲. همان، ش ۳، صفر ۱۳۲۵: ۳-۵.

۳. همان، ش ۱۴، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۸.

علیه مخالفان روحانی نظامنامه بلدیّه نگاشت.^۱ ولی رفته رفته، دیگر جنبه‌های اجتماعی و سیاسی را در بر گرفت. در جواب هم «میرزا ترسو جواب ملا بی‌پروا را می‌دهد» در پاسخ به فرد قبلی نگاشته شد. که این جواب نشان دهنده وضعیت خراب شهر و جامعه مشهد آن دوره است.^۲

مقالات سیاسی مختلفی هم در این جریده به رشته تحریر درآمده است که می‌توان به برخی از آنان اشاره نمود:

۳-۶-۱- مقاله "مصالح اتحاد و مفاصد نفاق" که نگارنده بیشتر به فواید مقوله اتحاد ایرانیان می‌پردازد.^۳

۳-۶-۲- مقاله "حوادث زمان یا بدبختی ایرانیان"، که به بررسی موانع و مشکلات کشور می‌پردازد؛ تا علت این همه "انقلابات" و تجاوزهای بیگانگان به کشور را دریابد.^۴

۳-۶-۳- مقاله "ایضاحات در خصوص آزادی"، که خلاصه کوتاهی از رساله عبدالرحیم طالبوف است. نویسنده براساس مقتضیات زمانی خرید و خواندن آن را به خوانندگان توصیه می‌کند. چنان‌چه این "وجیزه نافع" [را] برای ابناء وطن از ضروریات می‌داندست. زیرا "با الفاظ سهل و ساده معنی آزادی و تکالیف ملت و وکلاء و غیره را" بیان می‌کرد.^۵

۳-۶-۴- مقاله‌ای دیگر با عنوان "ملت از وزراء چه می‌خواهند" و "ملت از وکلا چه می‌خواهد" به خامه یکی از جوانان وطن نگاشته شد. نویسنده در ابتدا به صورت کلی خیانت وزراء به ملت را می‌نماید. به‌طوری که از آنان می‌خواهد حداقل این‌که کمکی نمی‌کنند باری بر دوش ملت نگذارند و "بر زخمشان نمک" نپاشند. و از نمایندگان ملت می‌خواهد ترس را کنار بگذارند و از این فرصت تاریخی استفاده کنند، تا بتوانند قدمی، ملت ایران را از منجلاب استبداد برهانند؛ تا «انشاءالله چیزی نگذرد که نیر اقبال

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱۰۰، ذیحجه ۱۳۲۵: ۳-۴.

۲. درج سلسله مقالات طنز که پیشتر در اوائل دوره مشروطیت از قلم دهخدا در روزنامه صوراسرافیل به اوج رسید، یکی از مهمترین بخش‌های روزنامه است که باب میل عوام بود. و توده مردم بیشتر به این بخش توجه داشتند. ر.ک. به: همان، ش ۱۰۳، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۱۰۴، ذیحجه ۱۳۲۵: ۱-۲؛ ش ۱۰۵، ذیحجه ۱۳۲۵: ۳-۴؛ ش ۱۰۸، محرم ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۱۰۹، محرم ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۱۱۲، محرم ۱۳۲۵: ۱-۲؛ ش ۱۱۷، محرم ۱۳۲۵: ۱-۲.

۳. همان، ش ۸، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۸.

۴. همان، ش ۳۷، رجب ۱۳۲۵: ۱-۴.

۵. همان، ش ۳۹، رجب ۱۳۲۵: ۱-۲؛ همان، ش ۴۱، رجب ۱۳۲۵: ۴.

از محاق زوال با رخسار نورا چهره بیضا به نماید و بخت بیدار از پس حجاب ادبار رخ بگشاید و دل‌های غمگین وطن پرستان شاد و ایران ویران آباد گردد».^۱ وی در چند شماره بعد مقاله "ملت از ارباب جراید چه می‌خواهد" را می‌نگارد.^۲

۳-۶-۵- مقاله و یا بهتر بگوییم اعلامیه‌ای از طرف روزنامه با عنوان "قابل توجه اعیان عظام و اشراف فخام خراسان" چاپ شد که از تعلل یک ساله آنان برای فرستان وکیل به دارالشورای ملی گلایه می‌کرد. این جریان در صورتی بود که قریب به اتفاق وکلای اعیان شهرهای ایران در مجلس حضور یافته بودند.^۳ از این گذشته از کل ۱۲ نفر وکلای ایالت خراسان تا این تاریخ، فقط پنج نفر در مجلس حاضر بودند.

۳-۶-۶- مقاله‌ای با عنوان "برادران وطن وقت همت است"، به شرایط اسفبار منطقه آذربایجان اشاره می‌کند که از هر طرف، درگیر تجاوز نیروهای عثمانی، شرارت اکراد و ظلم‌های اقبال السلطنه ماکویی قرار گرفته بود. وی در این مقاله به طور ضمنی از مردم مناطق دیگر گلایه می‌کند که فقط با فرستادن تلگراف و یا گریه و روضه‌خوانی خون شهدا و زجر مردم آذربایجان را پاس می‌دارند.^۴

۳-۶-۷- نویسنده در مقاله‌ای با عنوان "قانون اساسی روح حیات ملیت"، قانون اساسی را "قوه جان‌مدنیت و فرمان آزادی و یرلیغ مشروطیت" عنوان می‌کن. و در ادامه به نحوی از انحاء، پیشرفت و تعالی کشور را براساس آن اعلام می‌کند.^۵

۳-۶-۸- مقاله‌ی "الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم" پیشتر برای تأیید نابودی ظلمت علیه ظالم به عنایت پروردگار عالم به رشته تحریر آراسته شده است. نویسنده با تحلیل این آیه در نظر دارد به‌طور تلویحی نشان دهد رشته ظلمت در مدار عنایت الهی نیست و سقوطش حتمی است. نویسنده می‌آورد: «خداوند همواره نظر به ثبات حکمت خویش جل اسمه مدافعه از طبقات ضعفا فرموده دست ظالمرا قطع نماید اما کفر چنین نیست چه قبح کفر مادامیکه ضد نظام عالم واقع نشده چون امری است

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۴۴، شعبان ۱۳۲۵: ۴.

۲. همان، ش ۵۲، رمضان ۱۳۲۵: ۱-۲.

۳. همان، ش ۴۶، شعبان ۱۳۲۵: ۱.

۴. همان، ش ۵۱، شعبان ۱۳۲۵: ۱-۲.

۵. همان، ش ۶۰، رمضان ۱۳۲۵: ۱-۴.

که جزای او موکول بدارالبقاء است حکمت تکوینی عالم معارضا با او نمیکند...»^۱

۳-۶-۹- نویسنده در مقاله‌ای با عنوان "راه آبادی ایران یا اقتضاء طبیعت مملکت" با هوشیاری فراوان نسبت به امور سیاسی، از غافلان می‌خواهد "در پی چاره جوئی دردهای بیدرمان" براساس "استعداد فعلی" و "جغرافیایی طبیعی و سیاسی" باشند. و "نظر به مقتضیات عصری" از تقلید صرف از روش و منش اروپائیان در آمده و «بفراخور وضع مملکت و اهالی و استعدادات اسباب ... بارعایت وضع مرز و بوم ایران و قواء طبیعه ایرانیان و حدود مذهبی ایشان ... بی عجلت بر آن چه پیشرفت آن مایه اختلال باشد با همین قوای جانی و مالی و توانائی اهالی» با کوشش فراوان به پیشرفت ایران قیام کنند. وی تقلید کامل بدون در نظر گرفتن مبانی فکری و مذهبی ایران را مضر می‌داند. چنانچه مثال می‌آورد اگر کشورهای آسیایی همچون "ژاپون" فقط در "مصالح لازمه" از اروپایی‌ها تقلید می‌کردند، امروز وضعیتشان "بایندرجه از ابتدال و استیصال" نمی‌رسید. وی اعتقاد دارد اروپایی‌ها به واسطه "فرط وطن پرستی و استقلال مزاج"، ژاپنی‌ها نتوانستند آنان را از پیشرفت باز دارند. ولی برعکس در آسیا آن‌چه که از مدل اروپایی برداشت شد همچون «صورت‌پروری و ظاهرسازی و تغییر لباس و غناء سازنده‌گی و رقص و طرب و لباس و اکل و شرب و پذیرفتن تیاترها و بناء عمارات عالیه خانه خراب کن و مبل و اسباب زینت و آزادی از قید اخلاق و مردمی و ممیزات قومی اهالی مصر و هند و ایران حقیقتاً داد تقلید را باعلا درجه داده‌اند [در صورتی‌که] ژاپون و چین از این تلونات و هرزه مزاجیها ابداً» تقلید نکردند. وی با نکته سنجی می‌گوید «مسلم است که نفس جمهوریت و یا مشروطیت بی‌رعایات طبیعیات مملکت و استعدادات ملت و مقتضیات فطرت برای عمران بلاد و آسایش و اصلاح حال عباد وافی و کافی نیست». نویسنده در ادامه با بیان مثالی به تشریح عقیده خود می‌پردازد. وی "ونیزولا"^۲ را مثال می‌آورد که "یکی از دول جمهوری امریک" است ولی به خاطر عدم «رعایت طبیعیات ملکی و استعدادات اهالی خواسته است ترقی و عمرانی بهم رساند و با داشتن نسخه کیمیای جمهوریت حال او شبیه باحوال ما است یعنی ترقی معکوس می‌کند و دیگری

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۹۳، ذیحجه ۱۳۲۵: ۱-۲.
۲. ونزولا

دولت (پرتگیز)^۱ در اروپا از دول مشروطه است بآنکه چندی قبل دعوی شاهنشاهی داشت امروز بواسطه جهل و غفلت از مقتضیات زمانه حالش زبون و ترقی‌اتش واژگون است...^۲ و در مقابل سلطنت‌های بسیار کوچک مثل بلجیک و یونان را ملاحظه فرمائید که بچه مایه از ثروت و ترقی رسیده‌اند». نویسنده سپس با برشمردن معایب ایرانیان می‌آورد: «اول باید مرض را فهمید و سپس باندازه صلاحیت دوا در کام مریض ریخت تا بهبودی» حاصل شود.^۳

۳-۶-۱۰- نویسنده‌ای در مقاله‌ای با عنوان "مشروطه چیست و استبداد کدام است"، تلاشی ارزشمند جهت آگاهی عوام به حقوق خود انجام داد. نویسنده ابتدا عقل را به دو وجهه بیدار و خفته تشبیه می‌کند. سپس مشروطه را به سان عقل بیدار و استبداد را همانند عقل خفته فرض می‌پندارد و مشروطه را بدیل علم و استبداد را عوض جهل تشبیه می‌کند. چنانچه می‌گوید: «زهی آن بی‌خردی که ترجیح دهد جهل را بر علم ... عدل بهتر است از ظلم زهی جهالت که ترجیح دهد ظلم را بر عدل ... نور بهتر است از ظلمت ... زهی کوتاه‌نظری که ترجیح دهد ظلمت را بر نور و شک نیست ایضاً که آقائی و بزرگی و سعادت و قوت و عزت و شوکت بهتر است از بندگی و اسارت و ضعف و ذلت ... و نیز شک نیست که آزادی عقول و علوم و نفوس بر نهجیکه در فرامین انبیاء مدون است بهتر است تا از مسجون بودن در تحت فرمان دو سه نفر که نه خدا بداند و نه پیغمبر و نه امام و نه کتاب و مشروطه که ما می‌طلبیم همان اولی است ...»^۴

۳-۶-۱۱- نویسنده با نگارش مقاله‌ای با عنوان "فلفل نبین چه ریزه است" به تشریح دست‌اندازی انگلستان به ممالک هند با همان ترفند شرکتهای تجاری می‌پردازد و در ادامه با ذیل مطلبی به نام "انتباه" از عدم شعور سیاسی ایرانیان گله می‌کند. به‌طوری

۱. پرتقال

۲. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۹۴، ذیحجه ۱۳۲۵: ۱-۲.

۳. همان، ش ۹۵، ذیحجه ۱۳۲۵: ۱.

۴. همان، ش ۹۸، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴.

۵. همان، ش ۹۹، ذیحجه ۱۳۲۵: ۱. این مقاله در ادامه همان «مشروطه چیست و استبداد کدام است» آمده که در این شماره، نویسنده و یا مطبوعه دچار خبط شده و آن را در ذیل مقاله «راه آبادی ایران یا اقتضاء طبیعت مملکت» آورده است.

که مثال استقبال مردم از نشر شعب بانک استقراضی را می‌آورد.^۱

۳-۶-۱۲- نویسنده در مقاله‌ای با عنوان "آلمان و حیات قومی"، تلاش گسترده معارف‌خواهان آن کشور جهت پاکسازی زبانشان از لغات بیگانه را مطرح می‌کند. ولی این مسأله، مقدمه‌ای بر مطالب ذیل آن تحت عنوان "انتباه" است. نویسنده پس از طرح آگاهی ملت آلمان، از قشر خواص خرده می‌گیرد که به جای این که مقدمات حذف لغات بیگانه را از زبان فارسی مهیا کنند، خود به ورود لغات بیگانه دامن می‌زنند.^۲

۳-۷- درج "اعلانات" یا تبلیغات

چاپ تبلیغات و یا به قول خود روزنامه "اعلانات" از لحاظ بررسی‌های اجتماعی بسیار مهم و مفید است. نخستین اعلانات از شماره ۱۰ روزنامه آغاز شد که بدین قرار است:

۳-۷-۱- برخی اعلانات درباره فروش بلیط شرکت‌های مسافرتی بود. مثلاً نخستین اعلان در رابطه با مسافرت از مشهد به عشق آباد، از طریق "اداره چاپارخانه" بود. این تبلیغ در جایی جالب می‌شود که روزنامه با برشماری مزیت این امر به تهییج مردم می‌پردازد: «در این صورت مسافرت با چاروادار یا فورکون غیر پستی آن‌هم با کرایه گزاف شرط عقل نیست». اعلان دیگر در رابطه با خبر "رئیس کشتی بخاری" به ریاست دوبرو ولنی پروت بود. در این آگهی مسیر و زمان حرکت کشتی از "باطوم الی جده" مشخص شده بود و به مسافرین و "حجاج بیت الله الحرام" اعلام کرده بود می‌توانند با این کشتی به سفر بپردازند.^۳

۳-۷-۲- اعلان بعدی در رابطه با استخدام یک معلم ابتدائی برای مدرسه رحیمیه بود که از تعلیم دروس ابتدائی "بوضع جدید" آگاه باشد.^۴

۳-۷-۳- اعلان دیگر جنبه تولید کار داشت و در رابطه با جذب "دو سه نفر طفل

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱۰۸، محرم ۱۳۲۶: ۲-۳.

۲. همان، ش ۱۱۵، محرم ۱۳۲۶: ۱-۲.

۳. این تبلیغات به صورت سلسله‌ای و در چندین شماره روزنامه درج گردیده است: همان، ش ۱۰، ربیع الاول ۱۳۲۵:

۸؛ همان، ش ۱۱، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۸؛ همان، ش ۱۳، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۸؛ همان، ش ۵۱، شعبان ۱۳۲۵: ۴؛

ش ۵۲، رمضان ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۵۳، رمضان ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۵۴، رمضان ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۵۷، رمضان ۱۳۲۵: ۴.

۴. همان، ش ۱۰، ربیع الاول ۱۳۲۵: ۸؛ همان، ش ۱۱، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۸.

زیرک، باهوش، درستکار با ضامن" برای فروش روزنامه خورشید بود.^۱ به نظر می‌رسد دفتر روزنامه نتوانسته بود کودکانی را برای فروش روزنامه جذب کند. زیرا در چند شماره بعد جریده خورشید از اهالی خواهش می‌کند «چند نفر آدم برای فروختن روزنامه یومیه در اداره خورشید لازم است. از اشخاص بیکار مستدعی است برای رفع بیکاری و کسب روزی رجوع فرمایند. ده یک حق‌العمل داده می‌شود».^۲ باز به نظر می‌رسد روزنامه نتوانسته بود به اهداف خود دست یابد. زیرا سرانجام تصمیم گرفت مکان‌های ثابتی برای فروش روزنامه‌ها در شهر جستجو کند. برای وهله اول دکان آقامشهدی ابوالقاسم سقط فروش تبریزی و "قرائت‌خانه" آقا میرزا اسدالله در محله "بالاخیابان" در نظر گرفته شد. همچنین اعلان داده شد که دو مغازه یکی در بازار و دیگری در "پائین خیابان" لازم است که با همان حق‌العمل "ده یک" خود را به اداره معرفی نماید.^۳ بعدها محل مغازه هم در بازار تیمچه محمدیه، اطاق حاج علی اصغر تاجر اسکویی معین می‌شود.^۴ جالب این‌که از شماره ۱۵ رویه ترتیب اعلان تغییر کرد. به زبان دیگر، برخلاف رویه قبل که اعلانیه‌ها در صفحه آخر قرار داشت و سطری ده شاهی قیمت داشت، اینک صفحه اول هم آگهی می‌پذیرفت، بدین تفاوت که سطری یک قران قیمت داشت.

۳-۷-۴- نوع دیگر اعلانات، تبلیغ فروش کتاب‌های رمان تاریخی و اجتماعی هم چون سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیک، سیاحت‌نامه حاجی‌بابا اصفهانی و مکالمه سیاح ایرانی با شخص هندی بود.^۵

۳-۷-۵- برخی اعلانات هم جنبه خطاری- خبری داشت. به عنوان نمونه در شماره‌ای

۱. همانجا.

۲. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱۵، جمادی الاول ۱۳۲۵: ۱.

۳. همان، ش ۱۹، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۴.

۴. همان، ش ۶۱، رمضان ۱۳۲۵: ۴.

۵. همان، ش ۱۲، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۴. همچنین اعلان فروش کتاب «تاریخ مصور جنگ شرق اقصی یعنی محاربه دولتین روس و ژاپون» که از فرانسوی به فارسی ترجمه شده بود (همان، ش ۴۵، شعبان ۱۳۲۵: ۴)؛ «نظامنامه قانون اساسی» منتشر شده در شماره ۱۳۸ روزنامه حبل‌المتین تهران (همان، ش ۵۹، رمضان ۱۳۲۵: ۴)؛ کتاب «کلیات ملکم» اثر میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله (همان، ش ۷۲، شوال ۱۳۲۵: ۴)؛ اعلان فروش «نظامنامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و ضمیمه قانون اساسی و نظامنامه انجمن بلدی» در کتابخانه اداره خورشید (همان، ش ۱۰۵، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴)؛ و دیگر کتاب‌هایی نظیر «میکادونامه»، «خانم شامی»، «بساتین العلماء در رد بابیه». جالب این‌که خورشید اعلان می‌کند «غیر از اینها هم هر کس هر کتابی از طهران یا جای دیگر طالب باشد [پول] او را نقد بدهد بتوسط پست خواسته می‌شود» (همان، ش ۱۱۲، محرم ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۱۱۳، محرم ۱۳۲۵: ۴؛ ش ۱۱۴، محرم ۱۳۲۵: ۴).

به شهروندان مشهودی اعلان می‌شود که قراولان و سربازان حق تعرض به بارها را ندارند و در صورت مشاهده با آنان برخورد می‌گردد. در اعلان دیگر از طرف انجمن معدلت رضوی به مردم اعلام می‌شود «بموجب مفاسدیکه بر اطاق شیره‌کش‌خانه‌ها و منازل عرق فروشی و منازل فواحش مترتب» بوده، امر به بستن آنها شده است. چنان‌که کسی در همسایگی خود مشاهده نمود آن را به جناب بیگلربیگی اطلاع بدهد.^۱ در اعلانی دیگر می‌آید: «چون انجمن مقدس ارض اقدس در ابتداء تأسیس و تشکیل محض انتساب آستان قدس بانجمن معدلت رضوی موسوم شده ولی در این اوان بر حسب اقتضاء زمان بعموم اهالی خراسان و سایر بلدان ابلاغ و اعلان می‌شود که من بعد عنوان نوشتجات غیره بعنوان انجمن ایالتی خراسان خواهد بود».^۲

۳-۷-۶- بعضی اعلانات هم در رابطه با فروش املاک بود و جنبه شخصی داشت. برای مثال در روزنامه آمده بود که «یکباب خانه در کوچه باغ جناب نایب‌التولیه جنب آب‌انبار محمدعلی خان بقیمت معمار بفروش میرسد ...».^۳

۳-۷-۷- اعلان دیگر جنبه تجاری داشت. خورشید در شماره ۴۰ اعلان می‌دهد که «فروش نفت اداره شمسی اسدالله اوف و عبادبیک اوف» از جناب حاجی جبارآقا منقطع و به محمدصادق تبریزی (نویسنده خورشید) واگذار شد.^۴ این بود تا این که مدتی بعد طی اعلانی دیگر صادق تبریزی این وکالت را به خود اسدالله اوف مسترد می‌کند.^۵

۳-۷-۸- بعضی اعلانات جنبه فرهنگی داشتند. مثلاً در اعلانی «تأسیس قرائت‌خانه ملی در دارالخلافة طهران» را به همگان تبریک گفته بود.^۶

۳-۷-۹- اعلان دیگر اعلامیه ترحیمی بود.^۷

۳-۷-۱۰- برخی اعلانات هم جنبه رفاهی داشت. مثلاً در یک اعلان، افتتاح حمام

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۱۴، ربیع الثانی ۱۳۲۵: ۸.

۲. همان، ش ۶۳، شوال ۱۳۲۵: ۴.

۳. همان، ش ۱۹، جمادی الثانی ۱۳۲۵: ۴.

۴. همان، ش ۴۱، رجب ۱۳۲۵: ۱.

۵. همان، ش ۶۵، شوال ۱۳۲۵: ۱.

۶. همان، ش ۴۲، رجب ۱۳۲۵: ۴.

۷. همان، ش ۷۰، شوال ۱۳۲۵: ۴.

تازه و پاکیزه به اطلاع عموم رسید.^۱ اعلان مهم دیگر در رابطه با تبلیغات مطب پزشکی عین‌الحکما بود. در این اعلانیه آمده بود: «این بنده میرزا یعقوب خان معروف عین‌الحکماء در عمل جراحی و کحالی تکمیل تحصیل نموده در خدمت ابناء وطن حاضر است، مخصوصاً در معالجه امراض چشم از سبل و غیره و دفع آب مروارید بمیل زدن چشم ...».^۲

۳-۷-۱۱- اعلان دیگر در رابطه با گم شدن برخی اشیاء بود.^۳

۳-۷-۱۲- یکی از کارهای مهم و سودمند خورشید، معرفی کاندیداهای انتخابات انجمن بلدیّه بود. این حرکت خورشید در نوع خود نخستین اقدام یک روزنامه می‌باشد که حتی در جراید دوره اول مشروطیت نظیر آن دیده نشده است. از آنجایی که در مقاله‌ای دیگر درباره انجمن بلدی مشهد بدان پرداخته‌ایم، دیگر طرح آن لازم به نظر نمی‌رسد.^۴

نتیجه

با شکل‌گیری انقلاب و تأسیس نهادهای مشروطیت، نیاز به روزنامه‌هایی برای نشر اخبار مجلس و تحولات سیاسی و اجتماعی کشور بیش از پیش احساس شد. از این رو یکی از مهمترین پیامد تأسیس روزنامه‌های آزاد، جدای از انتقال خبر و رشد آگاهی‌های عمومی، به‌وجود آوردن پیوند زنجیروار بین مردم شهرهای مختلف بود. این حادثه می‌توانست اتحاد مردم را مستحکم و فضای مقابله با جریانات استبداد را مهیا نماید. روزنامه خورشید به‌عنوان یکی از روزنامه‌های مهم ایران، همواره این رسالت را همراه خود داشت؛ هر چند در این میان کمتر مورد عنایت پژوهشگران قرار گرفت. روزنامه از لحاظ شکلی دو دوره متفاوت را پیمود. نخست با چاپ سنگی و جوهر نامرغوب پای به عرصه روزنامه‌نگاری نهاد ولی پس از چندین شماره ابتدائی نوع چاپ خود را به سربی تغییر داد که به زیباتر شدن روزنامه کمک شایانی کرد. تحول انتشار روزنامه نیز نشان داد که تعداد خوانندگان و خوانندگان روزنامه افزایش یافته است؛ زیرا تا شش شماره

۱. روزنامه خورشید، سال اول، ش ۸۳، ذیقعد ۱۳۲۵: ۳.

۲. همانجا.

۳. همان، ش ۹۰، ذیحجه ۱۳۲۵: ۱؛ همان، ش ۹۱، ذیحجه ۱۳۲۵: ۴.

۴. برای اطلاع بیشتر ر.ک. به: همان، ش ۹۳، ذیحجه ۱۳۲۵: ۲-۳؛ همان، ش ۱۰۳، ذیحجه ۱۳۲۵: ۳-۴.

نخست هفته‌ای یکبار منتشر می‌شد و از هفته ۱۸ به بعد به نشر چهار نوبت در هفته افزایش یافت.

خورشید به مسلک اعتدالی اداره می‌شد؛ چنانچه شناخت آزادی‌ها بر مبنای قانون اساسی را سرلوحه عملش قرار داده بود و صریحاً از افراط‌گری دوری و حتی آن را تقبیح می‌نمود. مقالات سیاسی و علمی آن فوق‌العاده مهم بود؛ تا جایی که به زعم نگارنده در برابر روزنامه‌های معروف هم عصر خود برابری می‌کرد. صورت کلی روزنامه را می‌توان در چند زمینه خلاصه کرد: (۱) خورشید توجه به مسائل شهری و ولایات خراسان را از مهمترین وظایف خود برمی‌شمارد. (۲) شناخت استعمار و راه‌های ورود آنان به درون حیات سیاسی یک کشور. (۳) مهم این که خورشید در مقالاتش به بررسی موانع و مشکلات اساسی کشور که جلوی پیشرفت مشروطیت را می‌گرفت، پرداخت. (۴) این روزنامه به تجزیه و تحلیل معنا و مفهوم حرّیت و آزادی، و تقبیح افراط‌گری و موضع سوءاستفاده از معنای آزادی پرداخت. (۵) تمام تلاش خود را کرد که توده مردم را با حقوق سیاسی، شهروندی و ملی خود با تکیه بر قانون اساسی آشنا نماید. (۶) موشکافی معنا و مفهوم ظلم و عدل در قالب استبداد و مشروطیت. (۷) جریان اتحاد و همیاری تمام ایرانیان از هر نژاد یا مذهب، به واسطه بررسی راهکارهای اتحاد و شناسایی عوامل نفاق. (۸) این روزنامه به شدت به غرب‌زدگی در ایران می‌تازد و ژاپن را الگوی نمونه از پیشرفت با فرهنگ خودی معرفی می‌کند. دیگر این که روزنامه خورشید حق بزرگی در دوره مشروطیت داشت و تا حدودی توانست با خبرها و مقالات متنوع به تنویر افکار عمومی بپردازد و آخر این که، از لحاظ تحقیقات تاریخی و اجتماعی، بزرگ‌ترین خدمت را به پژوهشگران تاریخ و علوم اجتماعی کرد.

منابع

۱. آبادیان، حسین؛ بیطرفان، محمد (۱۳۹۱). "موانع تاریخی رشد مدیریت شهری در دوره اول مشروطه؛ تجربه انجمن‌های بلدی". *مجله تحقیقات تاریخ اجتماعی*، سال دوم، ش ۲ (پائیز و زمستان): ۱-۲۴.
۲. بروان، ادوارد (۱۳۸۶). *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت*، ج ۱. ترجمه محمد عباسی، تهران: علم.
۳. بیطرفان، محمد (۱۳۹۱). "شکل‌گیری اولین انجمن بلدی مشهد در دوره اول مجلس شورای ملی". *مجله تاریخ نو دانشگاه تربیت مدرس*. سال دوم، ش ۴ (پائیز و زمستان): ۱-۲۴.
۴. رابینو، ه. ل. (۱۳۸۰). "روزنامه‌های ایران (از آغاز تا سال ۱۳۲۹ ق)". ترجمه جعفر خامی زاده. تهران: اطلاعات.
۵. رضوانی، محمداسماعیل (۱۳۷۹). *تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران (بشارت، خورشید)*. به کوشش هما رضوانی. تهران: برگ زیتون.
۶. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (۱۳۸۸). *فهرست روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها در سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی (از آغاز تا پایان سال ۱۳۸۴)*، ج ۱. به کوشش طاهر مهاجرزاده. زیر نظر رحمت‌الله فتاحی و فرید قاسمی. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
۷. صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳). *تاریخ جراید و مجلات ایران*. اصفهان: کمال.
۸. محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۶). *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*. تهران: بعثت.
۹. قاسمی، فرید (۱۳۸۹). *مطبوعات ایران*. تهران: علم.

روزنامه‌ها

- روزنامه انجمن ملی مقدّس اصفهان، سال اول، ش ۱۳ (۱۶ صفر ۱۳۲۵)
- روزنامه جبل المتین کلکته، سال چهاردم، ش ۴۲ (جمادی الاول ۱۳۲۵)
- روزنامه حکمت، سال پانزدهم، ش ۸۸۳ (۱ صفر ۱۳۲۵)
- روزنامه خورشید، سال اول، شماره های ۱-۱۲۰ (۲۱ محرم ۱۳۲۵ الی ۱ صفر ۱۳۲۶)
- روزنامه روح القدس، سال اول، ش ۲۸ (۱۷ جمادی الاول ۱۳۲۶)
- روزنامه صوراسرافیل، سال اول، ش ۱ (۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵)
- روزنامه عدالت، سال دوم، ش ۴۲ (۵ ربیع الاول ۱۳۲۶)
- روزنامه ندای وطن، سال اول، ش ۲۱ (۲۵ صفر ۱۳۲۵)؛ ش ۶۹ (۲۲ شعبان ۱۳۲۵)؛ ش ۱۸۸-۱۸۹ (۲۱ محرم ۱۳۲۶)
- روزنامه معارف، سال اول، ش ۱۹ (۳ ربیع الاول ۱۳۲۵)

بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و رضایت شغلی معلمان شهر مشهد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۲۲

مسعود حاجی‌زاده میمندی^۱

سید محمود لعل سجادی^۲

چکیده

تعریف رضایت شغلی به اختصار عبارت از نگرش مثبت و خوشایند فرد به شغل خود می‌باشد. برای تحقق اهداف سازمان‌های مختلف موجود در جامعه لازم است که کارکنان آن از رضایت شغلی مطلوبی برخوردار باشند و معلمان به‌عنوان یک قشر فرهنگی که نقشی تعیین‌کننده در تربیت نیروی انسانی و هم‌چنین ارتقای فضای فرهنگی- اجتماعی جامعه به عهده دارند؛ برای ایفای نقش و کارکردهای خود لازم است که از رضایت شغلی کافی برخوردار باشند. اعتماد اجتماعی که عبارت از سطح اطمینان و عواطف مشترک افراد درگیر در یک رابطه اجتماعی تعریف شده است از مهم‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردد و معلمان به‌عنوان یکی از اقشار تأثیرگذار و مرجع جامعه نیاز به آن دارند که از اعتماد اجتماعی کافی برخوردار باشند تا بتوانند رسالت و مسؤولیت‌های خود را به‌خوبی ایفا کنند. پژوهش حاضر به بررسی میزان اعتماد اجتماعی و رابطه آن با میزان رضایت شغلی معلمان شهر مشهد پرداخته است. روش پژوهش، پیمایشی و جامعه آماری کلیه معلمان رسمی و مشغول به تدریس مقاطع ابتدائی، راهنمائی و دبیرستان شهر مشهد بوده که تعداد آنها ۱۸۸۲۸ نفر است که ۲۹۸ نفر از آنها بر اساس فرمول کوکران به عنوان نمونه انتخاب شده است. شیوه نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب چند مرحله‌ای بوده است. روش اصلی جمع‌آوری داده ها در این پژوهش پرسشنامه بوده است که از روائی و پایایی مناسب برخوردار بوده است. روائی از نوع محتوایی یعنی مراجعه به متخصصان که عمدتاً اساتید دانشکده علوم اجتماعی بوده‌اند و برای سنجش پایایی از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده

masoudhajizadehmeymandi@gmail.com

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، نویسنده مسؤول
۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دبیر دبیرستان‌های مشهد

که این ضریب برای اعتماد اجتماعی برابر با ۰/۸۹ و برای رضایت شغلی برابر ۰/۸۳ بوده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که میزان اعتماد اجتماعی در حد متوسط، میزان رضایت شغلی متوسط رو به بالا بوده است و بین اعتماد اجتماعی و رضایت شغلی رابطه معناداری وجود داشته است به این معنا که هر چه میزان اعتماد اجتماعی در بین معلمان شهر مشهد افزوده شود، بر میزان رضایت شغلی آن‌ها نیز افزوده می‌گردد. **واژگان کلیدی:** سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، رضایت شغلی، معلمان، مشهد

بیان مسأله

رضایت شغلی، نوعی نگرشاست و عبارت از نگرش خوشایند خود به شغل خود به طور کلی می‌باشد که متأثر از عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی بویژه فضای فرهنگی - اجتماعی جامعه است (سیدجوادین، ۱۳۸۴: ۱۱۳). در شرایطی که فرهنگ مصرف‌گرا و تجمل‌گرا در جامعه رو به گسترش باشد، تلاش‌های درون‌سازمانی برای تحقق رضایت شغلی کارکنان یک سازمان با دشواری مواجه می‌شود، ولی به هر حال، برای شناخت عوامل مرتبط با رضایت شغلی کارکنان یک سازمان باید تلاش نمود.

بدون تردید، اهمیت تجربه کاری و چگونگی تأثیر آن بر نگرش‌ها و ارزش‌های مربوط به کار موضوعی است که همواره مورد توجه روز افزون دانشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی و علوم رفتاری بوده است. به نظر هومن (۱۳۸۱: ۱)، موفقیت سازمان‌ها و محیط‌های کاری بستگی کامل به استفاده کارآمد از منابع نیروی انسانی بر پایه علوم رفتاری دارد و این چالشی است که به‌گونه فزاینده سرپرستان، مدیران و دست‌اندرکاران امور کار و سازمان را به خود مشغول داشته است. برای رویارویی با این چالش، شناخت هر چه بیشتر و جامع‌تر مفاهیم و سازه‌های مربوط به نیروی انسانی، ابزارهای خاص و در نهایت مهارت استفاده از این ابزارها، امری ضروری است.

در جوامع امروز، سازمان‌ها نقش مهم و عمده‌ای به عهده دارند، تا حدی که برخی از صاحب‌نظران، رکن اصلی اجتماع کنونی را سازمان می‌دانند. به شکلی که زندگی بدون سازمان‌ها تقریباً غیرممکن به نظر می‌آید. مخصوصاً سازمان آموزش و پرورش

که تربیت کننده نیروی انسانی است و نقش نیروی انسانی در پیشبرد امور جامعه در سازمان‌ها، دارای اهمیت زیادی است و مؤثرترین رکن تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محسوب می‌شود. رضایت شغلی که به معنای حالت هیجانی خوشایند و مثبت از تجربه‌های شغلی فرد است، یکی از مباحث بسیار مهم در پژوهش‌های مربوط به سازمان‌های کاری بوده و مطالعات زیادی در این زمینه انجام شده است.

امروزه اعتماد اجتماعی، نقشی بسیار مهمی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند و زمینه ساز شبکه‌های روابط جمعی و گروهی، انسجام‌بخش میان انسان‌ها، سازمان‌ها و انسان‌ها و سازمان‌ها با سازمان‌ها می‌باشد (بیکر، ۱۳۸۲: ۱۳). در غیاب اعتماد اجتماعی، سایر عوامل اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون اعتماد اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی، ناهموار و دشوار می‌شود.

معلمان به‌عنوان یک قشر اجتماعی دارای تحصیلات نسبتاً بالا از نظر ذهنی، اغلب احساس رضایت شغلی بالائی ندارند، چون خود را با اقشار با درآمد بالاتر نظیر دارندگان مشاغل آزاد و با تحصیلات بالاتر نظیر اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها مقایسه می‌نمایند و اغلب این مقایسه برای آنها منشأ نارضایتی است. رضایت شغلی معلم‌ها که بر بهره‌وری آنها تأثیر بسزایی دارد، مرتبط با عوامل مختلفی است که یکی از این عوامل اعتماد اجتماعی می‌باشد. هنگامی که اعتماد اجتماعی یک قشر اجتماعی نسبت به اقشار و گروه‌های دیگر اجتماعی، پائین باشد، احتمالاً باعث کاهش رضایت شغلی آنها می‌شود. برخی از پژوهش‌های انجام شده گویای ارتباط مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با رضایت شغلی بویژه اعتماد اجتماعی است. اعتماد اجتماعی نیز به‌عنوان یک متغیر، دارای ابعاد یا مؤلفه‌های اعتماد بین فردی، اعتماد تعمیم یافته، اعتماد نهادی، اعتماد غیررسمی و اعتماد رسمی می‌باشد.

سرمایه اجتماعی شامل جنبه‌هایی از سازمان اجتماعی از قبیل هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و اعتماد متقابل است که همیاری و هماهنگی افراد را برای دستیابی به منافع مشترک، تسهیل می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵)، در نتیجه، تلاش جوامع باید در جهت افزایش اعتماد، مشارکت مدنی و مشارکت اجتماعی، بهبود روابط اجتماعی و اعتماد بین

افراد در سازمان‌ها بویژه در سازمان آموزش و پرورش باشد. ازکیا و توکلی (۱۳۸۵)، در تحقیق خود با عنوان "فرا تحلیل مطالعات رضایت شغلی در سازمان‌های آموزشی"، به بررسی و ترکیب نتایج پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد و دکتری دانشگاه‌های دولتی شهر تهران پرداختند. این تحقیق با استفاده از روش اسنادی بر روی تعداد ۴۴ پایان‌نامه انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در پایان‌نامه‌های مورد بررسی ۳۸۴۷۷ نفر با پراکندگی در سطح ۱۸ استان و متوسط حجم نمونه ۱۲۴۱ نفر برای هر تحقیق بوده است. نتایج پژوهش آنها نشان داده است که رابطه بین متغیرهای سابقه کار و میزان پرداخت با رضایت شغلی رد شده و فرض رابطه بین متغیرهای مشارکت، مدیریت، امکان بروز خلاقیت‌های فردی، تأهل، تحصیلات، رشته تحصیلی، سن و جنس با رضایت شغلی اثبات گردیده است. در میان متغیرهای مذکور، مشارکت با بالاترین میزان واریانس تبیین شده به‌عنوان بهترین پیش‌بینی کننده رضایت شغلی در سازمان‌های آموزشی مورد تأکید قرار گرفته است.

معیدفر و زهانی (۱۳۸۴)، در تحقیقی با عنوان "بررسی میزان نارضایتی شغلی معلمان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: معلمان شهر نیشابور)" به بررسی میزان و سرچشمه نارضایتی‌های معلمان پرداخته‌اند. جامعه آماری در این تحقیق شامل کلیه معلمان مقاطع تحصیلی آموزش و پرورش نیشابور در سال تحصیلی ۱۳۸۲-۱۳۸۳، با تعداد ۴۶۷۳ نفر بوده است. حجم نمونه مورد مطالعه ۲۰۹ نفر بوده و با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. آنها در تحقیق خود به این نتیجه رسیده بودند که ۴۹ درصد معلمان از شغل خود ناراضی هستند. همچنین میان احساس محرومیت، میزان نیازهای ارضاء نشده، بی‌عدالتی در اداره، منزلت اجتماعی شغل و تحصیلات معلمان با نارضایتی شغلی آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد و این متغیرها جمعاً توانسته‌اند ۶۳ درصد تغییرات نارضایتی شغلی را تبیین کنند.

سان، در تحقیقی با عنوان "آثار زمینه‌ای سرمایه اجتماعی بر عملکرد تحصیلی". به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی انباشته شده در اجتماع محلی و عملکرد درسی

دانش‌آموزان مشغول تحصیل پرداخته است. این پژوهشگر یک مدل چند سطحی صریح برای مطالعه این رابطه انجام داده است. تحلیل‌های مدل خطی سلسله مراتبی از یک نمونه معرف ملی از دانش‌آموزان پایه هشتم نشان داده است که اکثر سنج‌های سرمایه اجتماعی، حتی پس از کنترل سنج‌های سرمایه اجتماعی خانواده و عامل‌های جمعیت شناختی، در اجتماع، به شکل معنی‌داری با عملکرد درسی همبستگی دارند. به علاوه، ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی یک اجتماع و مؤلفه سرمایه اجتماعی در اجتماع، مقدار زیادی از همبستگی بین ساختار اجتماع و عملکرد دانشگاهی را تبیین می‌کند. به طور خلاصه این مطالعه بر اهمیت سرمایه اجتماعی در مطالعه عملکرد درسی تأکید می‌کند (مظلوم خراسانی و اصغرپور، ۱۳۸۴: ۳۶).

فلپ و ولکر^۱، در تحقیق خود با عنوان "اهداف بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و رضایت شغلی، تأثیرات انواع مختلف شبکه‌ها بر روی جنبه‌های اجتماعی و ابزاری کار"، به دنبال این سؤال اساسی بودند که رضایت شغلی تا چه اندازه می‌تواند به عنوان بازده سرمایه اجتماعی توضیح داده شود. اطلاعات مورد نظر از دو نمایندگی حکومتی در هلند یکی با ۳۲ کارمند و دیگری با ۴۴ کارمند جمع‌آوری شده است. به نظر آنها سرمایه اجتماعی حتی در محدوده ویژه‌ای از زندگی مثل کار وجود دارد. سه اثری که سرمایه اجتماعی از طریق شبکه‌ها می‌گذارد عبارتند از: اول، ساختار شبکه و زمینه این پیوندها که پیوندهای کاری رضایت کارمندان را با جنبه‌های ابزاری شغل مانند درآمد، امنیت و فرصت‌های شغلی افزایش می‌دهد. دوم، شبکه‌های بسته با پیوندهای همبستگی بر مبنای شخصیت، رضایت کارکنان را با جنبه‌های اجتماعی شغل مانند جو اجتماع عمومی در کار و همکاری با مدیر و همکاران بهبود می‌بخشد. سوم، یک شبکه با ساختار پیوند مطیع بودن، به طور کلی تأثیرات قوی منفی بر روی رضایتمندی در جهت اجتماعی شغل دارد، هر چند که شبکه پیوند مطیع بودن با پیوندهای اعتماد رضایت را با جهت اجتماعی افزایش می‌دهد. به عقیده آنها رسیدن به هدف ویژه‌ای مانند رضایت از کار فقط به شبکه‌های ساختاری معینی یا پیوندهایی با یک مفهوم ویژه نیاز ندارد اما

به‌طور ویژه، شبکه‌های پیوندی با یک مفهوم ویژه‌ای ساخت یافته‌اند. از نظر فوگارتی^۱ رضایت شغلی وضعیتی است که در آن کارکنان از تلاش‌هایشان در محیط کار لذت می‌برند. وی معتقد است زمانی که یک کارکن سطح بالایی از رضایت شغلی داشته باشد، این به آن معنی است که وی به شغلش نگرش مثبت دارد (Brunetto & et al., 2002: 534).

سازمان‌های با سرمایه اجتماعی بالا دارای مزایای انسجام عملکردی بالا به‌علت درک مشترک، موفقیت سازمانی به‌خاطر درک و به‌کارگیری هنجارها، ارزش‌ها و اهداف سازمانی به‌کمک شبکه‌ها، مشارکت قابل توجه در اطلاعات، منابع و مهارت‌ها در داخل شبکه‌ها، توسعه هویت فردی، اعتمادسازی، تعهد و وفاداری بین اعضا به‌خاطر وجود شبکه‌ها می‌باشند (Cohen & prusak, 2001: 10). هم‌چنین فوکویاما (Fukuyama, 1995: 29) فرصت‌های بیشتر برای نوآوری، کاهش کنترل‌ها، کاهش هزینه‌های تعامل و افزایش اثربخشی را نتیجه وجود سرمایه اجتماعی بالا در محیط کار می‌داند.

تحقیق حاضر با مطالعه معلمان مشغول به تدریس در مدارس دولتی شهر مشهد، به بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی و میزان رضایت شغلی آنها پرداخته است. چرا که اول هر چه اعتماد اجتماعی بیشتر باشد یعنی در یک سازمان آموزشی هر چه افراد به مدیران سطح بالاتر و همکاران خود در محیط کار اعتماد بیشتری داشته باشند و غیره رضایت شغلی بالاتری از کار خود خواهند داشت و رضایت شغلی بالاتر، هم به کارایی بیشتر سازمان و موفقیت اعضای آن می‌انجامد، و هم به سلامت جسمانی و روانی فرد و نهایتاً به سلامت روانی جامعه یاری می‌رساند. این وضعیت کمک می‌کند تا جوامع از حداکثر نیروی انسانی و مادی خود در جهت توسعه استفاده نمایند. دوم، معلمان افرادی هستند که با تعداد زیادی از دانش‌آموزان در ارتباطند و می‌توانند اعتماد اجتماعی را به دانش‌آموزان، آموزش دهند زیرا از طرفی اعتماد اجتماعی و رضایت شغلی معلمان، مستقیماً به کارایی بیشتر سازمان و اهداف آموزشی مورد نظر آن می‌انجامد و از طرف دیگر، مؤسسات آموزشی اعتماد اجتماعی نیز منتقل می‌سازند (تاجبخش، ۱۳۸۵:

۱۹۴). بر این اساس این پژوهش به دنبال تعیین میزان رضایت شغلی، میزان اعتماد اجتماعی و تبیین رابطه بین اعتماد اجتماعی و میزان رضایت شغلی معلمان شهر مشهد می‌باشد. در چارچوب نظریه پژوهش از نظریه‌های کلمن^۱ و گیدنز^۲ استفاده شده است. کلمن (۱۳۷۷: ۲۹۷) معتقد است اعتماد در متن کنش‌های انسان نمود پیدا می‌کند. به خصوص آن دسته از کنش‌هایی که جهت‌گیری معطوف به آینده دارند و آن نوعی رابطه کیفی است که قدرت عمل کردن را تحصیل می‌کند. گیدنز (۱۳۷۷: ۳۸) نیز معتقد است، اعتماد اجتماعی عبارت است از:

الف) قابلیت تشخیص برای اتکا یا اطمینان به صداقت یا صحت اقوال یا رفتار دیگران است.

ب) اعتماد به عنوان اطمینان یا اتکاء بر ماهیت یا خاصیت شخصی یا چیزی یا صحت گفته‌ای توصیف می‌شود.

ج) اعتماد را می‌توان به عنوان اطمینان به قابلیت یک شخص یا سیستم، با در نظر گرفتن رشته خاصی از نتایج یا وقایع تعریف کرد که طی آنها، آن اطمینان بیانگر ایمان به پاکدامنی دیگران یا عشق به آنها و یا ایمان به صحت اصول انتزاعی و مجرد (مثل دانش فنی) است.

اعتماد اجتماعی از نظر داسگوپتا^۳ مفهوم مرکزی ایده سرمایه اجتماعی و به طور کلی همه مبادلات اجتماعی است. واژه اعتماد به معنی داشتن انتظارات درست درباره آن دسته از کنش‌های دیگران است که به روش گزینش کنش خود شخص تأثیر دارند و در شرایطی که مجبور است پیش از آن که بتواند کنش‌های دیگران را واریسی کند، آن کنش را برگزیند (فاین، ۱۳۸۵: ۳۳۹).

فرضیه پژوهش

بین اعتماد اجتماعی و میزان رضایت شغلی معلمان مشهد رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش این پژوهش، پیمایشی بوده و به صورت مقطعی انجام شد و مقطع زمانی انجام پژوهش سال تحصیلی ۱۳۸۸ بوده است. جامعه آماری تحقیق، کلیه معلمان رسمی و مشغول به تدریس در یکی از مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه نواحی هفت‌گانه مشهد می‌باشند که بر اساس کتابچه آمار اجمالی آموزش و پرورش استان خراسان رضوی در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵، تعداد ۱۸۸۲۸ نفر بوده است. برای برآورد حجم نمونه ابتدا یک مطالعه مقدماتی روی ۳۰ نفر از معلمان انجام گردید. سپس نمره به دست آمده با برشی از میانگین نمرات، به دو دسته رضایت کم و زیاد تقسیم و به این ترتیب مقدار q ، p و d ، مشخص گردید. در نهایت با استفاده از مطالب فوق، مقادیر فرمول به شرح زیر تعیین شده و تعداد نمونه مورد نظر محاسبه گردید.

$$d = 0.05, \quad N = 18828, \quad t = 1.96, \quad p = 0.73, \quad q = 0.27$$

$$n = \frac{18828 \times (1.96)^2 \times 0.73 \times 0.27}{[18828 \times (0.05)^2] + [(1.96)^2 \times 0.73 \times 0.27]} = \frac{14256}{47.83} = 298$$

برای به دست آوردن نمونه انتخابی از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب چند مرحله‌ای استفاده گردید که تعداد نمونه مورد انتخاب از هر طبقه به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$n_h = n \frac{N_h}{N}$$

در این فرمول: nh تعداد نمونه مورد انتخاب از طبقه‌ی h ام

n تعداد نمونه مورد انتخاب از جامعه مورد مطالعه

Nh تعداد افراد جامعه در طبقه‌ی h ام

N تعداد کل افراد جامعه می‌باشد (سرمد و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۸۴).

طبقات این تحقیق را به ترتیب ناحیه خدمتی، مقطع تحصیلی و جنسیت تشکیل می‌دهد که تعداد نمونه مورد نظر در هر طبقه با توجه به فرمول فوق در جدول ۱ آمده است:

جدول (۱) تعداد نمونه انتخابی معلمان مشهد به تفکیک جنس، مقطع تحصیلی و ناحیه خدمتی

ناحیه مقطع/ جنس								
ناحیه ۱	ناحیه ۲	ناحیه ۳	ناحیه ۴	ناحیه ۵	ناحیه ۶	ناحیه ۷	جمع نواحی	
۷	۴	۲	۵	۵	۳	۵	۳۱	مرد
۱۵	۱۳	۵	۱۳	۱۲	۱۰	۱۱	۷۹	زن
۲۲	۱۷	۷	۱۸	۱۷	۱۳	۱۶	۱۱۰	جمع
۶	۵	۲	۴	۵	۳	۴	۲۹	مرد
۸	۸	۳	۷	۸	۴	۷	۴۵	زن
۱۴	۱۳	۵	۱۱	۱۳	۷	۱۱	۷۴	جمع
۹	۷	۵	۸	۸	۶	۵	۴۸	مرد
۱۱	۱۰	۶	۱۱	۹	۸	۱۱	۶۶	زن
۲۰	۱۷	۱۱	۱۹	۱۷	۱۴	۱۶	۱۱۴	جمع
۲۲	۱۶	۹	۱۷	۱۸	۱۲	۱۴	۱۰۸	مرد
۳۴	۳۱	۱۴	۳۱	۲۹	۲۲	۲۹	۱۹۰	زن
۵۶	۴۷	۲۳	۴۸	۴۷	۳۴	۴۳	۲۹۸	جمع

تعداد نمونه مورد بررسی با استفاده از فرمول کوکران، ۲۹۸ نفر محاسبه گردید و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی متناسب چند مرحله‌ای، نمونه‌های مورد نظر انتخاب شده و داده‌ها جمع‌آوری گشت. روش مورد استفاده در این مطالعه، پرسشنامه بوده است. پرسشنامه پس از احراز اعتبار و پایایی آن در مراحل مقدماتی تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در مرحله نهایی مورد استفاده قرار گرفت. برای تعیین روایی پرسشنامه، از روش محتوایی یا صوری و برای تعیین پایایی، از ضرایب آلفای

کرونباخ استفاده شده که برای متغیر اعتماد اجتماعی ۰/۸۹ و رضایت شغلی ۰/۸۳ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شده است. مقیاس اعتماد اجتماعی مرکب از ۳۵ ماده در طیف ارزیابی لیکرت استفاده شد که این گویه‌ها با استفاده از "روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی" به تعداد ۸ مؤلفه کاهش یافت.

جدول ۲) خلاصه تحلیل عامل و ضریب همسانی درونی عامل‌های بعد اعتماد اجتماعی

عامل‌های مشترک	تعداد گویه‌های هر عامل	درصد واریانس تبیین شده توسط هر عامل	ضریب آلفای کرونباخ هر عامل
اعتماد نهادی ۱	۷	۲۳ / ۱۰	۰ / ۸۷
اعتماد نهادی ۲	۶	۹ / ۳۲	۰ / ۸۳
اعتماد سیستمی	۵	۶ / ۹۳	۰ / ۸۰
اعتماد غیررسمی	۵	۴ / ۹۷	۰ / ۷۹
اعتماد بین فردی ۱	۳	۴ / ۳۷	۰ / ۷۳
اعتماد عمومی ۱ (اعتماد عام)	۳	۳ / ۹۸	۰ / ۶۲
اعتماد عمومی ۲ (قابلیت اعتماد)	۳	۳ / ۷۰	۰ / ۶۰
اعتماد بین فردی ۲	۳	۳ / ۱۱	۰ / ۵۶
اعتماد اجتماعی کل	۳۵	۵۹ / ۴۸	۰ / ۸۹

شاخص‌های مورد بررسی

اعتماد اجتماعی: پاتنام^۱ (۱۳۸۰: ۱۳۶) در بحث از اعتماد با توجه به شعاع اعتماد به دو نوع اعتماد شخصی و اعتماد اجتماعی اشاره دارد و نوع دوم را که در ادبیات سرمایه اجتماعی، معمولاً اعتماد تعمیم‌یافته نیز نامیده می‌شود، سودمندتر برای جامعه می‌داند. به نظر وی، این نوع اعتماد «شعاع اعتماد را از فهرست کسانی که شخصاً می‌شناسیم فراتر می‌برد و همکاری گسترده‌تر در سطح جامعه را موجب می‌گردد». با توجه به نظریات اعتماد اجتماعی، اعتماد اجتماعی به اعتماد بین فردی (گروهی)، اعتماد تعمیم‌یافته (عمومی)، اعتماد نهادی (رسمی)، اعتماد غیررسمی و اعتماد سیستمی تقسیم شده و هر یک از آنها به شرح زیر سنجیده شده است.

اعتماد بین فردی (گروهی): این نوع اعتماد انتظاراتی است که یک فرد، از دیگر افرادی که می‌توانند خاص و شناخته شده هم باشند، دارد. در این تحقیق اعتماد فرد به همکاران، اعتماد بین فردی ۱ نامیده شده و انتظار اعتماد همکاران به فرد، اعتماد بین فردی ۲ نامیده شده و هر یک با سه گویه با طیف پنج قسمتی و امتیاز یک تا پنج سنجیده شده است.

اعتماد تعمیم یافته (عمومی): اعتمادی است که افراد از دیگران عام دارند و در آن فرد یا گروه خاصی در نظر نمی‌باشد. در این تحقیق اعتماد تعمیم یافته به دو بعد اعتماد عام و قابلیت اعتماد تقسیم می‌شود و هر یک با سه گویه و در کل با استفاده از شش گویه با طیف پنج قسمتی و امتیاز یک تا پنج سنجیده شده است.

اعتماد سیستمی: اعتمادی است که نسبت به عملکرد نظام‌ها یا سیستم‌های اجتماعی انجام می‌پذیرد و عملکرد آنها را مورد ارزیابی و پیش‌بینی قرار می‌دهد. این بعد از اعتماد، با استفاده از پنج گویه با طیف پنج قسمتی و امتیاز یک تا پنج سنجیده شده است.

اعتماد غیررسمی: اعتمادی است که فرد به‌طور کلی به افراد خاصی که همیشه با آنها سروکار دارد، می‌کند. این نوع از اعتماد در شبکه‌های غیررسمی هم‌چون خانواده، اقوام و خویشان، دوستان، همسایگان و همکاران به‌وجود می‌آید، که در این تحقیق هر کدام از این موارد با استفاده از یک طیف پنج قسمتی سنجیده شده است.

اعتماد نهادی (رسمی): منظور اعتمادی است که یک فرد می‌تواند به نهادها و سازمان‌های مختلف داشته باشد. در این تحقیق نهادهایی که پاسخگویان بیشتر با آنها سر و کار دارند، اعتماد نهادی ۱ نامیده شده است و شامل مساجد، رادیو و تلویزیون، روزنامه‌ها و مجلات، پلیس و نیروی انتظامی، آموزش و پرورش و نهایتاً بیمارستان‌ها، مراکز بهداشتی و درمانی و درمانگاه‌ها می‌باشد. و نهادهایی که پاسخگویان کمتر با آنها سر و کار دارند، اعتماد نهادی ۲ نامیده شده است و شامل بانک‌ها، شهرداری، شورای شهر، مؤسسات قضایی، پایگاه‌های بسیج، نمایندگان مجلس و شرکت‌های تجاری می‌باشد. در کل نظر پاسخگویان درباره میزان اعتماد به این ۱۳ سازمان و نهاد با

استفاده از یک طیف پنج قسمتی سنجیده شده است.

جدول ۳) توزیع ابعاد اصلی و فرعی مولفه اعتماد اجتماعی

شماره سؤالات	تعداد گویه	ابعاد فرعی ۳	ابعاد فرعی ۲	ابعاد فرعی ۱	ابعاد اصلی ۲	ابعاد اصلی ۱	سازه
۱۱	۶-۱	۳	الف- اعتماد فرد به همکاران (بین فردی ۱)		۱- اعتماد گروهی (بین فردی)	اعتماد اجتماعی	سرمایه اجتماعی
		۳	ب- انتظار اعتماد همکاران به فرد (بین فردی ۲)				
	۱۲-۷	۳	الف- قابلیت اعتماد		۲- اعتماد عمومی (تعمیم یافته)		
		۳	ب- اعتماد عام				
	۱۷-۱۳	۵	۳- اعتماد سیستمی				
۱۸	۱۳-۱	۱۳	الف- اعتماد به نهادهایی که کمتر سروکار دارند		۴- اعتماد نهادی (رسمی)		
			ب- اعتماد به نهادهایی که بیشتر سروکار دارند				
۱۹	۵-۱	۵	۵- اعتماد غیررسمی				

رضایت شغلی: رضایت شغلی از نگرش فرد به کارش استنباط می‌شود و برای ساختن مقیاس رضایت شغلی، از شاخص رضایت شغلی برایفیلد و روث^۱ (۱۹۵۱) استفاده شده است. این شاخص به صورت یک طرح کلامی در روان‌شناسی برای نظامیان صورت گرفته است. در این شاخص گویه‌های مربوط به ابعاد خاص شغل حذف شده‌اند، زیرا عامل نگرشی کلی مورد نظر بوده است. این مقیاس شامل ۱۸ گویه می‌باشد که با نظام نمره‌گذاری لیکرت بین یک تا پنج امتیاز گرفته است، اعتبار این مقیاس به صورت صوری مشخص شده است و پایایی آن با فرمول اسپیرمن - براون برابر ۰/۸۷ شده است (میلر، ۱۳۸۴: ۵۳۳). بر اساس نتایج مقدماتی در این تحقیق نیز پایایی آن با فرمول آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۳ و با فرمول اسپیرمن براون (دو نیمه کردن) برابر ۰/۸۱ بوده است که نشانه هماهنگی درونی گویه‌های این شاخص در حد مطلوب است.

1. Brayfield and Rothe's index of job satisfaction

نتایج پژوهش

۱- یافته‌های توصیفی

جدول ۴) توزیع فراوانی متغیرهای زمینه‌ای پژوهش

متغیر	سطوح هر متغیر	درصد
جنس	مرد	۳۶ / ۲
	زن	۶۳ / ۸
مقطع تدریس	متاهل	۹۱ / ۳
	مجرد	۴ / ۷
	سایر	۲ / ۷
تحصیلات	دیپلم	۴ / ۷
	فوق دیپلم	۲۳ / ۵
	لیسانس	۶۴ / ۴
	فوق لیسانس	۶ / ۷

نتایج نشان داد که اکثریت پاسخ‌گویان زن، شاغل، در مقاطع ابتدایی و راهنمایی، متاهل و دارای مدرک لیسانس هستند.

جدول ۵) آماره‌های سن، سابقه کار و سکونت

سن	سال‌های سکونت در منزل فعلی	سابقه کار در این آموزشگاه	سابقه کار در این ناحیه	سابقه کار	آماره‌ها
۴۰ / ۱۷	۷ / ۱۸	۳ / ۸۲	۷ / ۱۵	۱۸ / ۹۵	میانگین
۵ / ۸۲۰	۷ / ۱۲۲	۲ / ۹۸۴	۵ / ۲۰۵	۵ / ۴۶۵	انحراف معیار
۳۳ / ۸۶۹	۵۰ / ۷۲۹	۸ / ۹۰۷	۲۷ / ۰۸۷	۲۹ / ۸۶۱	واریانس
۳۶	۴۶	۱۴	۲۶	۲۹	دامنه
۲۲	۱	۱	۱	۱	حداقل
۵۸	۴۷	۱۵	۲۷	۳۰	حداکثر

به طور اختصار می‌توان گفت که میانگین برای متغیر سن برابر ۴۰ سال بوده و برای متغیر سابقه کار حدود ۱۹ سال است.

جدول ۶) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان اعتماد سیستمی

گویه‌ها	خیلی کم n(%)	کم n(%)	تاحدودی n(%)	زیاد n(%)	خیلی زیاد n(%)	بی‌پاسخ n(%)	جمع n(%)
پایبندی به قوانین	۷/۴	۱۱/۴	۳۸/۶	۳۴/۶	۷/۰	۱	۱۰۰
اهمیت دادن به کارهای گروهی	۱۳/۸	۲۰/۵	۴۱/۲	۱۹/۸	۴/۰	۰/۷	۱۰۰
سرعت عمل در کارهای اداری	۱۳/۴	۲۵/۵	۳۷/۲	۱۸/۸	۴/۴	۰/۷	۱۰۰
وجود رابطه شخصی در امور اداری	۵/۷	۹/۱	۲۶/۸	۳۰/۹	۲۶/۲	۱/۳	۱۰۰
شایسته سالاری در انتخاب مدیران	۲۱/۱	۲۲/۵	۳۴/۶	۱۵/۸	۳/۷	۲/۳	۱۰۰

نتایج نشان داد که ۴۱/۶٪ پاسخگویان معتقدند میزان پای‌بندی کارکنان اداره به قوانین زیاد یا خیلی زیاد است. ۳۴/۳٪ پاسخگویان معتقدند میزان اهمیت دادن به کارهای گروهی در اداره کم یا خیلی کم است. ۳۸/۹٪ پاسخگویان معتقدند میزان سرعت عمل در کارهای اداری در اداره کم یا خیلی کم است و

جدول ۷) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان اعتماد نهادی

گویه‌ها اعتماد به...	خیلی کم n(%)	کم n(%)	تاحدودی n(%)	زیاد n(%)	خیلی زیاد n(%)	بی‌پاسخ n(%)	جمع n(%)
مساجد	۷/۰	۱۱/۴	۳۵/۰	۲۹/۵	۱۵/۱	۲	۱۰۰
بانک‌ها	۱۴/۱	۲۳/۵	۴۰/۳	۱۵/۴	۴/۰	۲/۷	۱۰۰
شهرداری	۱۶/۱	۲۳/۵	۳۹/۰	۱۴/۴	۴/۰	۳	۱۰۰
شورای شهر	۲۱/۸	۲۷/۲	۳۵/۵	۱۰/۱	۱/۷	۳/۷	۱۰۰
مؤسسات قضایی	۱۳/۴	۲۴/۵	۸۳/۳	۱۶/۸	۴/۰	۳	۱۰۰
پایگاه‌های بسیج	۱۲/۴	۱۹/۸	۳۷/۶	۱۷/۸	۷/۴	۵	۱۰۰
رادیو و تلویزیون	۵/۰	۱۳/۴	۳۸/۳	۳۱/۹	۹/۷	۱/۷	۱۰۰
نمایندگان مجلس	۱۸/۸	۲۴/۸	۳۷/۲	۱۲/۸	۳/۴	۳	۱۰۰

۱۰۰	۳	۲/۰	۵/۷	۲۶/۹	۳۶/۶	۲۵/۸	شرکتهای تجاری
۱۰۰	۱/۷	۶/۴	۲۲/۱	۴۷/۰	۱۵/۸	۷/۰	روزنامه‌ها
۱۰۰	۰/۷	۱۲/۸	۳۷/۲	۳۳/۵	۱۰/۴	۵/۴	پلیس و نیروهای انتظامی
۱۰۰	۳	۱۷/۴	۴۰/۶	۳۰/۶	۴/۷	۳/۷	آموزش و پرورش
۱۰۰	۱	۱۱/۷	۳۵/۲	۳۲/۰	۱۶/۱	۴/۰	مراکز بهداشتی و درمانی

نتایج نشان داد که تنها ۱۸/۴٪ پاسخگویان اعتماد کم یا خیلی کمی به مساجد دارند؛ ۳۷/۶٪ پاسخگویان اعتماد کم یا خیلی کمی به بانک‌ها دارند. همچنین ۳۹/۶٪ پاسخگویان اعتماد کم یا خیلی کمی به شهرداری دارند؛ ۳۷/۹٪ پاسخگویان اعتماد کم یا خیلی کمی به مؤسسات قضایی دارند و

جدول ۸) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان اعتماد غیررسمی

گویه‌ها	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	بی‌پاسخ	جمع
اعتماد به...	n(%)	n(%)	n(%)	n(%)	n(%)	n(%)	n(%)
اعضای خانواده	۰/۷	۰/۳	۶/۶	۲۸/۵	۶۲/۱	۱/۷	۱۰۰
اقوام و خویشان	۰/۳	۳/۴	۳۶/۲	۴۷/۰	۱۱/۴	۱/۷	۱۰۰
دوستان	۲/۰	۷/۷	۴۷/۰	۳۴/۲	۷/۴	۱/۷	۱۰۰
همسایگان	۹/۴	۱۹/۱	۴۸/۳	۱۶/۱	۵/۴	۱/۷	۱۰۰
همکاران	۵/۴	۸/۷	۴۳/۶	۳۲/۹	۷/۷	۱/۷	۱۰۰

نتایج نشان داد که ۹۱/۶٪ پاسخگویان اعتماد زیاد یا خیلی زیادی به اعضای خانواده خود دارند؛ ۵۸/۴٪ پاسخگویان اعتماد زیاد یا خیلی زیادی به اقوام و خویشان دارند و

جدول ۹) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان اعتماد بین فردی (گروهی)

گویه‌ها	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	بی پاسخ	جمع
	n(%)	n(%)	n(%)	n(%)	n(%)	n(%)	n(%)
صداقت همکاران	۲/۷	۷/۴	۳۴/۲	۴۲/۶	۱۲/۸	۰/۳	۱۰۰
صلاحیت علمی همکاران	۱/۳	۳/۷	۳۴/۹	۴۹/۷	۱۰/۱	۰/۳	۱۰۰
حساب کردن روی همکاران	۹/۱	۱۶/۱	۴۷/۳	۲۲/۵	۴/۰	۱	۱۰۰
رفتار بدون در نظر گرفتن موقعیت شغلی	۴/۰	۶/۷	۲۵/۵	۴۳/۰	۱۹/۱	۱/۷	۱۰۰
دانستن تمایلات علمی فرد توسط همکاران	۱/۳	۱۱/۴	۴۲/۶	۳۵/۶	۹/۱	۰	۱۰۰
رساندن شایعات مهم به شخص توسط همکاران	۱۰/۷	۱۸/۸	۲۱/۵	۲۸/۹	۱۷/۸	۲/۳	۱۰۰

نتایج نشان داد که ۵۵/۴٪ پاسخگویان زیاد یا خیلی زیاد بر روی صداقت و درستی همکارانشان حساب می کنند. همچنین ۵۹/۸٪ پاسخگویان زیاد یا خیلی زیاد صلاحیت علمی همکارانشان را باور دارند؛ ۲۵/۲٪ پاسخگویان کم یا خیلی کم بر روی همکارانشان در هنگام مشکلات حساب می کنند و

جدول ۱۰) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان اعتماد تعمیم یافته (عمومی)

گویه‌ها	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	بی پاسخ	جمع
	n(%)	n(%)	n(%)	n(%)	n(%)	n(%)	n(%)
قابل اعتماد بودن مردم	۹/۴	۲۵/۵	۵۲/۴	۹/۷	۲/۰	۱	۱۰۰
عمل به قول و قرارها	۱۳/۱	۲۷/۵	۴۸/۷	۷/۰	۲/۰	۱/۷	۱۰۰
سوءاستفاده در کارهای گروهی	۴/۴	۱۳/۱	۳۵/۹	۳۱/۵	۱۲/۸	۲/۳	۱۰۰
اعتماد به غریبه‌ها	۴۴/۶	۲۷/۲	۲۳/۱	۳/۴	۰/۷	۱	۱۰۰
قابلیت اعتماد	۲۴/۲	۲۷/۵	۲۹/۲	۱۳/۱	۴/۰	۲	۱۰۰
احساس امنیت	۱۲/۴	۲۲/۱	۳۳/۶	۲۵/۲	۵/۷	۱	۱۰۰

نتایج نشان داد که ۳۴/۹٪ پاسخگویان میزان اعتماد به مردم را کم یا خیلی کم می‌دانند. هم‌چنین ۴۰/۶٪ پاسخگویان میزان عمل کردن مردم به قول و قرارهایشان را کم یا خیلی کم می‌دانند؛ به‌طوری‌که ۴۴/۳٪ پاسخگویان معتقدند میزان سوءاستفاده مردم در کارهای گروهی زیاد یا خیلی زیاد است و

جدول (۱۱) توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان رضایت شغلی

گویه‌ها	کاملاً مخالفم n(%)	مخالفم n(%)	نمی‌دانم n(%)	موافقم n(%)	کاملاً موافقم n(%)	بی‌پاسخ n(%)
جنبه سرگرمی داشتن کار*	۳۰/۵	۳۶/۲	۵/۴	۱۸/۵	۶/۴	۳
جالب بودن کار	۴/۰	۱۲/۱	۴/۷	۴۵/۶	۳۰/۹	۲/۷
علاقه‌مند بودن دوستان فرد به کار بیش از فرد*	۱۱/۴	۲۸/۵	۴۲/۳	۱۲/۸	۴/۰	۱
تقریباً ناخوشایند دانستن کار*	۳۹/۶	۴۶/۴	۵/۱	۶/۴	۱/۳	۱
لذت بردن بیشتر از کار نسبت به اوقات فراغت	۴/۴	۱۵/۱	۹/۷	۴۲/۶	۲۷/۲	۱
اغلب از کار خسته شدن*	۲۲/۵	۵۴/۴	۶/۰	۱۲/۸	۲/۰	۲/۳
کاملاً از کار احساس رضایت کردن	۳/۷	۱۴/۱	۷/۱	۳۷/۹	۳۶/۲	۱
اغلب زورکی سر کار رفتن*	۳۶/۲	۴۶/۳	۶/۴	۷/۴	۲/۰	۱/۷
فعلاً از کار راضی بودن	۶/۷	۱۰/۱	۶/۰	۴۵/۰	۲۸/۸	۳/۴
*تصور نکردن فرد از اینکه کارش جالب‌تر از کارهای دیگر باشد	۱۶/۸	۲۸/۹	۱۶/۳	۲۰/۵	۱۴/۱	۳/۴
قطعاً ناراضی بودن از کار*	۴۷/۳	۴۰/۴	۶/۰	۲/۳	۲/۷	۱/۳
احساس خوشبختی کردن از کارش نسبت به اغلب مردم	۱/۷	۱۳/۴	۱۷/۸	۳۹/۶	۲۵/۸	۱/۷
مشتاق کار بودن در اکثر روزها	۱/۰	۷/۷	۰/۷	۴۴/۰	۳۵/۶	۱
احساس به پایان نرسیدن روز در اکثر روزها*	۱۷/۱	۳۳/۶	۱۶/۷	۲۰/۸	۹/۱	۲/۷
بیشتر از همکاران به کار علاقه‌مند بودن	۱/۳	۱۲/۱	۴۰/۶	۲۹/۹	۱۵/۱	۱
تا اندازه‌ای ناخوشایند بودن کار*	۲۶/۸	۵۰/۷	۸/۷	۱۱/۴	۱/۷	۰/۷
یافتن لذت واقعی در کار	۰/۷	۱۱/۱	۱۱/۷	۴۲/۶	۳۲/۶	۱/۳
اصلاً ناراحت بودن فرد از روی آوردن به این کار*	۴۱/۳	۴۶/۶	۴/۴	۵/۷	۱/۷	۰/۳

* گویه‌هایی هستند که اثر معکوس دارند.

نتایج نشان داد که ۷۶/۵٪ پاسخگویان با گویه جالب بودن کارشان موافقت می‌کنند؛ همچنین ۶۹/۸٪ پاسخگویان با گویه لذت بردن بیشتر از کار نسبت به اوقات فراغتشان موافقت می‌کنند؛ ۱۷/۸٪ پاسخگویان با گویه کاملاً از کار احساس رضایت کردن مخالفند و

۲- نتایج و یافته‌ها

فرضیه اول: بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان رضایت شغلی رابطه وجود دارد.

جدول (۱۲) آزمون رابطه میزان اعتماد اجتماعی با میزان رضایت شغلی

میزان رضایت شغلی		متغیرها
ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری	
۰/۱۴۸*	۰/۰۲۹	میزان اعتماد اجتماعی

$$* p < 0/05$$

همان‌گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه بین اعتماد اجتماعی و میزان رضایت شغلی برابر ۰/۱۴۸ و سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۲۹ شده است یعنی این رابطه معنی‌دار است. با توجه به مثبت بودن ضریب، مشخص می‌شود که هر چه میزان اعتماد اجتماعی بیشتر باشد میزان رضایت شغلی نیز افزایش پیدا می‌کند. بنابراین فرضیه اول یعنی، بین اعتماد اجتماعی و میزان رضایت شغلی رابطه وجود دارد، تأیید می‌شود.

فرضیه دوم: بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، سابقه کار، جنسیت، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، مقطع تدریس و ناحیه خدمتی) و میزان رضایت شغلی رابطه وجود دارد.

جدول (۱۳) آزمون رابطه سن و سابقه کار با میزان رضایت شغلی

میزان رضایت شغلی		متغیرها
ضریب پیرسون	سطح معنی‌داری	
۰/۱۲۷*	۰/۰۴۵	سن
۰/۰۷۰	۰/۲۶۰	سابقه کار

$$* p < 0/05$$

با توجه به مثبت بودن ضریب، مشخص می‌شود که هر چه سن افزایش پیدا کند رضایت شغلی بیشتر می‌شود. بنابراین بین سن و میزان رضایت شغلی رابطه وجود دارد، تأیید می‌شود.

هم‌چنین ضریب همبستگی پیرسون برای سابقه کار و میزان رضایت شغلی برابر ۰/۰۷۰ و سطح معنی‌داری آن برابر ۰/۲۶۰ شده است که با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۵ این رابطه معنی‌دار نیست. بنابراین بین سابقه کار و میزان رضایت شغلی رابطه وجود دارد، تأیید نمی‌شود.

جدول (۱۴) آزمون رابطه جنس و وضعیت تأهل با میزان رضایت شغلی

متغیر	سطوح هر متغیر	تعداد	میانگین	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
جنس	مرد	۹۷	۵۶/۸۲	-۱/۰۳۹	۲۵۹	۰/۳۰۰
	زن	۱۶۴	۵۹/۳۷			
وضعیت تأهل	متأهل	۲۳۸	۵۷/۲۳	-۲/۴۴۳	۲۵۰	۰/۰۱۵*
	مجرد	۱۴	۶۹/۹۷			

$$* p < 0.05$$

بنابراین بین میزان رضایت شغلی مردان و زنان تفاوت چندانی وجود ندارد. t محاسبه شده برابر ۱/۰۳۹- و Sig/۳۰۰ = شده است که با توجه به سطح معنی‌داری ۰/۰۵ نمی‌توان فرض صفر را رد کرد. بنابراین فرضیه‌ی مبنی بر تفاوت رضایت شغلی در بین مردان و زنان تأیید نمی‌شود.

هم‌چنین یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد میانگین میزان رضایت شغلی افراد مجرد (۶۹/۹۷) به‌طور معنی‌داری (Sig/۰۱۵ =) بیش از میانگین میزان رضایت شغلی افراد متأهل (۵۷/۲۳) بوده است. بنابراین فرضیه‌ی مبنی بر تفاوت بین میزان رضایت شغلی افراد متأهل و مجرد، تأیید می‌شود.

جدول (۱۵) آزمون رابطه سطح تحصیلات، مقطع تدریس و ناحیه خدمتی با میزان رضایت شغلی

متغیر	سطوح هر متغیر	میانگین	درجه آزادی بین گروهی	درجه آزادی درون گروهی	F	سطح معنی داری
سطح تحصیلات	دیپلم	۵۸/۱۳	۳	۲۵۵	۰/۶۶۷	۰/۵۷۳
	فوق دیپلم	۶۱/۵۵				
	لیسانس	۵۷/۳۳				
	فوق لیسانس	۵۸/۷۴				
مقطع تدریس	ابتدایی	۶۲/۲۵	۲	۲۵۸	۳/۷۲۲	۰/۰۲۶*
	راهنمایی	۵۸/۱۴				
	متوسطه	۵۴/۸۹				
ناحیه خدمتی	ناحیه ۱	۶۰/۲۷	۶	۲۵۴	۱/۱۹۷	۰/۳۰۹
	ناحیه ۲	۵۲/۲۸				
	ناحیه ۳	۶۴/۳۳				
	ناحیه ۴	۵۹/۸۸				
	ناحیه ۵	۵۶/۸۳				
	ناحیه ۶	۵۹/۹۲				
	ناحیه ۷	۵۷/۷۹				

$$* p < 0/05$$

با توجه به اطلاعات جدول فوق، مقدار $F(3, 255) = 0/667$ و سطح معنی داری $\text{sig} = 0/573$ می باشد، لذا تفاوت معنی داری بین سطوح مختلف تحصیلی به لحاظ میزان رضایت شغلی وجود ندارد و رابطه بین سطح تحصیلات و میزان رضایت شغلی تأیید نمی شود.

هم چنین با توجه به این یافته ها، مقدار $F(2, 258) = 3/722$ و سطح معنی داری $\text{sig} = 0/026$ می باشد، لذا بین مقطع تحصیلی به لحاظ رضایت شغلی تفاوت معنی داری وجود دارد و با استفاده از پس آزمون توکی مشخص شد که این تفاوت رضایت، در بین معلمان مقطع ابتدایی و متوسطه وجود دارد، به طوری که معلمان ابتدایی با میانگین رضایت (۶۲/۲۵) به طور معنی داری بیشتر از معلمان متوسطه با میانگین رضایت

(۵۴/۸۹) از شغلشان راضی هستند. پس رابطه بین مقطع تحصیلی و میزان رضایت شغلی تأیید می‌شود. علاوه بر آن بر اساس این یافته‌ها، مقدار $F(۶, ۲۵۴) = ۱/۱۹۷$ و سطح معنی‌داری $\text{Sig} = ۰/۳۰۹$ می‌باشد، لذا تفاوت معنی‌داری بین ناحیه خدمتی معلمان به لحاظ رضایت شغلی وجود ندارد و رابطه بین ناحیه خدمتی معلمان و میزان رضایت شغلی تأیید نمی‌شود.

بحث و نتیجه

همان‌طور که موفقیت سازمان‌ها و محیط‌های کاری بستگی کامل به استفاده کارآمد از منابع نیروی انسانی دارد، لذا شناخت هر چه بیشتر و جامع‌تر مفاهیم و سازه‌های مربوط به نیروی انسانی امری ضروری است. در این تحقیق نیز با توجه به این که سرمایه اجتماعی، به معنای وجوه گوناگون سازمان اجتماعی برای بهبود کارایی جامعه است و به‌طور کلی بر روابط میان انسان‌ها تمرکز دارد، رابطه بعد "اعتماد اجتماعی" آن با رضایت شغلی معلمان مشهود مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داد که متغیر سن با میزان رضایت شغلی معلمان ارتباط معنی‌داری دارد، هم‌چنین میانگین میزان رضایت شغلی افراد مجرد به‌طور معنی‌داری بیش از میانگین میزان رضایت شغلی افراد متأهل بوده و میانگین میزان رضایت شغلی پاسخگویان مقطع ابتدایی به طور معنی‌داری کمتر از میانگین میزان رضایت شغلی پاسخگویان مقطع متوسطه بوده است. دیگر متغیرهای زمینه‌ای یعنی، جنس، سابقه کار، سطح تحصیلات و ناحیه خدمتی پاسخگویان رابطه معنی‌داری را با میزان رضایت شغلی آن‌ها نشان نداده است. هم‌چنین میزان اعتماد اجتماعی رابطه معنی‌داری با میزان رضایت شغلی معلمان داشته است، به‌طوری‌که هر چه میزان اعتماد اجتماعی در بین معلمان بیشتر شود میزان رضایت شغلی آنها نیز افزایش می‌یابد.

یکی از نتایج تحقیق حاضر این بود که بین میزان رضایت شغلی مردان و زنان اختلاف معنی‌داری وجود ندارد، این نتیجه با نتایج به‌دست آمده توسط فلپ و ولکر همسو بوده ولی با نتایج تحقیقات برقی (۱۳۷۵)، ازکیا و توکلی (۱۳۸۵)، یوسفیان و

خاوری (۱۳۸۳)، همخوانی ندارد. از دیگر نتایج تحقیق این بود که سطح تحصیلات معلمان، اختلاف معنی‌داری در میزان رضایت شغلی آنها به‌وجود نیاورده است که این نتیجه نیز در تحقیق یوسفیان و خاوری (۱۳۸۳) و مارتین و شن^۱ (۱۹۸۹) به نقل از فلپ و ولکر (۲۰۰۱) به همین صورت بوده است، ولی با نتایج تحقیقات برقی (۱۳۷۵)، ازکیا و توکلی (۱۳۸۲) و معیدفر و ذهانی (۱۳۸۴)، همسو نیست و

خلاصه آن‌که اعتماد اجتماعی که در ذات روابط و شبکه‌های موجود در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد، باعث ارتقای موفقیت افراد و افزایش کارایی سازمانی می‌شود و با رضایت شغلی که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازه‌های مربوط به نیروی انسانی و عاملی مهم در موفقیت سازمان‌ها است، دارای ارتباط مستقیم می‌باشد. به گونه‌ای که با بالا رفتن میزان اعتماد اجتماعی افراد رضایت آنها از شغلشان بیشتر می‌شود و در نهایت اهداف سازمانی بهتر تحقق می‌یابد.

پیشنهاد پژوهشی آتی: با توجه به این که در این تحقیق، ابعاد رضایت شغلی سنجیده نشده است، امکان بررسی رابطه بین ابعاد سرمایه اجتماعی با ابعاد رضایت شغلی میسر نشد؛ لذا پیشنهاد می‌شود محققانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند ابعاد رضایت شغلی را بررسی کنند و آن‌ها را با ابعاد سرمایه اجتماعی در رابطه قرار دهند تا شناخت بهتری از عوامل مؤثر بر رضایت شغلی و ابعاد آن حاصل شود.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی؛ توکلی، محمود (۱۳۸۵). "فرا تحلیل مطالعات رضایت شغلی در سازمان‌های آموزشی". *فصلنامه نامه علوم/اجتماعی*، ش ۲۷ (بهار): ۱-۲۶.
۲. برقی، اسماعیل (۱۳۷۵). "بررسی میزان و عوامل مؤثر بر رضایتمندی شغلی معلمان مدارس استثنایی شهر مشهد سال تحصیلی ۷۵-۷۴". پایان نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی با گرایش کودکان استثنائی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۳. بیکر، واین (۱۳۸۲). *مدیریت و سرمایه اجتماعی*. ترجمه مهدی الوانی و محمدرضا ربیعی. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
۴. پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: سلام.
۵. تاجبخش، کیان (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*. نوشته رابرت پاتنام و دیگران. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
۶. سید جوادین، سیدرضا (۱۳۸۴). *مدیریت منابع انسانی و امور کارکنان*. تهران: نگاه دانش.
۷. سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگه.
۸. فاین، بن (۱۳۸۵). *سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی: اقتصاد سیاسی و دانش اجتماعی در طلایه هزاره سوم*. ترجمه محمدکمال سروریان. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نی.
۱۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیت*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: مرکز.
۱۱. هومن، حیدرعلی (۱۳۸۱). *تهیه و استاندارد ساختن مقیاس سنجش رضایت شغلی*. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

۱۲. میلر (۱۳۸۴). *راهنمای طرح تحقیق و سنجش های اجتماعی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نشر نی.
۱۳. معیدفر، سعید؛ ذهانی، قربانعلی (۱۳۸۴). "بررسی میزان نارضایتی شغلی معلمان و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: معلمان شهر مشهد)". *مجله انجمن جامعه شناسی ایران*. سال ششم، ش ۱ (بهار): ۱۳۵-۱۵۰.
۱۴. مظلوم خراسانی، محمد؛ اصغر پور ماسوله، احمدرضا (۱۳۸۴). "سنجش میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال تحصیلی ۸۳-۸۴ و عوامل مؤثر بر آن". *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*. ش ۶ (تابستان و پاییز و زمستان): ۱۹۳-۲۱۵.
۱۵. یوسفیان، جواد؛ خاوری، لیلی (۱۳۸۳). "بررسی وضعیت رضایت شغلی معلمان استان یزد و تعهد سازمانی"، یزد: سازمان آموزش و پرورش استان یزد. [چاپ نشده].
16. Brunetto, Y. Vonne & et al. (2002). "Using social identity theory to explain the job satisfaction of public sector employees". *The International Journal of Public Sector Mnagement*, Vol. 15, No. 7: 551-534.
17. Cohen, D., & Prusak, L. (2001). *In good company: How social capital makes organizations work*. Boston: Harvard Business School Press.
18. Fukuyama, F. (1995). *Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity*. London: Hamish Hamilton.

بررسی رابطه نگرش به فساد اداری و احساس محرومیت نسبی مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه پیام نور بجنورد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۲۰

هادی حسن دوست فرخانی^۱

امید رضایی^۲

حسن پاکزاد سرداری^۳

سعید رضایی^۴

چکیده

در این پژوهش سعی بر آن شده است تا از یک سو، ابتدا مسأله نگرش به فساد اداری (در تقابل با سلامت اداری) در قشر حساس دانشجویان به عنوان گردانندگان بالقوه سمت‌های سازمانی در آینده نزدیک مورد بررسی قرار گیرد و از سوی دیگر، ارتباط آن با مفهوم احساس محرومیت نسبی به عنوان یکی از مفاهیم و نظریات مهم در حوزه انحرافات اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایشی بوده و روش جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که شامل شاخص نگرش به فساد اداری و شاخص سنجش احساس محرومیت نسبی و همچنین سؤالاتی در مورد مشخصات جمعیت‌شناختی پاسخگویان بوده است. جامعه آماری، دانشجویان دانشگاه پیام نور بجنورد در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ می‌باشد که از طریق فرمول کوکران و با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نظام‌مند، ۱۵۰ نفر با روش آماری همبستگی مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از یک سو، بین متغیر نگرش به فساد اداری دانشجویان و احساس محرومیت نسبی آن‌ها رابطه معنادار

۱. مدرس دانشگاه پیام نور بجنورد و کارشناس فرهنگی اداره کل کتابخانه‌های عمومی خراسان شمالی
hadi_hasandoust@yahoo.com
om.rezaei@yahoo.com
h.pakzad.s@gmail.com
sa.rezaei@ymail.com

۲. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی
۳. کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی
۴. کارشناس ارشد حقوق عمومی

وجود دارد و از دیگر سو، متغیرهای زمینه‌ای جنسیت و پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد با نگرش به فساد اداری در ارتباط است.

واژگان کلیدی: سلامت اداری، فساد اداری، احساس محرومیت نسبی، سلامت اجتماعی، انحرافات اجتماعی

مقدمه

فساد پدیده‌ای پیچیده و چند وجهی است و اشکال، عوامل و کارکردهایی متنوع در زمینه‌های مختلف دارد. پدیده‌ی فساد، از یک عمل کوچک خلاف قانون گرفته تا عملکرد نادرستی که نظام سیاسی و اقتصادی در سطح ملی را شامل می‌شود. فساد، امری پیچیده، پنهان و متنوع است و از این رو مبارزه با آن نیز باید مستمر، طولانی، منسجم و با برنامه‌ریزی دقیق و همه جانبه همراه باشد. در حقیقت، فساد در سطوح اداری و سایر بخش‌های جامعه مانند عفونت است که اگر به اندام و ساختار جامعه سرایت کند، اعضای آن را یک به یک فاسد کرده و از کار می‌اندازد و چه بسا گسترش این عفونت، کل پیکره جامعه را از بین ببرد. فساد اداری از طریق هدایت ناصواب استعدادها و منابع بالقوه و بالفعل انسانی به سمت فعالیت‌های نادرست برای دست یابی به درآمدهای سهل الوصول، زمینه رکود در تمام ابعاد را فراهم می‌کند. بنابراین مقابله با فساد در عرصه اداری ضرورتی جدی و انکار ناپذیر است (عباس زادگان، ۱۳۸۳: ۱۳).

امروزه موضوع فساد اداری^۱ تبدیل به یکی از مسائل مهم جوامعی شده است که از ضعف ساختارهای نظارتی و بیمارگونه رنج می‌برند. مفهوم فساد اداری که به‌طور کلی هر نوع انحراف از شیوه‌های صحیح و قانونی انجام وظایف و استفاده نامشروع از موقعیت شغلی را شامل می‌شود، پدیده‌ای است که کم و بیش در کلیه کشورهای جهان وجود دارد با این حال، نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است. امروزه فساد اداری و مالی به یک معضل جهانی مبدل شده و دولت‌ها آگاهند که فساد باعث آسیب‌های بسیاری می‌شود و هیچ حد و مرزی هم نمی‌شناسد. این معضل، اقتصاد

داخلی را ویران کرده، جریان توسعه را مختل می‌سازد، سازمان‌های دموکراتیک را مورد تهدید قرار می‌دهد، اصل حاکمیت قانون را مخدوش می‌کند و باعث تسهیل بروز سایر تهدیدات علیه امنیت، از جمله جرائم فراملی و تروریسم می‌گردد. پدیده فساد اداری، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت جامعه، مطرح شده است. این پدیده صدمات جبران‌ناپذیری را بر سرعت حرکت چرخ توسعه جامعه ایجاد کرده و مسیر توسعه و پیشرفت را مسدود و محدود می‌سازد. فساد اداری، پدیده‌ای نوین نیست؛ پیدایش و گسترش آن، قدمتی به اندازه‌ی تاریخ اجتماعات بشری و تاریخ سازمان‌ها و نهادها دارد. فساد، از عوامل اصلی بازماندن نهادها و جوامع از دستیابی به اهداف، و از موانع اساسی رشد و تکامل آنها به شمار می‌آید (رفیع پور، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

محرومیت نسبی به اختلاف مابین انتظارات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی اشاره داشته و مبتنی بر پنداشتها و تصوراتی است که بواسطه‌ی مقایسه اجتماعی پدید می‌آید. بر اساس این نظریه اعتراض نتیجه‌ی رشد سریعتر انتظارات نسبت به فرصت‌های واقعی است، به‌طوری که گروه‌هایی که خود را حاشی‌های و فاقد نفوذ می‌پندارند (دانشجویان، معترضان به حقوق مدنی و زنان) برای رفع این نارضایتی‌ها به کنش جمعی روی می‌آورند. در این مقاله با اصل قرار دادن موضوع تبیین فساد اداری و ارتباط آن با مفهوم احساس محرومیت نسبی، بنا بر آن است تا این مسأله از دیدگاه نگرشی (مقدم بر کنش و با رویکرد بازدارندگی از جرم قبل از وقوع آن) در چارچوب جامعه آماری دانشجویان به‌عنوان تنها گروه خوراک دهنده سازمان‌های اداری مورد نقد و بررسی قرار داده شود.

بیان مسأله

محرومیت نسبی به اختلاف مابین انتظارات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی اشاره داشته و مبتنی بر پنداشتها و تصوراتی است که بواسطه‌ی مقایسه اجتماعی پدید می‌آید. بر اساس این نظریه اعتراض نتیجه‌ی رشد سریعتر انتظارات نسبت به فرصت‌های واقعی است، به‌طوری که گروه‌هایی که خود را حاشی‌های و فاقد نفوذ می‌پندارند

(دانشجویان، معترضان به حقوق مدنی و زنان) برای رفع این ناراضی‌ها به کنش جمعی روی می‌آورند. تد رابرت گر^۱ عدم تعادل و محرومیت ناشی از آن را به: محرومیت نزولی، محرومیت آرزومندانه یا بلندپروازانه و محرومیت صعودی تقسیم‌بندی می‌کند. محرومیت نزولی زمانی ایجاد می‌شود که انتظارات ارزشی یک گروه نسبتاً ثابت باقی می‌ماند. اما این تصور وجود دارد که توانایی‌هایی ارزشی نسبتاً رو به کاهش گذاشته و در عوض انتظارات افزایش می‌یابد. در محرومیت آرزومندانه یا بلندپروازانه آرزوها و انتظارات ارزشی ممکن است حاکی از تقاضایی بیشتر از ارزش‌ها باشد که پیش از این نیز تا حدودی موجود بوده است. به‌عنوان مثال تقاضا برای کالاهای مادی بیشتر یا میزان بیشتر عدالت و نظم سیاسی می‌تواند به‌عنوان مصداقی از این نوع محرومیت باشد. در الگوی محرومیت صعودی نیز بهبود طولانی مدت و کم و بیش پیوسته ارزشی مردم، انتظاراتی را درباره استمرار این بهبود پدید می‌آورد. فشار اقتصادی در یک اقتصاد رشد یابنده نیز می‌تواند همین تأثیر را به بار آورد حتی طرح یک ایدئولوژی نوساز در جامعه ای که با عدم انعطاف ساختاری روبرو است همین تأثیر را دارد.

امروزه موضوع فساد اداری^۲ تبدیل به یکی از مسائل مهم جوامعی شده است که از ضعف ساختارهای نظارتی و بیمار گونه رنج می‌برند. مفهوم فساد اداری که به طور کلی هر نوع انحراف از شیوه‌های صحیح و قانونی انجام وظایف و استفاده نامشروع از موقعیت شغلی را شامل می‌شود پدیده‌ای است که کم و بیش در کلیه کشورهای جهان وجود دارد با این حال، نوع، شکل، میزان و گستردگی آن در هر کشور متفاوت است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اصلاح نظام اداری همواره به عنوان یک اصل و ضرورت غیر قابل انکار مورد بحث و تأکید بوده که در نهایت، منجر به صدور فرمان تاریخی مقام معظم رهبری برای مبارزه با فساد اداری و اقتصادی گردید. سازمان‌های مختلف اداری نقش مهمی در رفع نیازهای افراد دارند. از آنجا که سازمان‌ها محل تجمع سرمایه‌های اقتصادی، انسانی و مالی زیادی هستند، پتانسیل زیادی برای انجام کارهای فراوان دارند (رفیع پور، ۱۳۸۸: ۱۲۴) هم سو با به‌وجود آمدن سازمان‌های مختلف اداری در جوامع

1. Robert gar

2. Corruption

مختلف برخی آسیب‌های سازمانی در قالب جرائم یقه‌سفید و اصطلاحاً فساد اداری نیز شروع به شکل‌گیری و گسترش نمود. پدیده فساد اداری، بویژه در کشورهای در حال توسعه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت جامعه، مطرح شده است. این پدیده صدمات جبران‌ناپذیری را بر سرعت حرکت چرخ توسعه جامعه ایجاد کرده و مسیر توسعه و پیشرفت را مسدود و محدود می‌سازد. فساد اداری، پدیده‌ای نوین نیست؛ پیدایش و گسترش آن، قدمتی به اندازه‌ی تاریخ اجتماعات بشری و تاریخ سازمان‌ها و نهادها دارد. فساد، از عوامل اصلی بازماندن نهادها و جوامع از دستیابی به اهداف، و از موانع اساسی رشد و تکامل آنها به‌شمار می‌آید.

در تعریف فساد، از اصطلاحات گسترده‌ی گرفته "سوءاستفاده از قدرت عمومی" و "فساد اخلاقی" تا تعریف‌های قانونی خاص فساد به‌عنوان "عمل رشوه خواری که یک کارمند دولتی مرتکب می‌شود" یا "مبادله‌ی منابع محسوس" همه را شامل می‌شود (Johnston, 2005: 9).

حکومت‌ها و دولت‌ها از قرن‌ها پیش با مشکل سوءاستفاده کارگزاران دولتی روبه‌رو بوده‌اند. در متون باستانی نیز اشاره‌های متعددی به این پدیده شده است، که نشان می‌دهد حکومت‌ها همیشه نگران سوءاستفاده شخصی صاحب‌منصبان و کارگزاران دولتی از موقعیت و امتیازات شغلی بوده‌اند. دگرگونی‌های سیاسی، وجود نهادهای دموکراتیک و آزادی مطبوعات در دو قرن اخیر در کشورهای غربی و سایر نقاط جهان، دولت‌ها را مجبور کرده است نسبت به اقدامات و عملکرد خود به مردم جوابگو باشند. در نتیجه این تحولات، تخلفات اداری از حساسیت بسیار بالایی برخوردار شده و دولت‌ها به‌خاطر حفظ مشروعیت سیاسی ناچارند به این مسأله توجه کنند. جرایمی نظیر اختلاس، ارتشاء و جعل، جرایم جدیدی نیستند و قدمتی به اندازه خود دولت‌ها دارند (شیخاوندی، ۱۳۸۴: ۱۳۱).

امروزه فساد اداری و مالی به یک معضل جهانی مبدل شده و دولت‌ها آگاهند که فساد باعث آسیب‌های بسیاری می‌شود و هیچ حد و مرزی هم نمی‌شناسد، همان‌طور که نتایج و پیامدهای آن نیز بنا بر نوع سازمان سیاسی و اقتصادی و سطح توسعه یافتگی،

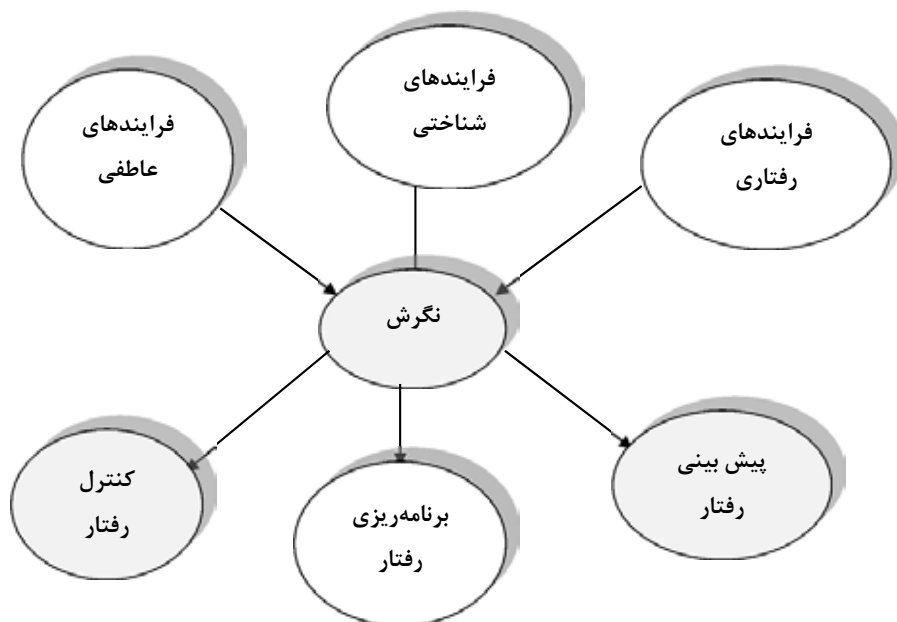
گوناگون است. به هر صورت، فساد موجب انحطاط است، سیاست‌های دولت را در تضاد با منافع اکثریت قرار می‌دهد و باعث هدر رفتن منابع ملی می‌شود. هم‌چنین به کاهش اثربخشی دولت‌ها در هدایت امور می‌انجامد و از این طریق، اعتماد مردم را نسبت به دستگاه‌های دولتی و غیردولتی کاهش و بی‌تفاوتی، تنبلی و بی‌کفایتی را افزایش می‌دهد. فساد اعتقاد و ارزش‌های اخلاقی را متزلزل می‌کند، هزینه انجام کارها را افزایش می‌دهد و موجب جرم‌زایی در سطح جامعه می‌گردد؛ به گونه‌ای که جامعه در برخورد با این جرائم، متحمل خسارت اجتماعی و اقتصادی شدید می‌گردد و رشد رقابت‌پذیری و توسعه اقتصادی انسانی را دشوار می‌گردد. فساد هم‌چنین موجب ناکام ماندن تلاش‌های فقرزدایی، از بین رفتن سرمایه اجتماعی، و ایجاد بی‌انگیزگی و بدبینی در اجتماع گردیده، زمینه تضعیف روحیه افراد درستکار را فراهم می‌آورد. شیب آن‌چه موجبات نگرانی را فراهم می‌کند این است که وقتی فساد به یک فرهنگ تبدیل شد، دیگر کسی به قبح و نادرستی کارش نمی‌اندیشد؛ زیرا از یک سو، می‌بیند که همه این‌طور رفتار می‌کنند و از سوی دیگر، از او نیز انتظار دارند که چنین رفتار کند (رفیع پور، ۱۳۸۸: ۴۹).

بنابراین مقابله با فساد در عرصه اداری به دلیل پیامدهای ناگوار و جبران‌ناپذیری که به همراه دارد ضرورتی جدی و انکارناپذیر است. متأسفانه بر اساس گزارشات بین‌المللی در این زمینه (گزارش‌های سالانه‌ی سازمان بین‌المللی شفافیت از شاخص ادراک فساد^۱) وضعیت جامعه ایران چندان مطلوب نبوده و رقم این شاخص برای ایران در سال ۲۰۰۹، ۸/۱٪ گزارش شده است. بر اساس همین آمار، تنها ده کشور جهان در سال ۲۰۰۹ شاخص فساد بدتر از ایران داشته‌اند (ره‌نمود، طاهرپور کلانتری و رشیدی، ۱۳۸۸: ۳۷). این امر ضرورت برنامه‌ریزی برای مقابله با این مسأله را پررنگ‌تر و ضروری‌تر می‌سازد. نکته اساسی دیگری که در این ارتباط قابل تأمل است آگاهی به این امر است که بیشتر بررسی‌های صورت گرفته حول موضوع فساد اداری، در جامعه آماری سازمان‌ها و بر روی کارمندان سازمان‌ها بوده است، لذا به دلیل حساسیت بالای مسأله برای کارمندان، این قشر از جامعه هدف، در ارائه نیات اصلی خود و دلایل آن نیز محتاطانه عمل

می‌کنند و از ارائه پاسخ‌هایی که مسؤولیت آن‌ها را به خطر بیندازد خودداری کرده و اطلاعات نه چندان صحیح، تحویل محقق می‌دهند. از سوی دیگر نیز بیشتر بررسی‌های صورت گرفته حول موضوع تاکنون به نقد و بررسی "کنش"^۱ فسادآمیز در حوزه اداری پرداخته‌اند و تحقیق نظام‌مند و دقیقی تاکنون با محوریت "نگرش"^۲ به رفتار فسادآمیز در بخش سازمانی و اداری به عنوان قدم اول برای انجام رفتار منحرفانه صورت نپذیرفته است. مفهوم نگرش در تعریف نظری، به طور ضمنی دلالت بر نوعی آمادگی روانی عصبی برای فعالیت ذهنی و جسمی دارد (آلپورت و جونز، ۱۳۷۱: ۱۱۸).

نگرش در روان‌شناسی اجتماعی تشکیل شده از سه شاخص شناختی، احساسی و شاخص تمایل به عمل است. مؤلفه "عاطفی" اشاره به هیجانات و عاطفه فرد نسبت به موضوعات عینی و ذهنی خصوصاً ارزیابی‌های مثبت و منفی وی از آن‌ها دارد. مؤلفه "شناختی" شامل افکاری است که فرد در مورد آن موضوع نگرش خاص دارد شامل دانش و اطلاعات و حقایق. و نهایتاً مؤلفه "تمایل به رفتار" چگونگی تمایل به عمل فرد در راستای موضوعات عینی و ذهنی را شامل می‌گردد (Taylor, Peplau & Sears, 2003: 42). برای مثال، طرفداران حفظ محیط زیست معتقدند که آلودگی هوا باعث از بین رفتن لایه اوزون می‌شود که خطر ابتلا به سرطان را افزایش می‌دهد (شناختی)، آن‌ها ممکن است به خاطر انقراض گیاه ناراحت و غمگین شوند (عاطفی)، و بر این اساس آن‌ها از وسایل نقلیه عمومی به جای خودروی شخصی استفاده و در فرایند بازیافت شرکت خواهند نمود (رفتاری) (بهنر و وانک^۳، ۱۳۸۴: ۹۷). بنابراین با توجه به این‌که نگرش تأثیر مستقیم بر رفتار داشته و باعث شکل‌گیری نوع خاصی از رفتار می‌گردد، و از آنجایی که نگرش به رفتار فسادآمیز به عنوان قدم اول برای انجام چنین رفتاری می‌باشد، به‌طور خلاصه شیوه چگونگی شکل‌گیری مفهوم نگرش و تأثیر آن بر رفتار ارائه می‌گردد.

-
1. Action
 2. Attitude
 3. Bohnert, G., & Wanke, M



نمودار ۱) شیوه تحلیل چگونگی شکل گیری نگرش و تأثیر آن بر رفتار

در این مقاله با اصل قرار دادن موضوع تبیین فساد اداری و ارتباط آن با مفهوم احساس محرومیت نسبی بنا بر آن است تا این مسأله از دیدگاه نگرشی (مقدم بر کنش و با رویکرد بازدارندگی از جرم قبل از وقوع آن) در چارچوب جامعه آماری دانشجویان به عنوان تنها گروه خوراک دهنده سازمان های اداری مورد نقد و بررسی قرار داده شود.

مبانی نظری

فضای مفهومی نظریه محرومیت نسبی

مفهوم محرومیت نسبی نخستین بار توسط رانسمن^۱ ساخته و پرداخته شد و بعد از وی یتزاکي^۲ (۱۹۷۹) از این تعریف استفاده کرده و فرمولی ریاضی برای درآمد طبق نظریه محرومیت نسبی ارائه داد. به طور کلی، محرومیت نسبی به اختلاف مابین انتظارات

1. Ransman

2. yitzaki

ارزشی و قابلیت‌های ارزشی اشاره داشته و مبتنی بر پنداشتها و تصوراتی است که به واسطه‌ی مقایسه اجتماعی پدید می‌آید (Chandra & Foster, 2005: 305). بر اساس این نظریه اعتراض، نتیجه‌ی رشد سریع‌تر انتظارات نسبت به فرصت‌های واقعی است، به‌طوری که گروه‌هایی که خود را حاشیه‌ها و فاقد نفوذ (دانشجویان، معترضان به حقوق مدنی و زنان) می‌پندارند برای رفع این نارضایتی‌ها به کنش جمعی روی می‌آورند. تد رابرت گر^۱ عدم تعادل و محرومیت ناشی از آن را به شرح زیر فهرست می‌کند:

الف) محرومیت نزولی

محرومیت نزولی زمانی ایجاد می‌شود که انتظارات ارزشی یک گروه نسبتاً ثابت باقی می‌ماند. اما این تصور وجود دارد که توانایی‌هایی ارزشی نسبتاً رو به کاهش گذاشته و در عوض انتظارات افزایش می‌یابد. در این صورت وضعیت ارزشی کل جامعه ممکن است به دلیل کاهش تولید کالاهای مادی، کاهش توان نخبگان سیاسی در تأمین نظم و امنیت یا حل بحران‌ها سقوط کند. هم‌چنین افول توانایی‌های ارزشی ممکن است به دلیل آن باشد که اعضای یک یا چند بخش از جامعه در تعارض با دیگر گروه‌ها بر سر ارزش‌های کمیاب در وضعیتی نامطلوب قرار گیرند.

ب) محرومیت آرزومندانه یا بلندپروازانه

در این حالت آرزوها و انتظارات ارزشی ممکن است حاکی از تقاضایی بیشتر از ارزش‌ها باشد که پیش از این نیز تا حدودی موجود بوده است. به‌عنوان مثال، تقاضا برای کالاهای مادی بیشتر یا میزان بیشتر عدالت و نظم سیاسی می‌تواند به‌عنوان مصداقی از این نوع محرومیت باشد.

پ) محرومیت صعودی

الگوی محرومیت صعودی برگرفته از الگوی دیویس^۱ است که در آن بهبود طولانی مدت و کم و بیش پیوسته ارزشی مردم، انتظاراتی را درباره استمرار این بهبود پدید می‌آورد. فشار اقتصادی در یک اقتصاد رشد یابنده نیز می‌تواند همین تأثیر را به بار آورد، حتی طرح یک ایدئولوژی نوساز در جامعه‌ای که با عدم انعطاف ساختاری روبرو است همین تأثیر را دارد (مرادی و سعیدی پور، ۱۳۸۹: ۸۳-۸۴).

فساد اداری

غالباً در نتیجه فساد چیزی نقض می‌شود، این چیز ممکن است یک اصل، رویه یا شیوه اخلاقی یا قانونی، یا مقررات اداری باشد. اگر چه تعاریف متعددی از فساد ارائه شده است، اما وجه مشترک تمام این تعاریف آن است که در محیط فاسد، حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهروندان نادیده گرفته می‌شود، یا حق مسلم فرد یا گروهی به آسانی پایمال، یا به ناحق به دیگری یا دیگران واگذار می‌گردد (فرج پور، ۱۳۸۳: ۹). از دیدگاه هانتینگتون^۲ (۱۳۷۰: ۹۰-۹۱) فساد اداری به رفتار آن دسته از کارکنان بخش عمومی اطلاق می‌شود که برای منافع خود ضوابط پذیرفته شده را زیر پا می‌گذارند. به عبارت دیگر، فساد در حوزه اداری و سازمانی را در مجموع هر نوع استفاده نادرست از منابع عمومی برای کسب منافع شخصی دانسته‌اند (Mbaku, 2008: 427). فساد اداری علی‌رغم این که در اکثر جوامع وجود دارد، از سویی نیز می‌توان آن را محصول و نتیجه شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی نیز دانست (Yadav, 2005: 58).

اشکال فساد اداری

فساد اداری، مظاهر و شکل‌های زیادی دارد که برخی از آنها عمومی و جهانی‌اند و برخی نیز برخاسته از ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع‌اند و از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر تفاوت می‌کند. پژوهشی که در این زمینه انجام شده، برخی از اشکال و مظاهر اصلی

1. Davis

2. P. Huntington

فساد را بر اساس تعدادی از ویژگی‌ها مشخص کرده است (Johnston, 2005: 15).

رشوه

رشوه، وجهی پول یا اشیای دیگر است که طی یک رابطه‌ی آلوده و فاسد گرفته یا داده می‌شود. نفس گرفتن یا دادن رشوه، تخلف است و باید آن را جوهر فساد دانست. رشوه مبلغ ثابت، درصدی خاص از یک قرارداد، یا هر نوع مساعدت پولی دیگر است که معمولاً به مأمور حکومتی پرداخت می‌شود. "ارتشا" مترادف زیادی برای واژه‌ی شیرینی، انعام، پول چایی و رایگانی است که همگی بیانگر نوعی فساد مرتبط با پول و مزایایی هستند که به کارکنان شرکت‌های خصوصی، مأموران حکومتی یا سیاستمداران پرداخت می‌شود (همانجا).

اختلاس

اختلاس، دزدیدن منابع توسط افرادی است که بر این منابع دست دارند و زمانی اتفاق می‌افتد که کارمندان خائن، به سرقت این منابع از کارفرمایان خویش اقدام می‌کنند. این پدیده زمانی بسیار اهمیت پیدا می‌کند که کارمندان بخش عمومی، از نهادهای عمومی‌ای که در آن استخدام شده‌اند و از منابعی که باید در راستای منافع عمومی از آنها استفاده کنند، اقدام به دزدی نمایند. اما اختلاس، دزدی قلمداد می‌شود؛ زیرا در آن، طرف شهروند وجود ندارد. وقتی اختلاس صورت می‌گیرد، منافع عمومی به خطر می‌افتد؛ اما هیچ دارایی شخصی سرقت نمی‌شود و شهروندان، از حقوق قانونی برای محاکمه برخوردار نیستند (همانجا).

کلاهبرداری

کلاهبرداری جرمی اقتصادی است که دربردارنده‌ی برخی از انواع حيله‌گری، خدعه و فریب است. کلاهبرداری، دستکاری یا تحریف اطلاعات و واقعیت‌ها توسط مأموران بخش عمومی است که واسطه‌ی بین سیاستمداران و شهروندان‌اند و به دنبال کسب

منافع شخصی می‌باشند. این پدیده زمانی اتفاق می‌افتد که یک مأمور بخش عمومی (عامل) که مسؤول انجام دستورها و وظایف محوله از جانب مافوقش است، جریان اطلاعات را به سمت منفعت شخصی خودش دستکاری می‌کند (همان: ۱۵-۱۶).

اخاذی یا باجگیری

باجگیری عبارت است از به‌دست آوردن پول و اشیای دیگر با استفاده از اجبار، خشونت یا تهدید به استفاده از قدرت. هر جا که پول به‌صورت خشونت‌آمیز به‌دست آید، باجگیری و اخاذی صورت گرفته است و برای کسی که قدرت انجام آن را دارد، معامله‌ی فاسدی به‌شمار می‌آید. کارمندان ادارات مختلف ممکن است از شهروندانی که به‌عنوان ارباب رجوع، مشتری، مریض یا دانش‌آموز مدرسه به دولت مراجعه می‌کنند، زیرمیزی‌ها و هدایایی را اخذ کنند. این اقدام‌ها ممکن است به اشکال غیررسمی مالیات، تعبیر و تفسیر شوند (همان: ۱۵-۱۷).

پارتی‌بازی

پارتی‌بازی به‌عنوان آخرین شکل فساد، نوعی از سوءاستفاده از قدرت است که در فرایند خصوصی‌سازی و توزیع جانب‌دارانه‌ی منابع دولتی، بدون توجه به این که این منابع در محل اول چگونه جمع‌آوری شده‌اند، به کار می‌رود. پارتی‌بازی، تمایل طبیعی انسان به جانب‌داری از دوستان، خویشاوندان و دیگر افراد نزدیک و مورد اعتماد است. این پدیده، تا جایی که توزیع فسادآمیز منابع را به نمایش می‌گذارد، رابطه‌ای نزدیک با فساد اداری دارد (همانجا).

خویشاوندسالاری

خویشاوندسالاری شکل ویژه‌ای از پارتی‌بازی است که طی آن، مدیری که اداره اقوام و اعضای فامیل خود (همسر، برادر و خواهر، فرزند، عمو و...) را بر دیگران ترجیح می‌دهد. بسیاری از رؤسای خودمختار می‌کوشند از طریق قرار دادن اعضای خانواده

ی خود در سمت‌های کلیدی سیاسی، اقتصادی و امنیتی، اقتدار خود را تثبیت کنند (همان: ۱۵-۱۸).

علل فساد اداری

دلایل فساد در بین کشورهای مختلف متفاوت است و می‌تواند نشأت گرفته از عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی کشورها باشد (Lambsdorff, 2006: 3-4). عده‌ای علت اصلی فساد اداری را در نفوذ تاریخی دولت در اقتصاد و امور سیاسی دانسته‌اند. شرایطی که فرصت رانت‌خواری را به‌وجود می‌آورد و توانایی شهروندان را در پاسخگو نگه‌داشتن سیاستمداران و مقامات دولتی نسبت به اعمالشان کاهش می‌دهد که نتیجه چنین شرایطی افزایش فساد اداری است (Robbinson, 2004: 6). عده‌ای دیگر نیز فساد اداری را به سطح رشد اقتصادی و هم‌چنین سیستم قانونی و حکومتی کشورها ربط داده‌اند. بانک جهانی نیز در بررسی‌های خود در این زمینه مطرح می‌کند که فساد اداری نتیجه سیاست‌های ضعیف اقتصادی، سطح پایین آموزش، توسعه نیافتگی جامعه و پاسخ‌گویی ضعیف نهادهای دولتی است (World Bank, 2004: 5).

در مجموع ریشه اصلی فساد اداری را می‌توان هم در عوامل اقتصادی و هم در عوامل غیر اقتصادی جستجو کرد (Shabbir & Anwar, 2007: 39). نمونه عوامل اقتصادی فساد عبارت است از جهانی شدن، سطح آموزش و پرورش و توسعه و عوامل غیر اقتصادی فساد نیز می‌تواند عوامل اجتماعی، سیاسی و مذهبی باشد از جمله:

(۱) اندازه دولت، چنان‌چه هر چقدر اندازه دولت بزرگ‌تر باشد فساد اداری نیز بیشتر می‌شود (Elliott, 1997: 179).

(۲) چگونگی فعالیت‌های دولت، مخصوصاً در چگونگی توزیع ثروت (Gerring & Tracker, 2004: 301).

(۳) سطح دستمزد کارمندان دولت (Treisman, 2000: 431).

(۴) فرهنگ و سابقه تاریخی فساد اداری در جامعه (Sandholtz & Taagepera, 2005: 111).

۵) عدم وجود قانون و مقررات شفاف در زمینه برخورد با مسأله
(Moreno & Jennings, 2005: 499).

۶) سطح پایین توسعه‌یافتگی و رشد اقتصادی
(Moreno & Jennings, 2005: 499).

۷) آزادی مطبوعات، دموکراسی، میزان پایبندی به اخلاقیات، روابط متقابل، عدم کنترل و نظارت، هنجارها و ارزش‌های مدنی سیاستمداران و مسئولان، اندازه دولت باشد
(Cho & Kirwin, 2007: 121).

اهداف تحقیق

هدف کلی:

بررسی ارتباط بین نگرش به فساد اداری و احساس محرومیت نسبی

اهداف جزئی:

بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه پیام نور بجنورد به فساد اداری
بررسی ارتباط بین نگرش دانشجویان به فساد اداری و سایر متغیرهای زمینه‌ای.

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی

به نظر می‌رسد بین نگرش دانشجویان به فساد اداری و احساس محرومیت نسبی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه فرعی

۱. بین نگرش به فساد اداری و پایگاه اقتصادی - اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

۲. بین نگرش به فساد اداری و وضعیت تأهل رابطه معناداری وجود دارد.

۳. بین نگرش به فساد اداری و سن رابطه معناداری وجود دارد.

۴. بین نگرش به فساد اداری و جنسیت رابطه معناداری وجود دارد.

تعریف نظری و عملیاتی متغیر وابسته

نگرش به فساد اداری به عنوان متغیر وابسته در این تحقیق قلمداد می شود که بر اساس دیدگاه نظری، نگرش نظامی بادوام است که شامل یک عنصر شناختی، احساسی و یک تمایل به عمل است. مؤلفه عاطفی شامل هیجانات و عاطفه فرد نسبت به موضوع خصوصاً ارزیابی های مثبت و منفی است. مؤلفه رفتاری چگونگی تمایل به عمل فرد در راستای موضوع را شامل می گردد. مؤلف شناختی نیز شامل افکاری است که فرد در مورد آن موضوع نگرش خاص دارد، شامل دانش و اطلاعات و حقایق و فساد اداری نیز هر نوع استفاده نادرست از منابع عمومی و دولتی است که جهت کسب منافع شخصی و فردی دانسته اند (Taylor, Pephau & Sears, 2003: 88). در بخش عملیاتی نگرش به فساد اداری ابتدا فساد اداری از ترکیب شش بعد اختلاس، تقلب اداری، رشوه، پارتی بازی، سوءاستفاده از موقعیت شغلی و تبارگرایی تشکیل گردید، در گام بعدی با توجه به دیدگاه نظری در تعریف نگرش، سه بعد اصلی تشکیل دهنده مفهوم نگرش (شناختی، عاطفی، تمایل به رفتار) با توجه به شاخص های تشکیل دهنده فساد اداری آزمون گردید.

روش شناسی پژوهش

این پژوهش با روش کمی و با استفاده از روش پیمایشی به انجام رسیده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق، دانشجویان شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ دانشگاه پیام نور بجنورد می باشد که تعداد آنها جمعاً برابر ۶۵۰۰ نفر می باشد. در این تحقیق با استفاده از روش نمونه گیری طبقه ای نظام مند با در نظر گرفتن سهمیه گروه های مختلف تحصیلی در دانشگاه و با استفاده از فرمول کوکران در سطح معناداری ۹۵ درصد و خطای نمونه گیری ۵ درصد یک نمونه ۱۵۰ نفری انتخاب

گردید. مزیت بزرگ این نمونه‌گیری بر نمونه‌گیری‌های دیگر در این است که نسبت طبقات در بین افراد نمونه با نسبت طبقات در جامعه آماری تطابق دارد و شرایط یکسان بودن شانس انتخاب برای کل افراد جامعه، تحقق پیدا می‌کند. از این رو، در این پژوهش از این شیوه نمونه‌گیری استفاده شده است. در برآورد حجم نمونه مراحل زیر طی شده است:

۱- تعیین دقت احتمالی ۲- پیدا کردن فرمولی برای برآورد n ۳- پیش برآورد واریانس متغیر وابسته تحقیق ۴- برآورد حجم نمونه ۵- ارزیابی n برآورد شده در پرتو امکانات (ساعی، ۱۳۸۷: ۴۲).

با توجه به آنچه ذکر گردید، در این پژوهش تعیین حجم نمونه به شرح زیر صورت گرفته است:

حجم نمونه = n

حجم جامعه آماری = N

احتمال صحت گفتار = t

خطای استاندارد نمونه‌گیری = d

احتمال وجود نگرش نسبت به فساد اداری در جامعه آماری = p

احتمال عدم وجود نگرش نسبت به فساد اداری در جامعه آماری = q

در این تحقیق

$$N=6500 \quad z=1.95 \quad t=0.06 \quad d=0.05 \quad p=0.5 \quad q=0.5$$

$$\frac{\frac{(1.95)^2 \cdot (0.5)(0.5)}{(0.05)^2}}{1 + \frac{1}{30739} \left(\frac{(1.96)^2 \cdot (0.5)(0.5)}{(0.06)^2} - 1 \right)} = 150$$

اعتبار و پایایی

برای سنجش روایی پرسشنامه از اعتبار صوری استفاده شد. به این صورت که ابتدا پرسشنامه مربوطه تنظیم و سپس در اختیار تعدادی از صاحب نظران قرار گرفت و پس از استخراج نظرات آنها، اصلاح نهایی گردید.

همچنین برای سنجش میزان پایایی پرسشنامه، از روش آلفای کرونباخ استفاده شد و مشخص شد که در همه متغیرها اعم از مستقل و وابسته پایایی بالایی مشاهده می شود (آلفای کرونباخ بیشتر از ۶۰٪). نمونه پایایی متغیرها در جدول ۱ آورده شده است.

جدول (۱) آلفای کرونباخ برای متغیرهای تحقیق

نوع متغیر	مفهوم	مؤلفه ها	آلفای کرونباخ کرونباخ
وابسته	نگرش به فساد اداری	شناختی	٪۷۶
		احساسی	٪۸۸
		رفتاری	٪۹۱
مستقل	احساس محرومیت	ادراک نابرابری	٪۹۳
		ارزیابی نابرابری	٪۸۹

یافته های پژوهش

بر اساس نتایج حاصله از مجموع ۱۵۰ نفر نمونه مورد بررسی، ۶۳ نفر مرد و ۸۷ نفر زن، که از این میان، ۱۱۵ نفر مجرد و ۳۵ نفر نیز متأهل بودند. از میان مجموع ۱۵۰ نفر پاسخگویان این تحقیق، بیشترین فراوانی سنی مربوط به ۲۰ سال است که ۳۲/۲ یعنی معادل ۵۹ نفر از مجموع پاسخگویان را به خود اختصاص داده است و همچنین کمترین بازه سنی شناسایی شده در این پژوهش نیز به ۳۹ سال مربوط می شد که هر

کدام تنها یک نفر از جمع کل را تشکیل داده بودند. از مجموع دانشجویانی که در نمونه مورد بررسی حضور داشتند، ۳۰ نفر مربوط به علوم پایه، ۶۱ نفر علوم انسانی، ۵۹ نفر مربوط به رشته‌های فنی و مهندسی بوده‌اند. اطلاعات در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲) توصیف متغیرهای زمینه‌ای

متغیرهای زمینه‌ای	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۶۳
	زن	۵۸
وضعیت تأهل	مجرد	۱۱۵
	متاهل	۲۳/۳
رشته تحصیلی	علوم انسانی	۴۰/۶
	فنی مهندسی	۳۹/۳
	علوم پایه	۲۰

در مورد توصیف متغیر وابسته نگرش به فساد اداری، بعد از ترکیب سه بعد شناختی، عاطفی و تمایل به رفتار مفهوم نگرش نسبت به شش شاخصه فساد اداری (اختلاس، تقلب اداری، رشوه، پارتی‌بازی، سوءاستفاده از موقعیت شغلی و تبارگرایی) شکل گرفت. در حالت جزئی وضعیت پاسخگویان نسبت به سه بعد مفهوم نگرش نسبت به شش شاخص فساد اداری بدین شرح است:

همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد پیرامون بعد شناختی نگرش به فساد اداری، ۴۰/۲۴٪ وضعیت آگاهی و اطلاعات دقیق و علمی آن‌ها از شاخص‌های تشکیل دهنده فساد اداری در حالت پایین گزارش شده است، ۳۶/۱۱٪ اطلاعات بالا و قابل قبولی از شاخص‌های فساد اداری داشته‌اند و ۲۳/۶۵٪ نیز سطح اطلاعاتی متوسط را به خود اختصاص داده‌اند.

در مورد بعد عاطفی احساسی نگرش به فساد اداری، ۵۳/۰۳٪ احساس منفی نسبت به انجام شاخص‌های فساد اداری از سوی کارمندان دولت دارند، ۳۴/۶۵۳٪ احساس

خنثی و بی‌طرفانه‌ای اتخاذ کرده‌اند و ۱۲/۳۹٪ نیز احساس مثبتی از انجام شاخص‌های فساد اداری از سوی کارمندان دولت گزارش داده‌اند.

و نهایتاً نیز پیرامون بعد تمایل به رفتار، ۵۱/۸۷٪ کاملاً مطمئن هستند که در صورت به‌وجود آمدن شرایط شغلی در آینده، مصادیق فساد اداری را به هیچ وجه انجام نخواهند داد، ۳۱/۸۷٪ مرددند که آیا در آینده دچار فساد اداری خواهند شد یا خیر، و نهایتاً نیز ۱۶/۴۶٪ معتقدند در صورت شکل‌گیری بستر لازم، شاخص‌های فساد اداری را انجام داده و مرتکب فساد اداری می‌شوند.

جدول ۳) توصیف ابعاد نگرش به فساد اداری

بعد شناختی	اطلاعات بالا و دقیق	اطلاعات متوسط	اطلاعات اندک
	۳۶/۱۱٪	۲۳/۶۵٪	۴۰/۲۴٪
بعد احساسی	احساس مثبت	احساس خنثی	احساس منفی
	۱۲/۳۹٪	۳۴/۶۵٪	۵۳/۰۳٪
بعد تمایل به رفتار	دارای تمایل کامل	مردد	عدم تمایل کامل
	۱۶/۴۶٪	۳۱/۸۷٪	۵۱/۸۷٪

در ادامه بعد از جمع‌آوری داده‌ها و کدگذاری مجدد، شاخص نگرش به فساد اداری به سه بعد، نگرش مثبت (گرایش به فساد اداری)، خنثی (مردد نسبت به انجام عمل) و منفی (تنفر و انزجار از فساد اداری) تقسیم گردید و نهایتاً نیز نتایج توصیفی در حالت کلی، حاکی از این موضوع بود که بیشترین فراوانی داده‌ها در بخش نگرش خنثی متمرکز است یعنی ۵۶/۹۱٪، که این امر نشان دهنده این است که پاسخگو حالتی بینابین و خنثی از بار مثبت یا منفی اتخاذ کرده و به بیانی بهتر، موضع اتخاذی در این حالت از سوی پاسخگو موضعی قطعی و مطمئن نیست و هر آینه تحت شرایط خاصی، این امکان دارد که میل به مثبت یا منفی داشته باشد. در قسمت دوم نیز نگرش منفی به فساد اداری با ۳۸٪ قرار دارد. به عبارتی دیگر، از کل نمونه تنها ۳۳٪ موضعی کاملاً منفی و خصمانه نسبت به این پدیده اتخاذ کرده‌اند و نهایتاً نیز ۱۶/۲٪ نیز دارای

نگرش مثبت به فساد اداری‌اند و به بیانی بهتر، موضع اتخاذ شده از سوی آن‌ها گویای این واقعیت است که آن‌ها نه تنها نسبت به این پدیده جهت گیری منفی ندارند، بلکه بالعکس نگرش آن‌ها به فساد اداری مثبت و مطلوب پنداشته شده است. در مورد متغیر مستقل تحقیق نیز نتایج به صورت مجزا و به صورت زیر قابل بیان است.

در مجموع به لحاظ توصیف شاخص‌های متغیر مستقل بعد از تجزیه و تحلیل و ترکیب سؤالات، نتایج توصیفی به شرح زیر قابل گزارش بود که از میان ۱۵۰ نفر پاسخگو ۲۳/۷۱٪ در حد بالا، ۵۶/۶۵٪ در حد متوسط و نهایتاً ۱۹/۶۵٪ شاخص احساس محرومیت نسبی آنان در حد پایین ارزیابی شد.

آزمون فرضیات

فرضیه اصلی:

به نظر می‌رسد بین نگرش دانشجویان به فساد اداری و احساس محرومیت نسبی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول (۴) رابطه نگرش به فساد اداری و احساس محرومیت نسبی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	نوع آزمون	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
نگرش به فساد اداری	احساس محرومیت نسبی	پیرسون	۰/۴۸	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

همان‌طور که جدول ۴ نیز گویای آن است بر اساس نتایج به دست آمده بین متغیر نگرش به فساد اداری و احساس محرومیت نسبی رابطه‌ای مستقیم برقرار است، با این توضیح که با افزایش متغیر احساس محرومیت نسبی، پاسخگوی نگرش به فساد اداری میل به مثبت شدن (گرایش به فساد اداری) دارد و با کاهش آن، شاخص نگرش به فساد اداری میل به منفی شدن (انزجار و تنفر از فساد اداری) می‌گذارد. از سوی دیگر نیز سطح معناداری به دست آمده (کمتر از ۰/۵٪) گویای آن است که از لحاظ آماری نیز رابطه به دست آمده معنادار است.

فرضیه های فرعی:

فرضیه اول:

بین نگرش به فساد اداری و پایگاه اقتصادی و اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۵) رابطه پایگاه اجتماعی اقتصادی و نگرش به فساد اداری

متغیر وابسته	متغیر مستقل	نوع آزمون	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
نگرش به فساد اداری	پایگاه اقتصادی- اجتماعی	پیرسون	-۰/۳۹۷	۰/۰۰۲	تأیید فرضیه

نتیجه بررسی رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نگرش به فساد اداری در جدول ۵ نشان داد که رابطه‌ای منفی و معنادار بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نگرش به فساد اداری برقرار است. به طوری که هر چقدر فرد دارای پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری باشد نگرش وی نسبت به فساد اداری منفی و بالعکس خواهد بود. بدین ترتیب فرضیه حاضر تأیید می‌شود.

فرضیه دوم:

بین نگرش به فساد اداری و وضعیت تأهل رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۶) رابطه تأهل و نگرش به فساد اداری

متغیر وابسته	متغیر مستقل	میانگین	نوع آزمون	مقدار	سطح معناداری	نتیجه آزمون
نگرش به فساد اداری	تأهل	مجرد = ۴۷/۶ متأهل = ۴۶/۹	آزمون T	-۰/۴۰۳	۰/۲۳۴	رد فرضیه

نتیجه مقایسه میانگین‌های پاسخگویان مجرد و متأهل در جدول ۶ نشان داد که

بین این دو گروه تفاوت معناداری در نگرش به فساد اداری وجود ندارد و لذا این فرضیه رد می‌شود.

فرضیه سوم:

بین نگرش به فساد اداری و سن رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۷) رابطه سن و نگرش به فساد اداری

متغیر وابسته	متغیر مستقل	نوع آزمون	ضریب همبستگی	سطح معناداری	نتیجه آزمون
نگرش به فساد اداری	سن	پیرسون	۰/۰۲۸	۰/۳۳۸	رد فرضیه

نتیجه بررسی رابطه سن و نگرش به فساد اداری در جدول ۷ نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد؛ لذا این فرضیه رد می‌شود.

فرضیه چهارم:

بین نگرش به فساد اداری و جنسیت رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۸) رابطه جنسیت و نگرش به فساد اداری

متغیر وابسته	متغیر مستقل	میانگین	نوع آزمون	مقدار	سطح معناداری	نتیجه آزمون
نگرش به فساد اداری	جنسیت	مرد = ۴۹/۶ زن = ۴۲/۴	آزمون T	-۶/۲۳	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه

نتیجه مقایسه میانگین دو گروه زنان و مردان در نگرش به فساد اداری در جدول ۸ نشان داد که بین این دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این صورت که میانگین نگرش به فساد اداری مردان بیشتر از زنان است، یعنی مردان نگرش مثبت‌تری نسبت به فساد اداری دارند. بدین ترتیب این فرضیه تأیید شد.

نتیجه و پیشنهادات

تحقیق حاضر با مطالعه بر روی ۱۵۰ دانشجوی دانشگاه پیام نور بجنورد انجام پذیرفت. نتایج نشان داد که بین نگرش به فساد اداری و سن رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به این معنی که با افزایش سن، نگرش به فساد اداری نیز مثبت تر می شود (گرایش بیشتر به فساد اداری). هم چنین نتایج نشان داد بین نگرش به فساد اداری و پایگاه اقتصادی - اجتماعی نیز رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ یعنی این که هر چه قدر پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد بالاتر باشد، گرایش بیشتری به فساد اداری خواهند داشت. هم چنین مهمترین یافته و نتیجه تحقیق حاضر، وجود رابطه مثبت و معنادار بین نگرش به فساد اداری و احساس محرومیت نسبی است؛ یعنی با افزایش احساس محرومیت نسبی افراد، گرایش آنها به فساد اداری افزایش پیدا خواهد کرد. این یافته موجب تأیید فرضیه اصلی تحقیق گردید. با اتکا به این یافته تحقیق می توان گفت، احساس محرومیت نسبی یکی از علل اصلی انحرافات اجتماعی (در اینجا فساد اداری) است. افراد مادامی که خود را از افراد دیگر محروم تر بدانند و سطح برخورداری خود را ناچیز برشمرند، درصدد رفع این محرومیت بر خواهند آمد که این امر، گاهی اوقات در قالب انجام کارهای غیرقانونی و انحرافی خودنمایی می کند.

محرومیت به طور ضمنی ناظر بر شرایط نابرابر میان اجزای یک جامعه است؛ شرایطی که در آن برخی از شهروندان از امکانات، امتیازات و بهره مندی های بیشتری نسبت به برخی دیگر بهره مندند و اعضای گروه در نسبت سنجی میان وضعیت خود و وضعیت گروه های دیگر به احساسی دست می یابند که محرومیت نامیده می شود؛ احساسی که می تواند منشأ بسیاری از ناهنجاری ها و انحرافات، مثل گرایش به فساد اداری باشد که در مطالعه حاضر نیز تأیید گردید. نکته ای که در این میان حائز اهمیت است این که در صورتی که افراد احساس محرومیت نسبی داشته باشند و در سطح جامعه، دیگران را نسبت به خود برخوردارتر ببینند، واکنش های گوناگونی ممکن است نشان دهند؛ مثلاً احساس سرخوردگی و بی تفاوتی پیش گیرند و یا این که درصدد جبران این محرومیت و احقاق حق (از دیدگاه خود) برآیند، که در این حال، احتمال بروز انحرافات بالا

می‌رود. همان‌طور که در این مطالعه نیز نشان داده شد، با این وجود افراد نگرش مثبتی نسبت به فساد اداری می‌یابند و از این طریق درصدد رفع محرومیت بر خواهند آمد. در نهایت با عنایت به نتایج تحقیق، در پایان چند پیشنهاد کاربردی را برای پیشگیری از گرایش به فساد اداری بر خواهیم شمرد:

۱. براساس نتیجه فرضیه اول به نظر می‌رسد رعایت عدالت توزیعی در سطح جامعه و کاهش شکاف طبقاتی نیازمند توجه بیشتر است و مادامی که در جامعه نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی وجود داشته باشند، احیای محرومیت وجود خواهد داشت که خود این عامل پیامدهای ناگواری را در پی دارد.
۲. براساس نتیجه فرضیه سوم به نظر می‌رسد آموزش دانش‌آموزان و دانشجویان (بالاخص پسران) در زمینه قانون‌مداری و آشنایی بیشتر آنها با آموزه‌های اخلاقی در مدارس و دانشگاه‌ها شایان توجه است.
۳. هم‌چنین براساس فرضیه پنجم تحقیق به نظر می‌رسد برای جلوگیری از انحرافات به‌خصوص فساد اداری، نیازمند برنامه‌ریزی و کار بر روی آموزش خانواده‌ها بالاخص خانواده‌های متمول است تا از این طریق، فرزندانی که در این خانواده‌ها رشد می‌یابند در آینده انسان‌هایی قانون‌مدار باشند؛ در این زمینه نقش رسانه‌ها می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

منابع

۱. آلپورت، گوردن دبلیو؛ جونز، ادوارد ای. (۱۳۷۱). *روان‌شناسی اجتماعی از آغاز تاکنون*. ترجمه محمد نقی منشی طوسی، مشهد: آستان قدس رضوی.
۲. بهنر، ج.؛ وانک، م. (۱۳۸۴). *نگرش‌ها و تغییر آنها*. ترجمه علی مهداد. تهران: جنگل.
۳. رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۸). *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*. تهران: سروش.
۴. رهنمود، فرج‌الله؛ طاهرپور کلانتری، حبیب‌الله؛ رشیدی، اعظم (۱۳۸۸). "شناسایی عوامل مؤثر بر فساد مالی در بین کارکنان دستگاه‌های اجرایی". *فصلنامه مدیریت اجرایی*، سال دهم، ش ۱ (تابستان): ۳۵-۵۱.

۵. شیخوندی، داور (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جمعیتی ایران*. تهران: قطره.
۶. عباس زادگان، محمد (۱۳۸۳). *فساد اداری*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۷. فرج پور، مجید (۱۳۸۳). *موانع توسعه: بررسی فقر، تبعیض و فساد*. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۸. مرادی، گلمراد؛ سعیدی پور، بهمن (۱۳۸۹). "بررسی نقش محرومیت نسبی در ایجاد رفتار جمعی جوانان شهر کرمانشاه بر اساس نظریه تعامل‌گرایی بلومر". *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال دهم، ش ۱۶ (پاییز و زمستان): ۱۶۳-۱۹۱.
۹. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علم.
10. Chandra, Siddharth; Foster Angela Williams. (2005). "The Revolution of Rising Expectations". *Social Science History*, vol 29. No. 2: 229-332.
11. Cho, W.; Kirwin, M. F. (2007). "Vicious circle of corruption and mistrust in institutions in sub-Sahara Africa: Micro level analysis". *Afrobarometer*, no. Vol. 71, No. 10: 1-17.
12. Elliott, Kimberly Ann. (1997). "Corruption as a Global Policy Problem: Overview and Recommendations". In: *Corruption and the Global Economy*. Annkimberly elliott. Washington: Institute for International Economics: 175-233.
13. Gerring, j. and s. tracker, (2004). *Political institution and governance: pluralism versus centralism*, *British journal of political science*, vol 34. No. 2: 295-330.
14. Green, Stuart P. (2004). "Moral Ambiguity in White Collar

- Criminal Law». Notre Dame Journal of Law, Ethics and Public Policy, Vol. 18. No. 18: 501-515.
15. Johnston, M. (2005). Syndromes of corruption: Wealth, power, and democracy. Cambridge: Cambridge University Press.
 16. Lambsdorff, J. G. (2006). "Causes and consequences of corruption". In: International handbook on economics of corruption. S. R. Ackerman, New York: Edward Edgar: 3-52.
 17. Moreno J.; Jennings, H. (2005). "Statistics of social configurations". Stoichiometry, Journal of Asia and African studies, vol. 1. No. 52: 74-342.
 18. Mbaku, J. M. (2008). "Corruption clean ups in Africa: Lessons from public choice". Journal of Asia and African studies, vol.43. No. 24: 427-456.
 19. Robinson, M. (2004). Corruption and Development: London and portland, oregon: Frank cass.
 20. Sandholtz, Wayne; Taagepera, Rein (2005). "Corruption, Culture, and Communism". International Review of Sociology, Vol. 15. No.1: 109-131.
 21. Shabbir, G.; Anwar, M. (2008). "Determinants of corruption in developing countries". [on-Line] Available: http://www.pubchoicesoc.org/papers_2008/shabbir_anwar.pdf. [2014/08/15].
 22. Taylor, S. E.; Peplau, L. A.; Sears, D. O. (2003). Social Psychology. New Jersey: Pearson Education, Upper Saddle River.

23. Treisman, Daniel (2000). "The Causes of Corruption: A Cross-National Study". *Journal of Public Economics*, Vol. 4. No. 76: 399-457.
24. World Bank (2004). "Helping countries combat corruption: The role of the world bank. poverty reduction and economic management". [on-Line] Available: [www.Worldbank.org/publicsector/ anticorruption/ corruption/ coridx. htm](http://www.Worldbank.org/publicsector/anticorruption/corruption/coridx.htm). [2014/08/15].
25. Yadav, G. J. (2005). "Corruption in developing countries: Causes and solutions". *Notre Dame Journal of Law, Ethics and Public Policy*, Vol. 18. No. 31: 75-92.

استفاده از شبکه تلویزیونی پویا و نقش آن در انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی

(مورد مطالعه: شهر بیرجند سال تحصیلی ۹۲-۹۳)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۸

مریم سبزه کار^۱

هادی پورشافعی^۲

چکیده

تلویزیون از ابزارهای مؤثر در افزایش شناخت و آگاهی به شمار می‌آید و پویانمایی در صنعت رسانه و هنرهای نمایشی، قابلیت‌های فراوانی هم در تولید و هم در برقراری ارتباط با مخاطب دارد. از آنجا که همواره مخاطبان خردسال، کودک و نوجوان حلقه اول علاقه‌مندان و مخاطبان شبکه پویا را تشکیل می‌دهند، لذا این شبکه با هدف پاسخگویی نیازهای تربیتی، آموزشی، سرگرمی و تفریحی مخاطبان برای تربیت خردسالان و کودکان به کمک خانواده‌ها آمده است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - مقایسه‌ای و به منظور بررسی استفاده از شبکه تلویزیونی پویا و نقش آن در انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان صورت گرفته است. جامعه آماری شامل همه دانش آموزان مقطع پنجم ابتدایی شهر بیرجند بوده است. نمونه مورد بررسی، ۵۰۰ نفر از دانش‌آموزان پسر و دختر است که به روش خوشه‌ای و تصادفی انتخاب شد. به منظور جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی، وضعیت تحصیلی و مقیاس انگیزش تحصیلی هارتر (۱۹۸۱)، تهیه و در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت. نتایج این پژوهش حاکی از این بود که بین پیشرفت و انگیزش تحصیلی دانش‌آموزانی که برنامه‌های شبکه پویا را تماشا می‌کنند و آنهایی که تماشا نمی‌کنند تفاوت معنی‌داری وجود نداشت. هم‌چنین نتایج پژوهش حاکی از این بود که بین پیشرفت و انگیزه

۱. کارشناس ارشد علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه آزاد اسلامی قاینات، نویسنده مسؤول
m.sabzekar@birjand.trib.ir
hpourshafei@birjand.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه بیرجند

تحصیلی دانش آموزانی که برنامه‌های شبکه پویا را تماشا می‌کنند و آنهایی که تماشا نمی‌کنند، به لحاظ جنسیت تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: شبکه تلویزیونی پویا، انگیزش تحصیلی، پیشرفت تحصیلی

مقدمه

یکی از عوامل اثرگذار بر آموزش و پرورش در جوامع کنونی، رسانه‌های جمعی است. مفهوم رسانه و به‌دنبال آن رسانه‌های جمعی به‌طور عجیبی وارد مطالعات و تحقیقات انسانی و اجتماعی شده است، چرا که ما وارد جامعه‌ای اطلاعاتی شده‌ایم، جامعه‌ای که کل جهان را به قول مک لوهان^۱ به یک دهکده جهانی تبدیل کرده است. در این دهکده، رسانه‌ها نقش تعیین‌کننده دارند.

طبق تعریف، رسانه؛ عبارتست از بزرگراه ارتباطی که جریان انتقال اطلاعات از طریق آن انجام می‌شود و دارای تنوع بالایی در دنیای نوین می‌باشد. اما آن‌چه مورد تأکید و دقت نظر فراوان است، با توجه به قدرت بی‌بدیل آن در شکل دادن به افکار، عقاید و ارزش‌های اجتماعی، رسانه‌های جمعی است. رسانه‌های جمعی آن دسته از رسانه‌ها را شامل می‌شوند که دارای خصلت فراگیری مخاطب، بازخورد و از همه مهم تر پیامدهای گسترده‌ی اجتماعی هستند (کازنو، ۱۳۷۶: ۳). این رسانه‌ها شامل، رادیو، تلویزیون، مطبوعات و سینما هستند و تلویزیون یکی از تأثیرگذارترین آنهاست. شبکه پویا که مخاطبان اصلی آن خردسالان، کودکان و نوجوانان هستند یکی از با اهمیت ترین شبکه‌های رسانه ملی است که با اهداف متنوعی راه‌اندازی شده است. یکی از این اهداف توجه به این قشر عظیم جامعه است که شاید بیش از یک سوم جامعه ما را تشکیل می‌دهند. یکی از برنامه‌های راهبردی این شبکه در برنامه‌ریزی‌های کلان، ایجاد شبکه‌ای مخصوص با فرم پویا نمایی برای قشر کودکان است.

پیشرفت تحصیلی به‌عنوان یک متغیر آموزشی همواره مورد توجه پژوهشگران و متخصصان آموزش و پرورش بوده است. عوامل پیچیده و گاه ناشناخته‌ای کیفیت

و کمیت یادگیری دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی آنان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد (Spalding, 1998: 99).

یکی از عواملی که به جهت شدت تأثیرات خود در پیشرفت تحصیلی مورد توجه بیشتر پژوهشگران حوزه آموزش و پرورش قرار گرفته است، و گاه خود به‌عنوان یک عامل مستقل مورد بررسی قرار گرفته است، انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان است (Bentham, 2002: 100).

در حقیقت به جهت ارتباط‌های قوی موجود بین انگیزه تحصیلی و پیشرفت تحصیلی، توجه زیادی به انگیزه تحصیلی و عوامل موثر بر آن شده است (Chen, 2004: 100). انگیزش از جمله مفاهیم رایج در مسائل آموزشی است. وقتی در سیستم آموزشی، مشکلاتی هم‌چون افت تحصیلی رخ می‌دهد، از انگیزه یادگیرنده به‌عنوان یکی از علل مهم آن یاد می‌شود. در نظریه‌های آموزشی نیز انگیزه یک مفهوم اساسی به‌شمار می‌رود. روان‌شناسان و معلمان نیز انگیزش را یکی از مفاهیم کلیدی می‌دانند که برای توضیح سطوح مختلف پیشرفت به کار می‌رود. این مفهوم تفاوت میزان تلاش برای انجام تکالیف درسی را بازگو می‌کند. بسیاری از معلمان با دانش‌آموزانی که هیچ‌گونه علاقه‌ای به درس و هیچ‌گونه انگیزه‌ای برای درس خواندن و تحصیل ندارند، یا این که تنها به بخش‌های خیلی خاص مطالب درسی علاقمندند، در مورد این دسته چه می‌توان کرد و با چه نظریه‌هایی می‌توان این موضوع را تحلیل نمود؟ در مرور نظریه‌های انگیزشی، چندین نظریه اصلی قابل مشاهده است. فروید و هواداران اولیه او انسان را تحت کنترل غرایز زیستی می‌دانند. به نظر آن‌ها غرایز رفتار را در کنترل خود دارند، تا این که انسان می‌آموزد که غرایز خود را از طریق "من" و "من برتر" مهار کند (Debrom, 2001).

پژوهش آنگل^۱ (1998) نشان می‌دهد که تلویزیون بر پیشرفت خواندن تأثیر منفی دارد، زیرا اوقاتی را که کودکان باید صرف خواندن و مطالعه کنند، به تماشای تلویزیون اختصاص می‌دهند.

هنگلر و کوهن^۲ (1997) در پژوهشی که درباره سطح خواندن کودکان ۵ تا ۱۳

1. Angel

2. Henggeler & Cohen

ساله در جوامع با و بدون تلویزیون انجام داده‌اند، دریافته‌اند کودکانی که در جوامع با چندین شبکه تلویزیونی به سر می‌برند، کمتر کتاب می‌خوانند و در مقایسه با گروه بدون تلویزیون، به‌طور معناداری کمتر به مطالعه مجله‌های فکاهی می‌پرداختند.

بنیتس^۱ (1985) رابطه بین مقدار تماشای تلویزیون و نمره‌های هوش و درک خواندن بیش از ۶۰۰ کودک ۱۱ الی ۱۴ ساله را بررسی کردند. در این پژوهش، بین مقدار تماشای تلویزیون و عملکرد خواندن رابطه منفی معناداری مشاهده شد.

شیخ (۱۳۸۴) معتقد است دانش‌آموزانی که از لحاظ امکانات کمک آموزشی نظیر کتاب‌های کمک درسی، معلم خصوصی، تکنولوژی‌های جدید، نرم افزارها و ... غنی‌ترند نسبت به دانش‌آموزانی که کمتر از این وسایل بهره‌مند هستند پیشرفت یادگیری بهتر و انگیزه تحصیلی آنها نیز بیشتر است.

در پژوهش حاضر سعی می‌شود با رعایت نوعی جامع‌نگری، رابطه متغیرهای متنوعی مورد بررسی قرار گیرد و بدیهی است که بررسی رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌ی پویای صدا و سیما، با انگیزه و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در کانون توجه خواهد بود. در این راستا پرسش اصلی که محقق به دنبال یافتن پاسخی برای آن است این است که آیا بین استفاده از شبکه تلویزیونی پویا با انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه پنجم شهر بیرجند ارتباطی وجود دارد؟

در این پژوهش سه فرضیه مورد بررسی قرار گرفته است.

فرضیه اول پژوهش: بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانی که برنامه‌های شبکه پویا را تماشا می‌کنند و آنهایی که تماشا نمی‌کنند تفاوت وجود دارد.

فرضیه دوم پژوهش: بین انگیزه تحصیلی دانش‌آموزانی که برنامه‌های شبکه پویا را تماشا می‌کنند و آنهایی که تماشا نمی‌کنند، تفاوت وجود دارد.

فرضیه سوم پژوهش: بین پیشرفت و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزانی که برنامه‌های شبکه پویا را تماشا می‌کنند و آنهایی که تماشا نمی‌کنند، به لحاظ جنسیت تفاوت وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش انجام این پژوهش توصیفی از نوع مقایسه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر بیرجند، که در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱ مشغول به تحصیل می‌باشند. حجم نمونه بر طبق جدول جرسی و مورگان ۳۰۰ نفر محاسبه گردید. روش نمونه‌گیری به شیوه خوشه‌ای تصادفی انجام گرفته است. جهت اندازه‌گیری انگیزش تحصیلی از مقیاس انگیزش تحصیلی هارتر^۱ (1981) استفاده شد. این مقیاس از معروف‌ترین مقیاس‌هایی است که تفاوت‌های فردی را در دو بعد انگیزش درونی و بیرونی می‌سنجد. مقیاس هارتر (1981) در اصل متشکل از ۱۸ سؤال (گویه) و هر سؤال آن، دو قطب انگیزش درونی و بیرونی را در دو انتهای یک پیوستار اندازه می‌گیرد. اما بحرانی این پرسشنامه را اصلاح و تعداد سؤالات را به ۳۳ سؤال افزایش داد و پایایی مقیاس اصلاح شده هارتر را به دو شیوه بازآزمایی و ثبات دورنی بررسی کرد. ضریب آلفا و بازآزمایی مقیاس کلی انگیزش درونی به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۸۶ و برای مقیاس کلی انگیزش بیرونی ۰/۶۹ تا ۰/۸۱ بوده که با توجه به تعداد کم سؤال‌ها در هر زیر مقیاس، ضرایب رضایت‌بخش است و همه ضرایب بازآزمایی در سطح ۰/۰۱ معنادار بود.

هم‌چنین با بهره‌گیری از تحقیقات پیشین جهت پیشرفت تحصیلی، معدل نمرات درسی دانش‌آموز در پایان ترم اول سال گذشته، معدل نمرات درسی دانش‌آموز در پایان ترم دوم سال گذشته و معدل نمرات درسی دانش‌آموز در پایان ترم اول سال جاری مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

اطلاعات جمعیت‌شناختی

جنسیت، سن، وضعیت تحصیلی، ساعات تماشای روزانه برنامه‌های شبکه پویا، بررسی نمودار رابطه وضعیت تحصیلی با ساعات تماشای برنامه‌های شبکه پویا، طول مدت برخورداری از شبکه پویا و میانگین و انحراف معیار نمره آزمودنی‌ها در مقیاس

انگیزش تحصیلی به تفکیک زیرمقیاس‌ها و جنسیت، مواردی هستند که در قالب آمار توصیفی به آن‌ها پرداخته می‌شود. فراوانی، حداقل، حداکثر، میانگین و انحراف معیار، شاخص‌های مورد استفاده جهت توصیف این عوامل هستند. شایان ذکر است که پاسخ هفت نفر از آزمودنی‌ها ناقص بود و لذا در مجموع پاسخ ۲۹۳ آزمودنی مورد استفاده قرار گرفت.

جنسیت آزمودنی‌ها

همان‌طور که گفته شد آزمودنی‌ها از لحاظ جنسیت شامل هر دو گروه پسر و دختر بوده‌اند. جنسیت از این لحاظ مورد توجه است که در بخش آمار استنباطی به دنبال بررسی نقش جنسیت در پیشرفت و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان هستیم. جدول ۱، فراوانی آزمودنی‌ها را به لحاظ جنسیت نمایش می‌دهد.

جدول ۱) فراوانی و درصد آزمودنی‌ها به تفکیک جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد
دختر	۸۶	۲۹/۴٪
پسر	۲۰۷	۷۰/۶٪
مجموع	۲۹۳	۱۰۰٪

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌گردد ۷۰ درصد آزمودنی‌ها پسر و حدود ۳۰ درصد آن‌ها دختر هستند.

سن آزمودنی‌ها

تمامی آزمودنی‌ها دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی بوده و لذا از لحاظ سنی نسبتاً یکنواخت می‌باشند. جدول ۲ فراوانی و جدول ۳ شاخص‌های آمار توصیفی مربوط به سن آزمودنی‌ها از قبیل میانگین و انحراف معیار را به دو صورت کلی و به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد.

جدول (۲) فراوانی و درصد آزمودنی‌ها به لحاظ سن

سن	دختر		پسر		مجموع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱۰ سال	۴	٪۴/۶	۲	٪۰/۹	۶	٪۲
۱۱ سال	۵۶	٪۶۵/۱	۱۰۳	٪۴۹/۸	۱۵۹	٪۵۴/۳
۱۲ سال	۲۵	٪۲۹/۱	۹۱	٪۴۴	۱۱۶	٪۳۹/۶
۱۳ سال	۱	٪۱/۲	۱۱	٪۵/۳	۱۲	٪۴/۱

جدول (۳) آمار توصیفی سن آزمودنی‌ها به تفکیک جنسیت

سن	دختر		پسر		مجموع	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
	۱۱/۲۷	۰/۵۶۲	۱۱/۵۴	۰/۶۱۳	۱۱/۴۶	۰/۶۱۰

با نگاهی به جداول ۲ و ۳ ملاحظه می‌گردد که سن حدود ۹۵ درصد آزمودنی‌ها در بازه ۱۱ تا ۱۲ سال و دارای میانگین ۱۱/۴۶ و انحراف معیار ۰/۶۱ است. همچنین میانگین سنی دختران و پسران به یکدیگر نزدیک بوده و انحراف معیار سن دختران (۰/۵۶۲) کمتر از پسران (۰/۶۱۳) است.

وضعیت تحصیلی آزمودنی‌ها

وضعیت تحصیلی یکی از دو متغیر اصلی مورد نظر در این پژوهش است. از آنجا که در سیستم جدید آموزشی، نمره‌دهی به صورت توصیفی انجام می‌گیرد، از آزمودنی‌ها خواسته شد تا وضعیت تحصیلی خود را بر اساس سه ترم گذشته، از میان گزینه‌های خیلی خوب، خوب، قابل قبول و نیاز به تلاش بیشتر، مشخص کنند. جدول ۴، فراوانی آزمودنی‌ها از لحاظ وضعیت تحصیلی را به دو صورت کلی و به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد.

جدول ۴) فراوانی آزمودنی‌ها از لحاظ وضعیت تحصیلی به تفکیک جنسیت

مجموع		پسر		دختر		وضعیت تحصیلی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
٪۷۶/۱	۲۲۳	٪۷۳/۴	۱۵۲	٪۸۲/۵	۷۱	خیلی خوب
٪۲۱/۲	۶۲	٪۲۵/۱	۵۲	٪۱۱/۶	۱۰	خوب
٪۲/۷	۸	٪۱/۵	۳	٪۵/۹	۵	قابل قبول
۰	۰	۰	۰	۰	۰	نیاز به تلاش بیشتر

جدول ۴ نشان می‌دهد ۸۲/۵ درصد دختران و ۷۳/۴ درصد پسران، وضعیت تحصیلی خیلی خوب داشته و هیچ کدام در وضعیت تحصیلی "نیاز به تلاش بیشتر" قرار ندارند. در مجموع نیز ۷۶/۱ درصد آزمودنی‌ها دارای وضعیت تحصیلی خیلی خوب و ۲۱/۲ درصد ایشان دارای وضعیت تحصیلی خوب بودند.

ساعات تماشای روزانه برنامه‌های شبکه پویا

برای آن که بتوان نقش تماشای برنامه‌های شبکه پویا را بر پیشرفت و انگیزه تحصیلی آزمودنی‌ها بررسی کرد، از ایشان خواسته شد تا مشخص کنند در طول روز چه میزان از برنامه‌های این شبکه را استفاده می‌کنند. جدول ۵، فراوانی مربوط به این شاخص را به دو صورت کلی و به تفکیک جنسیت نشان می‌دهند.

جدول ۵) فراوانی آزمودنی‌ها از لحاظ ساعات تماشای روزانه برنامه‌های شبکه پویا

مجموع		پسر		دختر		ساعت
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
٪۱۸/۴	۵۴	٪۱۵/۴	۳۲	٪۲۵/۶	۲۲	مشاهده نمی‌کنم
٪۶۵/۵	۱۹۲	٪۹۶/۶	۱۴۴	٪۵۵/۸	۴۸	۱ تا ۳ ساعت
٪۱۳/۳	۳۹	٪۱۳	۲۷	٪۱۴	۱۲	۴ تا ۵ ساعت
٪۱/۴	۴	٪۱/۴	۳	٪۱/۱	۱	۵ تا ۷ ساعت
٪۱/۴	۴	٪۰/۳	۱	٪۳/۵	۳	بیش از ۸ ساعت

جدول ۵، نشان می‌دهد درصد دخترانی که شبکه پویا را تماشا نمی‌کنند ($25/6\%$) بیش از پسران ($15/4\%$) است. هم‌چنین غالب آزمودنی‌ها ($65/5\%$) در طول روز بین ۱ تا ۳ ساعت از این شبکه استفاده کرده و درصد بسیار کمی از ایشان ($2/8\%$) بیش از این مقدار به مشاهده برنامه‌های این شبکه مشغول می‌شوند.

فرضیه اول پژوهش: بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانی که برنامه‌های شبکه پویا را تماشا می‌کنند و آنهایی که تماشا نمی‌کنند تفاوت وجود دارد.

برای بررسی درستی یا نادرستی این فرضیه و به عبارتی بررسی این که آیا این تفاوت، قابل ملاحظه و معنادار است، ابتدا افراد به دو گروه تقسیم شدند؛ گروهی که شبکه پویا را تماشا نمی‌کنند (154 نفر) و مابقی که بیش از یک ساعت در روز به تماشای این شبکه می‌پردازند (239 نفر). سپس به بهترین پیشرفت تحصیلی (خیلی خوب) عدد ۴ و به بدترین آن (نیاز به تلاش بیشتر)، عدد ۱ و به بقیه مابین این دو عدد، اعدادی اختصاص یافت. در نهایت با استفاده از آزمون t ، میانگین نمرات بیان‌کننده پیشرفت تحصیلی این دو گروه، با هم مقایسه شد. از آنجا که دو نمونه مورد مقایسه، دو گروه متفاوت و مستقل هستند، از آزمون t مستقل استفاده گردید.

جدول ۶) خصوصیات آماری دانش‌آموزان دو گروه از نظر تماشای شبکه

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد
تماشا می‌کنند	۵۴	۳/۶۹	۰/۶۳۹	۰/۰۸۷
تماشا نمی‌کنند	۲۳۹	۳/۷۴	۰/۴۶۵	۰/۰۳۰

بر اساس جدول ۶ ملاحظه می‌گردد که میانگین پیشرفت تحصیلی آزمودنی‌های گروهی که شبکه پویا را تماشا می‌کنند ($3/74$)، بیش از گروهی است که این شبکه را تماشا نمی‌کنند ($3/69$). در واقع آزمون t نشان می‌دهد که این تفاوت میانگین دو گروه ($3/69 - 3/74 = -0/05$) که در جدول شماره ۷، مقدار آن $-0/06$ - آمده است معنادار بوده و ناشی از تفاوت پیشرفت تحصیلی دو جامعه - دانش‌آموزان دبستانی که شبکه پویا را می‌بینند و آنهایی که نمی‌بینند - است.

جدول (۷) نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه پیشرفت تحصیلی دو گروه

نوع واریانس	آزمون برابری واریانسها		مستقل t آزمون				فاصله اطمینان ۹۵٪ برای اختلاف	
	- مقدار p	f آماره	میانگین اختلاف	p مقدار	درجه آزادی	t آماره	بازه بالا	بازه پایین
واریانس برابر	۰/۰۱۹	۵/۵۸۵	-۰/۰۶۰	۰/۴۳۱	۲۹۱	-۰/۷۸۹	۰/۰۸۹	-۰/۲۰۸
واریانس نابرابر			-۰/۰۶۰	۰/۵۲	۲۱۷/۶۶	-۰/۶۴۸	۰/۱۲۴	-۰/۲۴۳

همان طور که ملاحظه می شود، p- مقدار آزمون t برابر ۰/۵۲۰ و بزرگتر از ۰/۰۵ شده، در نتیجه بر اساس فرضیه یک، فرض یکسان بودن میانگین نمرات پیشرفت تحصیلی دو گروه، در سطح ۰/۰۵ رد نشده است. به عبارت دیگر، بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزانی که برنامه های شبکه پویا را تماشا می کنند و آنهایی که تماشا نمی کنند، تفاوت معناداری وجود ندارد و فرضیه یک رد می شود.

نتایج پژوهش حاضر در این قسمت با نتایج پژوهش رستمی (۱۳۶۴)، لوین و لوین (۱۹۹۶) ۱، بنتیجز و وان درورت ۲ (۱۹۸۸)، که به نقش منفی و بی اثر تماشای تلویزیون بر میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان اشاره می کند همسو و با نتایج پژوهش عبدل حمید ۳ (۲۰۰۵)، حیدری و دیگران (۱۳۸۹)، سلیمی (۱۳۸۸)، شبیری و عطاران (۱۳۸۶) که به نقش مثبت و معنی دار رسانه و فناوری جدید در بهبود پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان اشاره دارد، مغایرت دارد.

فرضیه دوم پژوهش: بین انگیزه تحصیلی دانش آموزانی که برنامه های شبکه پویا را تماشا می کنند و آنهایی که تماشا نمی کنند، تفاوت وجود دارد.

جهت تعیین میزان انگیزه تحصیلی آزمودنی ها از فرم اصلاح شده مقیاس انگیزش تحصیلی هارتر که توسط لپر ۴ و دیگران (۲۰۰۵) ارائه گردید، استفاده شد. این مقیاس دارای دو بعد انگیزش درونی و انگیزش بیرونی است. برای بررسی این فرضیه، از همان دو گروه

1. Levine, D.U., and Levine R.F

2. Beentjes

3. Abdul Hamid

4. Lepper, M.R

فرضیه یک (افرادی که شبکه پویا را تماشا می کنند و آن هایی که تماشا نمی کنند) استفاده شد. با استفاده از آزمون t مستقل، میانگین نمرات انگیزه تحصیلی دو گروه، مقایسه شد.

جدول ۸) خصوصیات آمار توصیفی انگیزش تحصیلی دانش آموزان دو گروه

مقیاس	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد
انگیزش کل	تماشا نمی کنم	۵۴	۲/۱۹۴	۰/۴۱۶	۰/۰۵۶۵
	تماشا می کنم	۲۳۹	۲/۲۰۲	۰/۴۳۴	۰/۰۲۸
انگیزش درونی	تماشا نمی کنم	۵۴	۱/۷۶۷	۰/۵۲۸	۰/۰۷۱۸
	تماشا می کنم	۲۳۹	۱/۷۷۳	۰/۵۴۱	۰/۰۳۵
انگیزش بیرونی	تماشا نمی کنم	۵۴	۲/۶۱۷	۰/۴۸۵	۰/۰۶۶
	تماشا می کنم	۲۳۹	۲/۶۴۶	۰/۵۰	۰/۰۳۲۳

همان طور که ملاحظه می گردد میانگین هر سه مقیاس انگیزش تحصیلی آزمودنی های گروهی که شبکه پویا را تماشا می کنند، اندکی بیش از گروهی است که این شبکه را تماشا نمی کنند. بر اساس جدول ۹، تفاوت میانگین های دو گروه، معنادار بوده و ناشی از تفاوت پیشرفت تحصیلی دو جامعه - دانش آموزان دبستانی که شبکه پویا را می بینند و آن هایی که نمی بینند - است، یا معنادار نبوده و تنها ناشی از نمونه گیری است و نمی توان این تفاوت را به جوامع مربوطه نسبت داد.

جدول ۹) نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه انگیزش تحصیلی دو گروه

نوع انگیزش		آزمون برابری واریانس ها		آزمون t مستقل				فاصله اطمینان ۹۵٪ برای اختلاف	
		-p مقدار	آماره f	میانگین اختلاف	مقدار p	درجه آزادی	آماره t	بازه بالا	بازه پایین
انگیزش کل	واریانس برابر	۰/۷۲۹	۰/۱۲۰	-۰/۰۰۷۹۴	۰/۹۰۳	۲۹۱	-۰/۱۲۲	۰/۱۱۹۷۱	-۰/۱۳۵۵۹
	واریانس نابرابر			-۰/۰۰۷۹۴	۰/۹۰۰	۸۱/۲۱	-۰/۱۲۶	۰/۱۱۷۶۵	-۰/۱۳۳۵۳

واریانس برابر	۰/۴۹۳	۰/۴۷۱	-۰/۰۰۶۱۲	۰/۹۴۰	۲۹۱	-۰/۰۷۵	۰/۱۵۳۶۴	-۰/۱۶۵۸۹
انگیزش درونی	واریانس نابرابر		-۰/۰۰۶۱۲	۰/۹۳۹	۸۰/۱۵	-۰/۰۷۷	۰/۱۵۲۹۰	-۰/۱۶۵۱۴
واریانس برابر	۰/۴۳۴	۰/۶۱۴	-۰/۰۲۸۹۸	۰/۶۹۹	۲۹۱	-۰/۳۸۷	۰/۱۱۸۳۹	-۰/۱۷۶۳۴
انگیزش بیرونی	واریانس نابرابر		-۰/۰۲۸۹۸	۰/۶۹۴	۸۰/۴۳	-۰/۳۹۴	۰/۱۱۷۲۵	-۰/۱۷۵۲۱

همان طور که ملاحظه می شود، p - مقدار آزمون t - به ترتیب برای مقیاس انگیزش کل، انگیزش درونی و انگیزش بیرونی برابر $۰/۹۰۳$ ، $۰/۹۴۰$ و $۰/۶۹۹$ - برای هر سه مقیاس انگیزش، بزرگتر از $۰/۰۵$ شده و در نتیجه، فرض یکسان بودن میانگین های نمرات انگیزش تحصیلی دو گروه، در سطح $۰/۰۵$ رد نشده است. به عبارت دیگر، بین انگیزه تحصیلی و نیز ابعاد انگیزش درونی و انگیزش بیرونی دانش آموزانی که برنامه های شبکه پویا را تماشا می کنند و آنهایی که تماشا نمی کنند تفاوت وجود ندارد و فرضیه دوم پژوهش، رد می شود.

نتایج پژوهش حاضر در این قسمت با نتایج پژوهش های غلامی و همکاران (۱۳۸۵)، سیف^۱، (۲۰۱۲)، ویگن و بیکر (۲۰۰۷)، کلر^۲ (۲۰۰۶)، شولتز^۳ (۱۹۹۹)، رمانین^۴ (۱۹۶۸) و استاین^۵ (۱۹۶۹)؛ که بیان کننده تأثیر مثبت و رابطه معنی دار استفاده از فناوری و رسانه در افزایش انگیزش تحصیلی دانش آموزان در مقاطع مختلف بود، مغایرت دارد.

فرضیه سوم پژوهش: بین پیشرفت و انگیزه تحصیلی دانش آموزانی که برنامه های شبکه پویا را تماشا می کنند و آنهایی که تماشا نمی کنند، به لحاظ جنسیت تفاوت وجود دارد. برای بررسی فرضیه سه، علاوه بر دو گروه مورد استفاده در فرضیات یک و دو، جنسیت نیز در نظر گرفته شد. بدین شکل که تمام آزمودنی ها به دو گروه دختر و پسر تقسیم شدند. سپس به طور مجزا برای دختران و پسران، متغیرهای پیشرفت و انگیزه

-
1. Seif
 2. Keller
 3. Shvltz
 4. Remanim
 5. Stain

تحصیلی دانش‌آموزانی که شبکه پویا را تماشا می‌کنند با آنهایی که تماشا نمی‌کنند، مقایسه شد. نتایج در جدول ۱۰ آمده است.

جدول ۱۰) خصوصیات آماری پیشرفت و انگیزش تحصیلی دختران دو گروه

مقیاس	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد
پیشرفت تحصیلی	تماشا نمی‌کنم	۲۲	۳/۵۵	۰/۸۰۰	۰/۱۷۱
	تماشا می‌کنم	۶۴	۳/۸۴	۰/۴۰۷	۰/۰۵۱
انگیزه تحصیلی	تماشا نمی‌کنم	۲۲	۲/۱۳۱	۰/۴۱۴	۰/۰۸۸۴
	تماشا می‌کنم	۶۴	۲/۱۴۹	۰/۴۴۰	۰/۰۵۵۰

با نگاهی به جدول ۱۰ ملاحظه می‌گردد که میانگین هر دو متغیر پیشرفت و انگیزش تحصیلی دخترانی که شبکه پویا را تماشا می‌کنند (به ترتیب ۳/۸۴ و ۲/۱۴۹)، اندکی بیش از دخترانی است که این شبکه را تماشا نمی‌کنند (به ترتیب ۳/۵۵ و ۲/۱۳۱). در واقع، نتایج آزمون t نشان می‌دهد که این تفاوت معنادار بوده و ناشی از نقش تماشای شبکه پویا است.

جدول ۱۱) آزمون t مستقل برای مقایسه پیشرفت و انگیزش تحصیلی دختران دو گروه

متغیر		آزمون برابری واریانس‌ها		آزمون t مستقل				فاصله اطمینان ۹۵٪ برای اختلاف	
		-p مقدار	آماره f	میانگین اختلاف	مقدار p	درجه آزادی	آماره t	بازه بالا	بازه پایین
پیشرفت تحصیلی	واریانس برابر	۰/۰۰۱	۲۱/۹۴۵	-۰/۲۹۸	۰/۰۲۶	۸۴	-۲/۲۶۳	-۰/۰۳۶	-۰/۵۶
	واریانس نابرابر			-۰/۲۹۸	۰/۱۰۶	۲۴/۸	-۱/۶۷۵	۰/۰۶۹	-۰/۶۶۵
انگیزه تحصیلی	واریانس برابر	۰/۸۶	۰/۰۳۱	-۰/۰۱۸	۰/۸۶۷	۸۴	-۰/۱۶۸	۰/۱۹۵۲۵	-۰/۲۳۱۲۴
	واریانس نابرابر			-۰/۰۱۸	۰/۸۶۴	۳۸/۵	-۰/۱۷۳	۰/۱۹۲۶۱	-۰/۲۲۸۶۱

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، p -مقدار آزمون t - به ترتیب برای متغیر پیشرفت

تحصیلی و انگیزش تحصیلی برابر $0/106$ و $0/867$ - برای هر دو متغیر، بزرگتر از $0/05$ شده و در نتیجه فرض یکسان بودن میانگین‌های نمرات پیشرفت و انگیزش تحصیلی دختران دو گروه، در سطح $0/05$ رد نشده است. به عبارت دیگر، بین پیشرفت و انگیزه تحصیلی دخترانی که برنامه‌های شبکه پویا را تماشا می‌کنند و آنهایی که تماشا نمی‌کنند تفاوت وجود ندارد و فرضیه سوم رد می‌شود.

جدول ۱۲) خصوصیات آماری پیشرفت و انگیزش تحصیلی پسران دو گروه

مقیاس	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	میانگین خطای استاندارد
پیشرفت تحصیلی	تماشا نمی‌کنم	۳۲	۳/۷۸	۰/۴۹۱	۰/۰۸۷
	تماشا می‌کنم	۱۷۵	۳/۷۱	۰/۴۸	۰/۰۳۶
انگیزه تحصیلی	تماشا نمی‌کنم	۳۲	۲/۲۳۸	۰/۴۱۷	۰/۰۷۳۶۷
	تماشا می‌کنم	۱۷۵	۲/۲۲۲	۰/۴۳	۰/۰۳۲۵۴

با نگاهی به جدول شماره ۱۲، ملاحظه می‌گردد که میانگین هر دو متغیر پیشرفت و انگیزش تحصیلی پسرانی که شبکه پویا را تماشا نمی‌کنند (به ترتیب $۳/۷۸$ و $۲/۲۳۸$)، اندکی بیش از پسرانی است که این شبکه را تماشا می‌کنند (به ترتیب $۳/۷۱$ و $۲/۲۲۲$). در واقع، آزمون t نشان می‌دهد که این تفاوت معنادار بوده و ناشی از نقش تماشای شبکه پویا است، یا معنادار نبوده و تنها ناشی از نمونه‌گیری است و نمی‌توان این تفاوت را به جوامع مربوطه تعمیم داد.

جدول ۱۳) نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه پیشرفت و انگیزش تحصیلی پسران دو گروه

متغیر		آزمون برابری واریانس‌ها		آزمون t مستقل				فاصله اطمینان ۹۵٪ برای اختلاف	
		-p مقدار	f آماره	میانگین اختلاف	p مقدار	درجه آزادی	t آماره	بازه بالا	بازه پایین
پیشرفت تحصیلی	واریانس برابر	۰/۱۸۲	۱/۷۹۳	۰/۰۷۳	۰/۴۳۴	۲۰۵	۰/۷۸۴	۰/۲۵۵	۰/۱۱۰
	واریانس نابرابر			۰/۰۷۳	۰/۴۴۴	۴۲/۵۷	۰/۷۷۳	۰/۲۶۲	۰/۱۱۷

۰/۱۴۶۴۸	۰/۱۷۸۲۸	۰/۱۹۳	۲۰۵	۰/۸۴۷	۰/۰۱۵۹	۰/۱۳۲	۰/۷۱۷	واریانس برابر	انگیزه تحصیلی
-۰/۱۴۶۴۱	۰/۱۷۸۲۱	۰/۱۹۷	۴۳/۹۸	۰/۸۴۴	۰/۰۱۵۹			واریانس نابرابر	

همان طور که ملاحظه می شود، p - مقدار آزمون t - به ترتیب برای متغیر پیشرفت تحصیلی و انگیزش تحصیلی برابر $۰/۴۳۴$ و $۰/۸۴۷$ - برای هر دو متغیر، بزرگتر از $۰/۰۵$ شده و در نتیجه، فرض یکسان بودن میانگین های نمرات پیشرفت و انگیزش تحصیلی پسران دو گروه، در سطح $۰/۰۵$ رد نشده است. به عبارت دیگر، بین پیشرفت و انگیزه تحصیلی پسرانی که برنامه های شبکه پویا را تماشا می کنند و آنهایی که تماشا نمی کنند تفاوت وجود ندارد و فرضیه سه نیز رد می شود که این نتایج با نتایج تحقیق رضانی (۱۳۹۰)؛ گاردنر^۱ (1993)، باتلر^۲ (1999)، اسلاوین^۳ (1991)، چیو^۴ (1997)، کوکلی (2007)، آرپی اتامانیل^۵ (2008)، همسو و با نتایج تحقیق کافی (۱۳۸۲)، مؤمن زاده (۱۳۸۲)، مفتاح (۱۳۸۱)، مختاری (۱۳۸۱)، احمدی (۱۳۷۸)، قدیمی مقدم (۱۳۸۶)، هاشمی پور^۶ (2006) و گلاهر^۷ (2007) که نشان از وجود تفاوت بین انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر داشت، مغایرت دارد. این تفاوت می تواند ناشی از شرایط خاص جامعه آماری پژوهش باشد.

-
1. Gardner
 2. Butler
 3. Slavin
 4. Chiu
 5. Areepattamnnil & Freeman
 6. Hashemipour
 7. Gallagher

بحث و نتیجه

در این پژوهش سه فرضیه شامل «بین پیشرفت تحصیلی دانش آموزانی که برنامه‌های شبکه پویا را تماشا می‌کنند و آنهایی که تماشا نمی‌کنند تفاوت وجود دارد.» «بین انگیزه تحصیلی دانش‌آموزانی که برنامه‌های شبکه پویا را تماشا می‌کنند و آنهایی که تماشا نمی‌کنند، تفاوت وجود دارد.» و «بین پیشرفت و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزانی که برنامه‌های شبکه پویا را تماشا می‌کنند و آنهایی که تماشا نمی‌کنند، به لحاظ جنسیت تفاوت وجود دارد» مورد بررسی قرار گرفت که میانگین پیشرفت تحصیلی آزمودنی‌های گروهی که شبکه پویا را تماشا می‌کنند بیش از گروهی است که این شبکه را تماشا نمی‌کنند. در واقع آزمون t نشان می‌دهد بر اساس فرضیه یک، فرض یکسان بودن میانگین نمرات پیشرفت تحصیلی دو گروه، در سطح $0/05$ رد نشده است؛ به عبارت دیگر، بین پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانی که برنامه‌های شبکه پویا را تماشا می‌کنند و آنهایی که تماشا نمی‌کنند، تفاوت معناداری وجود ندارد و فرضیه یک رد می‌شود.

در فرضیه دوم نیز جهت تعیین میزان انگیزه تحصیلی آزمودنی‌ها از فرم اصلاح شده مقیاس انگیزش تحصیلی هارتر، استفاده شد. بر اساس آزمون t تفاوت میانگین‌های دو گروه، معنادار بوده و ناشی از تفاوت پیشرفت تحصیلی دو جامعه (دانش‌آموزان دبستانی که شبکه پویا را می‌بینند و آنهایی که نمی‌بینند) است یا معنادار نبوده و تنها ناشی از نمونه‌گیری است و نمی‌توان این تفاوت را به جوامع مربوطه نسبت داد. بین انگیزه تحصیلی (و نیز ابعاد انگیزش درونی و انگیزش بیرونی) دانش‌آموزانی که برنامه‌های شبکه پویا را تماشا می‌کنند و آنهایی که تماشا نمی‌کنند تفاوت وجود ندارد و فرضیه دوم پژوهش، رد می‌شود که بیان‌کننده تأثیر مثبت و رابطه معنی‌دار استفاده از تکنولوژی و رسانه در افزایش انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان در مقاطع مختلف بود، مغایرت دارد..

برای بررسی فرضیه سه، علاوه بر دو گروه مورد استفاده در فرضیات یک و دو، جنسیت نیز در نظر گرفته شد. بدین شکل که تمام آزمودنی‌ها به دو گروه دختر و پسر تقسیم شدند میانگین هر دو متغیر پیشرفت و انگیزش تحصیلی دخترانی که شبکه پویا

را تماشا می کنند اندکی بیش از دخترانی است که این شبکه را تماشا نمی کنند. در واقع نتایج آزمون t نشان می دهد که این تفاوت معنادار بوده و ناشی از نقش تماشای شبکه پویا است. بین پیشرفت و انگیزه تحصیلی دخترانی که برنامه های شبکه پویا را تماشا می کنند و آنهایی که تماشا نمی کنند تفاوت وجود ندارد و فرضیه سوم رد می شود. این تفاوت می تواند ناشی از شرایط خاص جامعه آماری پژوهش باشد.

پیشنهادهای

بر اساس فرضیه اول پژوهش پیشنهاد می شود:

۱. با برگزاری همایش ها، سمینارهای ملی و منطقه ای و انجام تحقیقات بیشتر، شرایط لازم را برای استفاده بهینه از تلویزیون به ویژه شبکه پویا که مورد اقبال دانش آموزان مقاطع ابتدایی است در تناسب با ماهیت دروس و سطوح تحصیلی و موقعیت های محلی و منطقه ای فراهم شود.

۲. پیشنهاد می شود تا مدیران دست اندرکار شبکه تلویزیونی پویا تولید برنامه های آموزشی خود را بیشتر و پربارتر سازند.

۳. مدیران و معلمان مدارس از برنامه های مناسب آموزشی شبکه پویا در مدارس در حین تدریس و فعالیت های آموزشی استفاده کنند.

۴. با توجه به علاقه کودکان و والدین برنامه هایی آموزشی ساخته شود که مشوق مشارکت بیشتر والدین و فرزندان در امر آموزش و یادگیری باشد.

بر اساس فرضیه دوم پیشنهاد می شود:

۵. انیمیشن هایی بومی و منطقه ای که مناسب با فرهنگ بومی و منطقه ای هر نقطه درباره بزرگان، فرهیختگان و اندیشمندان کشور، ساخته شود تا در امر آموزش و یادگیری و نیز انگیزش بیشتر دانش آموزان مفید و موثر باشد.

۶. فرهنگ سازی مناسب از طریق آموزش، تعامل رو در رو و جلسات جهت افزایش آگاهی معلمان، مسوولان و اولیای امر، برای بهره گیری از ابزارهای جدید و نو و ارتقای سطح کیفیت آموزشی و اطمینان دادن به آنان مبنی بر اینکه به کارگیری چندرسانه ای

تعاملی و تلویزیون و بویژه شبکه پویا، باعث افزایش سرعت و دقت یادگیری دانش‌آموزان در برخی از دروس می‌شود.

۷. پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاری لازم برای تولید و توسعه نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای تعاملی استاندارد با کیفیت مناسب و نیز تولید محتواهای مناسب در شبکه تلویزیونی پویا، بر اساس اصول روانشناسی یادگیری برای گروه‌های سنی و پایه‌های مختلف متناسب با موضوعات درسی جلب و جذب شود.

بر اساس فرضیه سوم نیز پیشنهاد می‌شود:

۸. با توجه به اینکه در این تحقیق مشخص شد که اکثر کودکان زمانی بین ۱ تا ۳ ساعت از شبانه روز رو به تماشای برنامه‌های شبکه تلویزیونی پویا اختصاص می‌دهند، توصیه می‌شود محتوای این برنامه‌ها در بخشی از زمان عصر به پخش برنامه‌های انیمیشنی خاص آموزشی هر پایه بر اساس جنسیت کودکان، زمینه یادگیری غیرمستقیم دانش‌آموزان را در حین گذراندن اوقات فراغت مهیا کند.

۹. با توجه به تاثیر روز افزون رسانه‌ها و دیجیتالی شدن دنیای امروزه پیشنهاد می‌شود که مدیران و دست‌اندرکاران شبکه تلویزیونی پویا برنامه‌های تولیدی به روزی را بر روی آنتن ببرند.

منابع

۱. حیدری، غلامحسین، و دیگران (۱۳۸۹). "مقایسه تأثیر تدریس زبان انگلیسی با نرم افزارهای آموزشی و شیوه سنتی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان". *فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، سال اول، ش ۱ (پاییز): ۲۳-۳۸.
۲. رشید، خسرو (۱۳۹۱). "انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه در رابطه با عوامل محیطی". *فناوری آموزش*، سال هفتم، ش ۲ (زمستان): ۹۹-۱۰۸.
۳. رستمی، علی (۱۳۶۴). "رابطه تماشای تلویزیون و میزان موفقیت دانش‌آموزان دوره متوسطه". *طرح پژوهشی تخصصی مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای*. صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای. [خاتمه نیافته].

۴. رمضان، سونیا (۱۳۹۰). "تاثیر آموزش چندرسانه‌ای و سخنرانی بر انگیزش پیشرفت تحصیلی و خودتنظیمی دانش‌آموزان از راه دور". *فناوری آموزش*، سال ششم، ش ۱ (بهار): ۴۵-۵۷.
۵. سلیمی، داوود (۱۳۸۸). "نقش رسانه‌ها و وسایل کمک آموزشی در فرآیند یاددهی-یادگیری". پایان‌نامه کارشناسی ارشد ارتباطات، دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه تهران.
۶. سیف، علی اکبر (۱۳۸۷). *روانشناسی پرورشی نوین، روانشناسی یادگیری و آموزش و پرورش*. تهران: نشر روان.
۷. سیدمحمدی، یحیی (۱۳۸۷). *روانشناسی یادگیری*. تهران: نشر روان.
۸. شیخ، سعادت (۱۳۸۴). چگونگی پرداختن به فعالیت‌های فراغت بین نوجوانان در جامعه شهری گروه ۱. تهران: نهاد ریاست جمهوری، شورای عالی جوانان.
۹. شبیری، سیده فاطمه؛ عطاران، محمد (۱۳۸۶). "بهره‌گیری از نرم‌افزار کمک آموزشی فیزیک سوم دبیرستان و بررسی تأثیر آن در پیشرفت تحصیلی و تعامل دانش‌آموزان در کلاس". *تعلیم و تربیت*، سال بیست و سوم، ش ۹۸ (بهار): ۶۹-۸۴.
۱۰. شهرآرای، مهرناز (۱۳۷۳). "بررسی تأثیر تلویزیون بر مهارت‌های تحصیلی کودکان و نوجوانان". *تعلیم و تربیت*، سال دهم، ش ۲ (تابستان): ۳۳-۴۱.
۱۱. غلامی، یونس، و دیگران (۱۳۸۵). "رابطه انگیزش پیشرفت و خودپنداشت با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه هشتم در درس علوم بر اساس تحلیل نتایج تیمز - آر". *روانشناسان ایرانی*. سال دوم، ش ۷ (بهار): ۲۰۷-۲۱۸.
۱۲. کازنو، ژان (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی وسایل ارتباطی جمعی*. ترجمه باقر ساروخانی و منوچهر محسنی. تهران: سروش.
۱۳. کافی، طاهره (۱۳۸۲). "بررسی رابطه پیشرفت تحصیلی با انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان دختر". پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان.
۱۴. کراچی، سعید (۱۳۷۷). "بررسی رابطه پیشرفت تحصیلی با انگیزش پیشرفت و منبع کنترل در دختران و پسران سال اول دبیرستان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد

- علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
۱۵. مختاری، احمد (۱۳۸۱). "بررسی رابطه بین انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با ویژگی‌های اجتماعی و آموزشی آنان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دبستانی و پیش دبستانی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان.
۱۶. مفتاح، سیمین (۱۳۸۱). "رابطه کمرویی و اعتماد به نفس با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره راهنمایی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۷. مؤمن‌زاده، امین (۱۳۸۲). "بررسی مقایسه‌ای پیشرفت تحصیلی و عزت نفس دانش آموزان دبیرستان‌های شبانه‌روزی و روزانه". پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان خراسان.
۱۸. مهاجری، اصغر (۱۳۷۴). "بررسی اثرات تلویزیون بر روی کودکان و نوجوانان شهرستان ابهر". طرح پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان [خاتمه یافته].

19. Abdul, H. (2005). "A survey of the Application of multimedia in the process of teaching and in kuittho, Malasia". Sep. Vol. 2, No. 9 (sers No,10). Retrieved spring from: [http:// www. Sciencedirect.com](http://www.Sciencedirect.com) [2009/03/15].
20. Angle, B. D. (1998). "The relationship between children's televiewing and the variables of reading attitude, reading achievement, book reading, and IQ in a sample of fifth grade children". Vol. 124. No. 1.
21. motivation in middle childhood and adolescence: The role ability developmental psychology, Vol. 35. No,1.
22. Beentjes, B. J. (1985). Television's impact on children's reading skills: A review of research. Reading Research Quarterly, 23:

- 389-413.
23. Bentham, S. (2002). *Psychology and Education*, Routledge, 99-101.
24. Butler, R.(1999). Information seeking and achievement achievement motivation in middle childhood and adolescence: The role ability developmental psychology. Vol. 35. No.1.
25. Chen, A.(2004).” Goals, Interest and Learning in Physical Education”, The Journal of Educational Research, Vol.97. No. 6: 99-101.
26. Chiu, H. (1997). “Development and validation of the school achievement ,otivation rating scal”. Journal of Education and Psychological and psychology measurement, Vol. 2. No. 57: 305-292.
27. Gardner,H.(1993). Multiple intelligences: The Theory in practice. New York: Basic Book.
28. Gallagher (2007). The emerging dental workforce: Why dentistry? A quantitative study of final yewr dental students views on professional career. BMC Oral Health, un15; 7.
29. Hashemipour (2006). Dental studens motivation for entering dentistry in Kerman SChool of dentistry. Iranian Journal of Medical Education, Vol. 1. No. 6: 109-115.
30. Harter (1981). A new self – report scal of intrinsic versus extrinsic orientation in classroom: Motivational and informational comonacnts, Developmental Psychology, Vol. 17. No. 3: 300-312.
31. Remanin, G. (1968). “Social approval and achievement striving

- in the kindergarten". Journal of research and development memorandum No. 35.
32. Shashar, H. & Fischer, Sh,(2004). Cooperative learning and the achievement of motivation and perceptions of students in 11th grade chemistry classes, Learning and instruction, Vol. 14. No. 1: 69-87.
 33. Shvltz, D., Personality Thedies, in: Karami Y (Ed). Tehran, Arasbaran, publications, 1999.
 34. Sitpec Debrom. S. Motivation for Learning , in: Hassan Zadeh R and Omomi N., (Eds). Donyae Pajvhesh press, Mashhad. 2001.
 35. Slavin, R. E. (1991). Educational psychology: Theory into practice. New York: John Hopkins University Press.
 36. Spalding, L. (1998). Motivation the Classroom, in: Yaghubi H., Khosh ktolgh. A., (Eds). Tabriz Teacher Traning University, 99-100.
 37. Stein, A. H. (1969). The influence of social reinforcement on the achievement of forth grade boys and girls. Journal of child development. Vol. 38. No. 3.
 38. Sitpec Debrom S., Motivation for Learning , in: Hassan Zadeh R and Omomi N., (Eds.), Donyaye Pajvhesh press, Mashhad, 2001.
 39. Lepper, M.R., J.H. "Corpus & Iyenger Sh.S. (2005). Intrinsic Anidextrinsic Motivational Orientations in the Classroom: Age Differences and Academic Correlate". Journal of Educational Psychology. Vol. 97. No. 2: 84-196.

40. Levine, D. U., and Levine R.F. (1996). Society and Education (9th ed.). Boston, MA: Allyn and Bacon, 121-124.

بررسی پیامدهای اجتماعی خشکسالی بر نواحی روستایی

مطالعه موردی: بخش شوسف شهرستان نهبندان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۴

محمود فال سلیمان^۱

جواد میکانیکی^۲

حسین سنجری^۳

چکیده

کشور ما به دلیل قرارگیری در کمربند خشک عرض‌های جغرافیایی نیمکره شمالی به‌طور پیوسته از خشکسالی، خشکی و کم‌آبی رنج می‌برد. هر چند حدود دو سوم از پهنه جغرافیایی کشور در عرصه مناطق خشک واقع شده، ولی در دو دهه اخیر گسترش خشکسالی و کم‌آبی تمام کشور را تحت تأثیر قرار داده است. به‌طوری که این مسأله از دغدغه‌های مهم سیاستگذاران و برنامه‌ریزان گردیده که آثار مقابله با آن به‌وضوح در فصول مختلف برنامه‌های توسعه کشور در دو دهه اخیر مشهود است. تهیه و تنظیم روش‌های مقابله با خشکسالی و کم‌آبی و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی و اجتماعی آن نیازمند شناخت اثرات خشکسالی‌ها در پهنه‌های متفاوت جغرافیایی است. این تحقیق محدوده‌ای از بستر جغرافیایی شرق کشور در استان خراسان جنوبی را به عنوان منطقه مورد مطالعه اثرسنجی آثار اجتماعی خشکسالی بر فضاها و روستایی را مورد بررسی قرار داده است. تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی، از لحاظ روش و ماهیت توصیفی-تحلیلی و از لحاظ جمع‌آوری داده‌ها اسنادی-پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق را ۱۵۳ روستای بخش شوسف شهرستان نهبندان تشکیل می‌دهند که از این میان ۳۸ روستا به‌عنوان جامعه نمونه انتخاب، و کار پرسشگری از ۲۶۲ منتخب در

۱. استادیار گروه جغرافیا دانشگاه بیرجند

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤول

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤول

۱. استادیار گروه جغرافیا دانشگاه بیرجند

۲. دانشیار گروه جغرافیا دانشگاه بیرجند

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه بیرجند، نویسنده مسؤول

این روستاها صورت گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های مورد لزوم از نرم افزارهای آماری SPSS و EXCEL و جهت پردازش داده‌ها از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد خشکسالی در بعد اجتماعی موجب افزایش مهاجرت، افزایش فعالیت‌های غیرقانونی، فقر و وابستگی بیشتر روستاییان به سازمان‌های حمایتی شده است. از این رو، برای مقابله با پیامدهای خشکسالی باید روش‌هایی همسو با شرایط منطقه‌ای از ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی اتخاذ نمود.

واژگان کلیدی: خشکسالی، پیامدهای اجتماعی، نواحی روستایی، توسعه روستایی،

شوسف

مقدمه

زندگی بشر در طول تاریخ و در سرتاسر جهان همواره در معرض انواع بلایای طبیعی از قبیل زلزله، آتشفشان، سونامی، توفان، سیل، خشکسالی و غیره قرار داشته است. شماری از این حوادث مانند زلزله و آتشفشان، ناشی از فعل و انفعالات زمین می‌باشند و پاره‌ای دیگر مانند توفان و خشکسالی، که با فراوانی و گستردگی نسبتاً بیشتری به وقوع می‌پیوندند، معلول تحولات اقلیمی هستند (اوزی، ۱۳۹۰: ۱). از میان مجموعه حوادث طبیعی به جرأت می‌توان گفت که فراوانی، گستردگی و آثار مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی خشکسالی در سطح جهان به مراتب زیان‌بارتر از سایر حوادث طبیعی بوده است.

کشور ایران با قرار گرفتن در منطقه‌ی خشک و بیابانی جهان با بارشی حدود یک سوم بارش جهانی و نوسان‌های شدید مکانی و زمانی بارش، از دسته کشورهای است که خسارات هنگفتی را از این تهدید طبیعی در گستره‌های مختلف، بویژه طی دهه‌های اخیر دریافت کرده است. با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران و قرار داشتن آن در کمربند خشک آب و هوایی و کمبود نزولات جوی، بایستی اذعان داشت که بروز بحران‌های آبی و خشکسالی از مشخصه‌های اصلی آب و هوایی ایران به‌شمار می‌آید. اگر چه وقوع چنین بحران‌هایی اغلب مسئله‌ی کشور شمول نیست؛ اما به‌طور کلی، هیچ

منطقه‌ای در کشور از این پدیده در امان نبوده است و برحسب موقعیت طبیعی خود، تأثیرات این پدیده مخرب را تجربه می‌کند (غیور و مسعودیان، ۱۳۷۶: ۲۸).

استان خراسان جنوبی با متوسط بارندگی ۱۷۰ میلی‌متر در سال نیز از این امر مستثنی نبوده و با در نظر گرفتن کاهش میزان بارندگی طی دوره اخیر، در رده استان‌هایی قرار گرفته است که با خشکسالی‌های شدید روبرو بوده‌اند. هر چند به این نکته نیز باید اشاره کرد که با توجه به تفاوت‌های اقلیمی در نواحی مختلف استان، خشکسالی و در نتیجه تأثیرات آن در مناطق مختلف یکسان نبوده است. به نحوی که در برخی مناطق، شدت تأثیرگذاری خشکسالی زیاد و در برخی نواحی نیز خشکسالی و پیامدهای آن کم‌رنگ‌تر بوده است. شدت تأثیرات خشکسالی در برخی نواحی روستایی استان به حدی بوده که منجر به خشکیدن قنوات و منابع آبی و از بین رفتن فعالیت‌های کشاورزی شده، این امر منجر به بیکاری و مهاجرت شدید روستاییان و در نتیجه خالی از سکنه شدن شماری از روستاها گردیده است. شهرستان نهبندان یکی از مناطق درگیر خشکسالی در این استان به‌شمار می‌رود که طی سال‌های اخیر خسارت‌های زیادی را از این سانحه طبیعی متحمل شده است. نکته حائز اهمیت این است که علی‌رغم خشک بودن منطقه، در طی دهه‌های اخیر خشکسالی با چنین شدت و تداومی وجود نداشته است. بروز خشکسالی‌های مکرر در طول سال‌های اخیر فشارهای سنگینی را بر منطقه مورد مطالعه که نحوه معاش آن‌ها متکی بر بخش‌های کشاورزی و به خصوص دامداری است وارد ساخته است. در واقع، مردمی که در مناطق بیابانی و خشک زندگی می‌کنند در حالت عادی با تنگناهای متعددی روبرو هستند و زمانی که با پدیده‌های زیان‌باری مانند خشکسالی روبرو می‌شوند علاوه بر مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی بنیان‌های اقتصادی خود را از دست می‌دهند. بر این اساس باید راهکارهایی را مورد توجه قرار داد که ضمن کاهش آسیب‌های وارده بر منابع طبیعی از مهاجرت روستاییان به شهرها و سایر مراکز جمعیتی جلوگیری نمود. این تحقیق نیز در همین راستا و برای بررسی آثار و پیامدهای خشکسالی در روستاهای بخش شوسف شهرستان نهبندان به اجرا درآمده است.

مبانی نظری

خشکسالی پدیده‌ای طبیعی است که در عرصه‌های مختلف، پیامدهای گسترده‌ای را به دنبال دارد. بدون شک، خشکسالی برای بیشتر مردم دربرگیرنده یک تصور ذهنی از سرزمین‌های بایر، نابودی محصولات کشاورزی و تلاش موجودات زنده برای ادامه زندگی است. بنابراین در خشکسالی باید انتظار وقوع نابهنجاری‌های وخیمی را داشت (بدایع جمال، و دیگران، ۱۳۸۴: ۶). این حادثه جوامع انسانی، گیاهی و به‌طور کلی بوم‌شناسی محیط را دچار تغییرات شگرف می‌کند که این به دلیل متغیرهای مختلفی است که چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم در وقوع خشکسالی دخالت دارند. تعریف واژه خشکسالی مشکل است و به همین جهت تعریف جامع و قابل قبولی برای همه محققین هنوز عنوان نشده است. در این میان فقدان ارزش معنایی مطلق در مورد واژه خشکسالی نیز موجب عدم ارائه تعریف جامع و در نتیجه تنوع تعاریف آن گردیده است. بدین لحاظ کاربران و محققین رشته‌های گوناگون از دیدگاه‌های خود به این پدیده نگریسته‌اند (فرج زاده، ۱۳۸۴: ۷). رایج‌ترین تعریف در مورد این پدیده، کاهش غیر منتظره در میزان بارندگی سال زراعی جاری در مدت معینی، در مقایسه با میانگین بارندگی‌های ده ساله منطقه یا پراکنش نامناسب بارندگی در طول فصل رشد گیاه است (کردوانی، ۱۳۸۰: ۵). به‌طور کلی خشکسالی را می‌توان به چهار نوع تقسیم کرد. خشکسالی اقلیمی (هواشناسی)، خشکسالی آب‌شناسی، خشکسالی کشاورزی و خشکسالی اقتصادی - اجتماعی. از دیدگاه اقلیم‌شناسی هرگاه بارش دریافتی یک محل در یک دوره زمانی معین، کمتر از میانگین بارش محل در همان دوره زمانی باشد، با خشکسالی روبرو هستیم. بنابراین، آستانه بروز خشکسالی کمیتی جغرافیایی است که مقدار آن نسبت به محل دیگر متفاوت است و به دوره زمانی انتخابی نیز بستگی دارد (غیور و مسعودیان، ۱۳۷۶: ۲۶). خشکسالی اقلیمی زمانی رخ می‌دهد که میزان بارندگی سالیانه کمتر از میانگین درازمدت در یک منطقه خاص باشد. این نوع خشکسالی به صورت موردی برای هر منطقه خاص در نظر گرفته می‌شود، چرا که شرایط جوی که موجب کمبود بارش می‌گردد، از منطقه‌ای به منطقه دیگر شدیداً تغییر می‌یابد. اگر رطوبت قابل دسترس

خاک برای محصولات کشاورزی به حدی برسد که موجب پژمردگی گیاه و تأثیرات زیان بار بر روی تولیدات کشاورزی گردد، خشکسالی کشاورزی به وقوع پیوسته است. خشکسالی هیدرولوژیکی معمولاً با تأخیر بیشتری نسبت به خشکسالی‌های اقلیمی و کشاورزی به وقوع می‌پیوندد. از مشخصه‌های این خشکسالی کاهش سریع جریان‌های سطحی و افت سطح مخازن آب زیر زمینی، دریاچه‌ها و رودخانه‌هاست. البته فراوانی و شدت خشکسالی آب‌شناسی غالباً در مقیاس حوزه آبخیز یا رودخانه تعریف می‌شود. به همین منوال، خشکسالی اقتصادی - اجتماعی نیز زمانی روی می‌دهد که کمبود منابع آب بر روی زندگی افراد (به صورت انفرادی یا جمعی) تأثیرگذار باشد (صبحانی نسب، ۱۳۸۸: ۷۹۶). به هر حال، تأثیرات خشکسالی ابعاد گوناگون و متعددی دارد که معمولاً به تدریج و پس از گذشت زمان نسبتاً طولانی پس از وقوع قابل مشاهده‌اند. در این خصوص تقسیم‌بندی‌های متفاوتی صورت گرفته است؛ برخی تأثیرات خشکسالی را به تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم و یا تأثیرات اولیه و ثانویه تقسیم‌بندی می‌کنند (کردوانی، ۱۳۸۰: ۶۹). تأثیرات مستقیم خشکسالی اغلب مربوط به مشخصه‌های اقلیمی و آب و هوایی و بوم‌شناسی‌اند، در حالی که تأثیرات غیرمستقیم خشکسالی که وسیع‌تر و نامحسوس‌تر هستند، مربوط به آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی آن می‌شوند که به علت ماهیت و ویژگی‌های آن به سختی می‌توان کمیت آنها را تشخیص داد (8) (Walker & Thers, 1996). از نگاهی دیگر تأثیرات خشکسالی به سه دسته تأثیرات زیست‌محیطی (مانند کاهش آبدهی منابع آب سطحی و زیرزمینی، فرسایش خاک، شوری و کاهش کیفیت آب، کاهش تنوع پوشش گیاهی و ...)، تأثیرات اقتصادی (مانند افزایش قیمت محصولات کشاورزی و دامی، کاهش تولید مواد غذایی، افزایش نرخ بیکاری و ...)، و تأثیرات اجتماعی (مانند افزایش مهاجرت، کاهش سطح بهداشت و بروز مشکلات سوء تغذیه، افزایش درگیری بین کاربران منابع آب و غیره) تقسیم شده است (کشاورز، کرمی، ۱۳۸۷: ۲۶۹). این تأثیرات تأملات بسیار پیچیده‌ای دارند و افزون بر این که محصول پدیده خشکسالی‌اند، تابعی از وسعت، زمان وقوع، توابع خشکسالی، و میزان آسیب‌پذیر بودن جوامع در شرایط فقدان بارندگی نیز به‌شمار می‌روند (چکشی،

۱۳۷۹: ۲۸). به هر حال، مهم این است که خشکسالی را نباید صرفاً پدیده‌ای فیزیکی و یا واقعه‌ای طبیعی در نظر گرفت، بلکه تأثیر آن بر جامعه از طریق تعامل بین پدیده‌های زیست محیطی و اجتماعی - اقتصادی مرتبط با نیازهای مردم بر منابع آب منتج گردد (Knutson et al, 1998: 1554).

پیشینه تحقیق

والکر زترز^۱ (۱۹۹۶) در تحقیقی با عنوان "بررسی پیامدهای اقتصادی زیست محیطی و اجتماعی خشکسالی" نشان داد مهم ترین پیامدهای خشکسالی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی شامل کاهش درآمد کشاورزان و شاغلان بخش کشاورزی، افزایش قیمت نهاده‌ها، افزایش نرخ بیکاری و مهاجرت، کاهش قیمت زمین های کشاورزی، افزایش قیمت غذا، کاهش تنوع و ضعیف شدن پوشش گیاهی، کاهش کیفیت خاک، خسارت به ذخایر ژنتیکی و کوتاه شدن طول دوره رویش گیاه است.

نساجی زواره (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان "بررسی اثرات اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی خشکسالی" نشان داد که مهم ترین پیامدهای خشکسالی در ابعاد اقتصادی و زیست محیطی شامل کاهش درآمد کشاورزان و شاغلان بخش کشاورزی، افزایش قیمت نهاده‌ها، افزایش نرخ بیکاری و مهاجرت، کاهش قیمت زمین های کشاورزی، افزایش قیمت غذا، کاهش تنوع و ضعیف شدن پوشش گیاهی، کاهش کیفیت خاک، خسارت به ذخایر ژنتیکی گیاهی و کوتاه شدن طول دوره رویش گیاهی است.

صالح و مختاری (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان "اثرات و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی خشکسالی بر خانوارهای روستایی در منطقه سیستان" اعلام داشته‌اند که تأثیر خشکسالی بر خروج دایمی نیروی کار از بخش کشاورزی بسیار اندک بوده است. از سوی دیگر، درآمد اغلب خانوارها از بخش کشاورزی کاهش قابل توجهی یافته و میزان سرمایه گذاری در این بخش نیز تنزل یافته است. همچنین نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که روند کاهش تعداد دام خانوارها در دوره خشکسالی اخیر، در سال های پس

از خشکسالی نیز بهبود نیافته است.

رضایی (۱۳۹۲) در پایان نامه خود با عنوان "تحلیلی بر خشکسالی و اثرات آن بر اقتصاد کشاورزی و مهاجرت های روستایی شهرستان ابرکوه" نشان داد اولین تأثیر خشکسالی، کاهش سطح عملکرد محصولات کشاورزی در این منطقه بوده است و با توجه به پایین بودن سطح درآمد و کاهش سوددهی فعالیت های کشاورزی در اثر خشکسالی، برای مدیریت و کاهش پیامدهای منفی اقتصادی حاصل از وقوع این پدیده، مواردی همچون اعطای وام های بلاعوض، توجه و حمایت همه جانبه از اشتغال، احداث صندوق های اعتباری محلی و بیمه محصولات کشاورزی را پیشنهاد می دهد.

شمسی (۱۳۸۹) در پایان نامه خود به بررسی پیامدهای اقتصادی و اجتماعی خشکسالی پرداخته، نتایج تحقیق و ابعاد و زوایای پنهان و پیدای متفاوتی از جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد که نمی توان به راحتی آثار و نتایج آن را با بررسی های ظاهری مورد توجه و تحت نظر قرار داد. کاهش درآمد تقلیل سطح زیر کشت و افت بازده محصولات بخشی از این پیامدهاست، اما تأثیرات انسانی و غیرظاهری بر این پدیده ها بسیار زیاد است. از جمله می توان به کاهش اعتماد به نفس، بی علاقه گی به کسب و کار کشاورزی، انتقال سرمایه های مادی و معنوی به سایر نقاط و حذف موانع مختلف در مقابل شن های روان در منطقه مورد مطالعه ذکر کرد. بر اساس این نتیجه، بیشترین خسارات به بخش کشاورزی وارد شده است.

کارگر (۱۳۹۱) در تحقیقی پیامدهای اقتصادی - اجتماعی خشکسالی در روستاهای بخش مرکزی شهرستان بیرجند را مورد مطالعه قرار داده است. بر اساس نتایج این تحقیق، خشکسالی تأثیر زیادی بر میزان مهاجرت نداشته و مهاجرت بیشتر به دلیل ازدواج و شغل بوده است. و خشکسالی بیشترین تأثیر را در کاهش محصولات باغی و کاهش دبی آب قنوات داشته است.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی، از نظر ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی، و به لحاظ جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها، ترکیبی (اسنادی و پیمایشی) می‌باشد. در روش اسنادی به بررسی و مطالعه کتب، مجلات، پایان‌نامه‌ها و اطلاعات اخذ شده از ادارات و در روش پیمایشی نیز به کمک مشاهده‌ی محدوده‌ی مورد مطالعه و تکمیل پرسشنامه از سوی سرپرستان خانوارها، داده‌های مورد نیاز گردآوری شده است.

جامعه آماری تحقیق را سرپرستان خانوارهای روستایی ساکن در بخش شوسف شهرستان نهبندان تشکیل می‌دهند که با توجه به سرشماری سال ۱۳۹۰، این بخش دارای ۳۳۹۶ خانوار و ۱۱۲۲۴ نفر جمعیت بوده است. با توجه به این که به علت محدودیت‌های موجود تمامی خانوارهای جامعه آماری را نمی‌توان مورد مطالعه قرار داد لذا به منظور حل این مسأله، نمونه‌ای از جامعه که معرف آن باشد انتخاب گردیده است. از این‌رو در تحقیق حاضر، با استفاده از فرمول کوکران و روش نمونه‌گیری احتمالی (چند مرحله‌ای) استفاده شده است.

برای تعیین حجم نمونه، ۲۵ درصد از روستاها (۳۸ روستا) انتخاب شدند. با مشخص شدن حجم نمونه اقدام به انتخاب نمونه از جامعه آماری شد. از آنجا که جامعه مورد بررسی از حیث خصوصیات جمعیتی، تعداد خانوار و فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی همگون نبود با توجه به اطلاعات موجود، روستاهای نمونه بر اساس تعداد خانوار در چهار گروه قرار داده شدند. روستاهای انتخاب شده در سرشماری ۱۳۹۰ دارای ۸۱۹ خانوار بودند که بر اساس فرمول کوکران، تعداد ۲۶۲ خانوار به عنوان نمونه محاسبه شد.

کمتر از ۲۰ خانوار

۲۱ تا ۵۰ خانوار

۵۱ تا ۱۰۰ خانوار

بالاتر از ۱۰۰ خانوار

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N}(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1)}$$

$$n = \frac{\frac{(1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{(0.05)^2}}{1 + \frac{1}{819}(\frac{(1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{(0.05)^2} - 1)} \cong 262$$

یافته‌های تحقیق

مشخصات فردی سرپرستان خانوار در نمونه مورد بررسی

میانگین سنی سرپرستان خانوار به ترتیب ۵۳/۶ سال می‌باشد. توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه در جدول ۱ بیان شده است.

جدول ۱) ساختار سنی سرپرستان خانوار در نمونه مورد بررسی

سن	فراوانی	درصد
۱۵ تا ۳۰ سال	۲۴	۹/۲
۳۰ تا ۴۵ سال	۶۴	۲۴/۲
۴۵ تا ۶۰ سال	۹۳	۳۵/۵
۶۰ تا ۷۵ سال	۶۰	۲۲/۹
۷۵ تا ۹۰ سال	۲۱	۸
جمع	۲۶۲	۱۰۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

در مورد جنسیت سرپرست خانوارهای روستایی، نتایج حاصل از پژوهش نشان دهنده این است که از بین ۲۶۲ نفر ۸۳/۲ درصد مرد و ۱۶/۸ درصد زن می‌باشند.

جدول ۲) ساختار جنسی سرپرستان خانوارهای روستایی

جنس	فراوانی	درصد
مرد	۲۱۸	۸۳/۲
زن	۴۴	۱۶/۸
جمع	۲۶۲	۱۰۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

از دیگر مشخصه‌های فردی نمونه مورد مطالعه می‌توان به وضعیت سواد آنان اشاره داشت. میزان تحصیلات سرپرستان خانوارهای مورد بررسی در جدول ۳ بیان شده است. با توجه به نتایج جدول مشاهده می‌شود که تعداد ۱۱۵ نفر (۴۳/۹ درصد) از آنان بی‌سواد و ۱۴۷ نفر (۵۶/۱) باسواد بوده‌اند.

جدول ۳) میزان تحصیلات سرپرستان خانوارهای روستایی

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد
بی‌سواد	۱۱۵	۴۳/۹
ابتدایی	۹۱	۳۴/۷
سیکل	۱۶	۶/۴
دیپلم	۳۱	۱۱/۸
بالتر از دیپلم	۹	۳/۴
جمع	۲۶۲	۱۰۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

شغل اصلی سرپرستان خانوار قبل از خشکسالی و در حال حاضر در جدول ۴ بیان شده است. با توجه به این جدول مشاهده می‌شود که از بین ۲۶۲ سرپرست خانوار، شغل اصلی ۵۰/۸ درصد آنها دامداری می‌باشد که بیانگر رایج بودن دامداری در منطقه مورد مطالعه می‌باشد. همچنین ۲۱/۴ درصد شغل اصلی سرپرستان خانوار، فعالیت در دیگر بخش‌ها (کارگر، خدمات و غیره) می‌باشد. به علت کمبود آب جهت زراعت و باغداری و وجود عرصه‌های وسیع مرتعی، گرایش بسیاری از روستاییان در منطقه از قدیم الایام به سمت فعالیت‌های دامداری بوده است. بر اساس نتایج تحقیق در دوره قبل از خشکسالی، شغل اصلی ۲۶/۷ درصد از نمونه مورد بررسی زراعت کاری بوده است. این میزان اکنون به ۲۱/۲ درصد رسیده است. علت این امر را می‌توان به کاهش دبی آب قنوات مربوط دانست. شغل اصلی ۲۱/۴ درصد در دوره‌ی قبل از خشکسالی، فعالیت‌های غیر کشاورزی بوده است. این میزان در حال حاضر به ۲۷/۱ درصد رسیده است. اکثریت این افراد کارگران فصلی هستند.

جدول ۴) شغل اصلی سرپرستان خانوارهای روستایی قبل از خشکسالی و در حال حاضر

درصد	فراوانی	شغل اصلی در حال حاضر	درصد	فراوانی	شغل اصلی قبل از خشکسالی
۵۰/۸	۱۳۳	دامدار	۵۰/۸	۱۳۳	دامدار
۲۱/۲	۵۶	زراعت کار	۲۶/۷	۷۰	زراعت کار
۰/۸	۲	باغدار	۱/۱	۳	باغدار
۲۷/۱	۷۱	سایر	۲۱/۴	۵۶	سایر
۱۰۰	۲۶۲	جمع	۱۰۰	۲۶۲	جمع

ماخذ: یافته‌های تحقیق

پیامدهای خشکسالی بر وضعیت اجتماعی خانوارهای روستایی

توزیع فراوانی سرپرستان خانوارهای روستایی در مورد میزان تأثیر خشکسالی بر وضعیت اجتماعی آنان در جدول ۵ بیان شده است. با توجه به میانگین‌های رتبه‌ای بیان شده در این جدول، مشاهده می‌شود که خشکسالی بیشترین تأثیر را بر کاهش میزان تمایل جوانان خانوارهای روستایی برای ماندن در روستا با میانگین ۴/۵۳، افزایش وابستگی به سازمان‌های حمایتی با میانگین ۴/۴۲ و افزایش مهاجرت دائمی اعضای خانوارها با میانگین ۴/۴۱ داشته است. کاهش رضایت از شغل با میانگین ۴/۳۹، کاهش سطح رفاه خانوار با میانگین ۴/۳۶، افزایش ترک تحصیل نوجوانان و جوانان به علت مشکلات مالی با میانگین ۴/۲۰، کاهش روحیه همکاری و مشارکت جمعی مردم با میانگین ۴/۱۱، افزایش مهاجرت فصلی اعضای خانوار با میانگین ۳/۵۳ افت وضعیت بهداشتی خانوار با میانگین ۳/۵۱ و گرایش به مشاغل کاذب با میانگین ۳/۳۱ بوده است. با توجه به میانگین‌های بیان شده می‌توان نتیجه گرفت خشکسالی تأثیرات زیادی بر وضعیت اجتماعی خانوارهای روستایی داشته است.

جدول ۵) توزیع فراوانی نظر سرپرستان خانوارهای روستایی در مورد پیامدهای خشکسالی بر

وضعیت روستائیان

میانگین رتبه‌ای	جمع	بدون تأثیر	کم		زیاد	خیلی زیاد	موارد	
۴/۵۳	۲۶۲	۳	۵	۴	۸۸	۱۶۲	فراوانی	کاهش میزان تمایل جوانان خانوارها برای ماندن در روستاها
	۱۰۰	۱/۱	۱/۹	۱/۵	۳۳/۶	۶۱/۸	درصد	
۴/۴۲	۲۶۲	۹	۲	۲۰	۷۱	۱۶۰	فراوانی	افزایش وابستگی به سازمان‌های حمایتی
	۱۰۰	۳/۴	۰/۸	۷/۷	۲۷/۱	۶۱/۱	درصد	
۴/۴۱	۲۶۲	۱۱	۳	۱۷	۶۷	۱۶۴	فراوانی	افزایش مهاجرت دائمی اعضای خانوار
	۱۰۰	۴/۲	۱/۱	۶/۵	۲۵/۶	۶۲/۶	درصد	
۴/۳۹	۲۶۲	۳	۳	۲۰	۹۸	۱۳۸	فراوانی	کاهش رضایت از شغل
	۱۰۰	۱/۱	۱/۱	۷/۶	۳۷/۴	۵۲/۷	درصد	
۴/۳۶	۲۶۲	۵	۴	۳۰	۱۱۹	۱۰۵	فراوانی	کاهش سطح رفاه خانوار
	۱۰۰	۱/۵	۱/۵	۱۱/۵	۴۵/۴	۴۰/۱	درصد	
۴/۲۰	۲۶۲	۲۲	۱۶	۱۸	۷۷	۱۲۹	فراوانی	افزایش ترک تحصیل نوجوانان و جوانان به علت مشکلات مالی
	۱۰۰	۸/۴	۶/۱	۶/۹	۲۹/۴	۴۹/۲	درصد	
۴/۱۱	۲۶۲	۶	۶	۴۷	۹۵	۱۰۸	فراوانی	کاهش روحیه همکاری و مشارکت جمعی مردم
	۱۰۰	۲/۳	۲/۳	۱۷/۹	۳۴/۳	۴۱/۲	درصد	
۳/۷۳	۲۶۲	۲۸	۲۳	۳۰	۷۹	۱۰۲	فراوانی	افزایش اختلافات محلی در سطح روستاها به علت کمبود آب و مرتع
	۱۰۰	۱۰/۷	۸/۸	۱۱/۵	۳۰/۲	۳۸/۹	درصد	
۳/۵۳	۲۶۲	۳۴	۹	۴۸	۱۲۴	۴۷	فراوانی	افزایش مهاجرت فصلی اعضای خانوار
	۱۰۰	۱۲/۹	۳/۴	۱۸/۳	۴۷/۳	۱۷/۹	درصد	
۳/۵۱	۲۶۲	۳۵	۱۹	۴۰	۱۱۳	۵۵	فراوانی	افت وضعیت بهداشتی خانوار
	۱۰۰	۱۳/۴	۷/۳	۱۵/۳	۴۳/۱	۲۱	درصد	
۳/۳۱	۲۶۲	۷۴	۸	۱۶	۷۹	۸۵	فراوانی	گرایش به مشاغل کاذب
	۱۰۰	۲۸/۲	۳/۱	۶/۱	۳۰/۲	۳۲/۴	درصد	

ماخذ: یافته‌های تحقیق

آزمون فرضیه

فرضیه: خشکسالی‌های متوالی باعث تغییر وضعیت اجتماعی خانوارهای روستایی شده است.

$$H_0: \mu \leq 3$$

$$H_1: \mu > 3$$

جدول ۶) نتایج آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به بررسی تأثیر خشکسالی بر شرایط اجتماعی

خانوارهای روستایی

متغیر	میانگین	درجه آزادی	مقدار آماره آزمون	P-value
تأثیر خشکسالی بر وضعیت اجتماعی	۴/۰۵	۲۶۱	۲۶/۶۸	۰/۰۰۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

مقدار p-value به دست آمده از آزمون کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین رابطه معنادار است و با توجه به میانگین‌های به دست آمده از نمونه، که ۴/۰۵ می‌باشد. می‌توان نتیجه گرفت که از نظر افراد مورد بررسی، میزان تأثیر خشکسالی بر تغییر وضعیت اجتماعی خانوارهای روستایی مثبت بوده است. پس فرضیه مربوطه تأیید می‌شود.

نتیجه

کشور ما در منطقه خشک و نیمه خشک جهان قرار دارد و از دیرباز پدیده خشکسالی را لمس کرده است. یکی از خواسته‌های کوروش هخامنشی این بوده است که خداوند کشور ما را از خشکسالی حفظ کند. این بدان معنی است که این پدیده طبیعی از دیرباز در کشور آثار نامطلوبی داشته است.

تغییرات شدید بارش از لحاظ مقدار، شدت و پراکندگی باعث شده که خشکسالی هر چند سال یکبار در جایی از کشور حادث شود و خسارات زیادی را در ابعاد مختلف فراهم آورد و بحران‌های گسترده‌ای در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد نماید. از جمله این خسارات کمبود منابع آب، کمبود تولیدات کشاورزی و دامی، کاهش پوشش گیاهی و مراتع، افزایش مهاجرت، افزایش آفات و بیماری‌های گیاهی و دامی را می‌توان نام برد. آنچه مسلم است از وقوع خشکسالی به هیچ وجه نمی‌توان جلوگیری نمود، چرا که خشکسالی پدیده‌ای تصادفی و غیرقابل پیش‌بینی به‌شمار می‌رود، ولی در این زمینه می‌توان با تدوین و اجرای برنامه‌های منسجم و اتخاذ راه کارهای سازگار و متناسب با شرایط و وضعیت محلی مناطق مورد تأثیر خشکسالی، تا حدود زیادی پیامدها و اثرات سوء آن را کاهش داد. در تحقیق حاضر بر مؤلفه‌هایی همچون مهاجرت، اختلافات محلی، آموزش و بهداشت، فعالیت‌های غیرقانونی، فقر و کیفیت زندگی تأکید شد. از میان این مؤلفه‌ها، خشکسالی بیشترین تأثیر را بر مهاجرت داشته است. به‌طوری که اکثریت نیروی کار در این منطقه به شهرهای مختلف در داخل و خارج استان مهاجرت نموده‌اند. در ارتباط با تغذیه و فقر، خشکسالی تأثیرات زیادی بر منطقه مورد مطالعه داشته است. وابستگی اکثریت ساکنان این منطقه به سازمان‌های حمایتی نشانگر این موضوع است. طبق نتایج تحقیق، اختلافات محلی در سطح روستاها افزایش پیدا کرده است. البته باید به این نکته توجه داشت اختلافات محلی در بعضی مناطق روستایی به‌دلیل مسائلی مانند قومیت و مذهب و سامانه‌های عرفی مشترک نوساناتی دارد. در مبحث فعالیت‌های غیرقانونی به‌دلیل همجواری با کشور افغانستان آمار قاچاق در سطح منطقه مورد مطالعه بالا است. به‌نظر می‌رسد با توجه به ضعیف شدن بنیان‌های تولیدی و به صرفه نبودن فعالیت‌های

کشاورزی، خشکسالی تأثیر مستقیمی در افزایش فعالیت‌های غیر قانونی داشته است.

پیشنهادهای

۱. تأکید بر گسترش مشارکت مردم در فعالیت‌های آبخیزداری و آبخوان‌داری با هدف تقویت منابع آب زیر زمینی و پوشش گیاهی.
۲. اعطای وام‌های بلاعوض و یا کم بهره بر اساس وضعیت معیشتی خانوارها و اعمال نظارت بر نحوه توزیع این وام‌ها با هدف اطمینان از توزیع عادلانه تسهیلات.
۳. تأمین آب شرب دام، توسط آبرسانی سیار جهت استفاده از تمام مراتع.
۴. توجه بیشتر دولت به صندوق بیمه محصولات کشاورزی به عنوان ساختاری مؤثر در کاهش بحران از طریق پرداخت به موقع خسارات.

منابع

۱. اوزی، رمضان (۱۳۹۰). *جغرافیای مخاطرات*. مترجم محمد ظاهری. تبریز: دانشگاه تبریز.
۲. بداق‌جمالی، جواد، و دیگران (۱۳۸۴). *مدیریت ریسک خشکسالی (شناخت و راهکارها)*. مشهد: سخن گستر.
۳. حجازی‌زاده، زهرا؛ جوی‌زاده، سعید (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر خشکسالی و شاخص‌های آن*. تهران: سمت.
۴. خسروی، محمود؛ اکبری، محمد (۱۳۸۸). "بررسی ویژگی خشکسالی‌های استان خراسان جنوبی". *جغرافیا و توسعه*، سال هفتم، ش ۱۴ (تابستان): ۵۱-۶۸.
۵. چکشی، بهاره (۱۳۸۰). "بررسی جنبه‌های زیست محیطی پدیده خشکسالی و سیل". در: *مجموعه مقالات کنفرانس ملی بحران آب*، ج ۱. زابل: دانشگاه زابل: ۲۸-۴۰.
۶. رضایی، حجت (۱۳۹۲). "تحلیلی بر خشکسالی و اثرات آن بر اقتصاد کشاورزی و مهاجرت‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان ابرکوه طی دوره‌ی ۱۳۷۵-۱۳۸۴)".

- پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال دوم، ش ۴ (پاییز و زمستان): ۱۵۳-۱۷۷.
۷. رضایی، روح‌اله؛ حسینی، محمود؛ شریفی، امید (۱۳۸۹). "واکاوی و تبیین تأثیر خشکسالی بر مناطق روستایی شهرستان زنجان (مطالعه موردی: روستای حاج‌آرش)". پژوهش‌های روستایی، سال اول، ش ۳ (زمستان): ۱۰۹-۱۳۰.
۸. شمسی، ابراهیم (۱۳۸۹). "بررسی و تحلیل پیامدهای اقتصادی و اجتماعی خشکسالی در دهه اخیر (مطالعه موردی: بخش زیرکوه شهرستان قاینات)". پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور بیرجند.
۹. صالح، ایرج؛ مختاری، داریوش (۱۳۸۶). "اثرات و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی خشکسالی بر خانوارهای روستایی در منطقه سیستان". علوم ترویج و آموزش کشاورزی/ایران، سال سوم، ش ۱ (تابستان): ۹۹-۱۱۴.
۱۰. صبحانی‌نسب، یوسف (۱۳۸۸). "اثرات زیست‌محیطی و اقتصادی - اجتماعی خشکسالی". در: مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای بحران آب و خشکسالی. رشت. دانشگاه آزاد اسلامی رشت: ۷۹۵-۷۹۹.
۱۱. غیور، حسنعلی؛ مسعودیان، ابوالفضل (۱۳۷۶). "بزرگی، گستره، و فراوانی خشکسالی‌ها در ایران". تحقیقات جغرافیایی، سال دوازدهم، ش ۴۵ (تابستان): ۲۵-۳۹.
۱۲. فرج زاده، منوچهر (۱۳۸۴). خشکسالی/از مفهوم تا راهکار. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۱۳. کارگر، فاطمه (۱۳۹۱). "بررسی پیامدهای اقتصادی و اجتماعی خشکسالی در روستاهای وابسته به آبدهی قنوت (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان بیرجند)". پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور بیرجند.
۱۴. کاویانی، محمدرضا؛ علیجانی، بهلول (۱۳۸۸). مبانی آب و هواشناسی. تهران: سمت.
۱۵. کردوانی، پرویز (۱۳۸۰). خشکسالی و راه‌های مقابله با آن در ایران. تهران: دانشگاه تهران.

۱۶. کشاورز، مرضیه؛ کرمی، عزت‌اله (۱۳۸۷). "سازه‌های اثرگذار بر مدیریت خشکسالی کشاورزان و پیامدهای آن: کاربرد مدل معادلات ساختاری". علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی. سال دوازدهم، ش ۴۳ (بهار): ۲۶۷-۲۸۳.

۱۷. نساجی زواره، مجتبی (۱۳۸۰). "بررسی اثرات اقتصادی - زیست‌محیطی و اجتماعی خشکسالی". در: مجموعه مقالات کنفرانس ملی بحران آب، ج ۱. زابل: دانشگاه زابل: ۴۴-۵۳.

18. Knutson, c. Hayes, M.; Phillips, t. (1998). How to Reduce Drought Risk ,Journal of Climate. VoL. 18. No. 3: 1541-1549.

19. Mckee, T. B; Doesken, N. Y; Kleist, Y. (1993). The Realatianship of Drought Frequency and Duration to Time Scales.Preprints.8th Conference on Applied Climatology -22-17january, Anaheim.184-179

20. Walker, M; thers, A. (1996). "Drought & Natural hazard". Drought a Global Assessment, Vol. 1. No. 5: 3-18.

21. Wilhlte, D.A (1991). " Response to drought: comman. Threads from the Past vision for the future". journal America water resourees Association. No. 33: 951-959.

پسوند "-لاک" در گویش بیرجند و سابقه‌ی آن در دوره‌ی میانه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۲

حامد نوروزی^۱

کلثوم قربانی جویباری^۲

چکیده

بررسی گویش‌های خراسان جنوبی نشان می‌دهد که از یک‌سو عناصری از فارسی میانه در آن‌ها یافت می‌شود و از سوی دیگر، می‌توان عناصری از زبان‌های شرقی را یافت که از دیرباز وارد این گویش‌ها شده‌اند و بعضاً در فارسی رسمی نیز رایج‌اند. یکی از راه‌های بررسی عناصر اصلی و قرضی در گویش‌ها پی‌گیری تاریخی پسوندهاست؛ زیرا پسوندها جزء عناصری هستند که به سختی در زبان پذیرفته می‌شوند. یکی از مهم‌ترین پسوندهای ایرانی، پسوند "-لاک" است که در لغاتی مانند "پیچاک"، "براک" و "پَراک" در گویش قدیم بیرجند رایج بوده است. این پسوند در گویش بیرجند دو ریشه‌ی مختلف داشته است. در لغاتی مانند "پیچاک" به معنی پیچش شکم، پسوند "-لاک" بازمانده از پسوند مصدری āk- سغدی است. این پسوند در لغات "خوراک" و "پوشاک" و "سوزاک" هنوز در فارسی رسمی رایج است. "-لاک" مصدری، امروزه در گویش بیرجندی جای خود را به "-ش" داده است و مانند دیگر اسم مصدرهای زبان فارسی با آن رفتار شده است. در نتیجه این لغت به صورت "پیچش/پچش" (pečeš) در آمده است. اما از سوی دیگر، پسوند "-لاک" فاعلی نیز از قدیم در گویش بیرجند در لغاتی مانند "پراک" رایج بوده است. پسوند "-لاک" فاعلی بازمانده از āk- فارسی میانه و āg- پارتی است. این پسوند امروزه نیز به همین صورت در گویش بیرجند رایج است. اما در فارسی معیار و اغلب گویش‌های دیگر ایرانی این پسوند با حذف "ک" انتهایی به صورت "-ل" در آمده است.

واژگان کلیدی: فارسی، گویش بیرجند، پسوند، سغدی، فارسی میانه

۱- مقدمه

زبان فارسی با قدمتی که سابقه‌ی آن در اسناد مکتوب به حدود ۲۵۰۰ سال می‌رسد، یکی از قدیم‌ترین زبان‌های دنیاست. این زبان در دوره‌ی باستان و میانه، زبان نواحی جنوب غربی ایران، یعنی مکر حکومت هخامنشیان و ساسانیان بوده است (اشمیت، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۱۰، ۲۲۳). اما این که چطور و طی چه فرایندی زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی و رایج ایران در عهد اسلامی درآمد هنوز به روشنی معلوم نیست. اما مطابق نظریه‌ای که رپکا^۱ ارائه کرده و صادقی آن را تکمیل نموده این زبان در اواخر عهد ساسانی توسط ارتشیان ساسانی به نواحی خراسان آمده و با زبان‌های رایج در آنجا مانند سغدی و بلخی آمیخته شده و زبانی ترکیبی^۲ را شکل داده است. این زبان در اواخر دوره‌ی ساسانی و اوایل دوره‌ی اسلامی کم‌کم در تمام نواحی خراسان رایج شده و با سرکار آمدن حاکمان ایرانی مانند طاهریان و صفاریان و از همه مهم‌تر سامانیان به عنوان زبان رسمی دربار آن‌ها انتخاب شده و از آن برای ارتباط با نواحی دیگر ایران استفاده شده است. بدین ترتیب زبان فارسی رسمی که پایه‌ی آن زبان فارسی میانه بوده و با برخی زبان‌های شرقی ایران آمیخته شده بود به‌عنوان زبان میانجی در ایران گسترش و به تدریج شکل معیار خود را می‌یابد (صادقی، ۱۳۵۷: ۳۵).

بنابراین طبق اسناد تاریخی روشن است که زبان فارسی امروز از خراسان طلوع کرده و بررسی تاریخی گویش‌های رایج در این ناحیه برای تاریخ زبان فارسی، دارای کمال اهمیت است. با بررسی این گویش‌ها از یک‌سو، می‌توان عناصری از فارسی میانه را بازیافت که هنوز در نواحی خراسان رایج است و از سوی دیگر، می‌توان عناصری از زبان‌های شرقی را یافت که از دیرباز وارد این گویش‌ها شده‌اند و بعضاً هنوز نیز در فارسی رایج‌اند. یکی از راه‌های بررسی عناصر اصلی و قرضی در گویش‌ها پی‌گیری تاریخی پسوندهاست؛ زیرا پسوندها جزء عناصری هستند که به سختی در زبان پذیرفته می‌شوند. از سوی دیگر گاهی پسوندهای دو

1. Rypka

۲. مقصود synthetic language که در رده‌شناسی زبان مورد بررسی قرار می‌گیرد، نیست. بلکه مقصود این است که زبان فارسی، ترکیبی است از همه‌ی زبان‌ها و لهجه‌هایی که با آن تماس داشته است، مانند بلخی، خوارزمی، سغدی و جز آن.

زبان ابتدائاً از نظر آوایی به یکدیگر شبیه‌اند، اما با گذشت زمان دو گونه تحول را پشت سر می‌گذارند. یکی از مهم‌ترین پسوندهایی که در گویش قدیم بیرجند وجود داشته و دارای خصوصیات بالاست پسوندد "لأك" (فارسی قدیم: -āk < فارسی امروز: -âk) است که در مقاله‌ی حاضر به بررسی آن خواهیم پرداخت.

۱-۱- پسوندد "لأك" و دو تحول آوایی آن در گویش بیرجندی

امروزه در گویش مردمان کهن‌سال بیرجند پسوندد "لأك" در لغاتی مانند "براک" / *borrâk* به معنی برنده و "پراک" / *parrâk* به معنی پرنده رایج است. از سوی دیگر، در فرهنگ ملاعلی‌/شرف صبحی که گویش قدیم بیرجند را می‌توان در آن یافت، لغت "پیچاک" دیده می‌شود که به گفته‌ی رضایی (۱۳۴۴: ۶۹) امروزه به‌صورت "پِ چِ ش" و "پِ یِ چِ ش" به معنی نوعی از اسهال همراه با درد و دلپیچه در گویش بیرجند به‌کار می‌رود: هست پیچاک [و] بُرینا "ریخ"، میمیزی "گدنی" ست / ... (همان: ۷۴). گونه‌ی دیگری از این لغت نیز در روشناوند (روستایی در ۳۵ کیلومتری شمال بیرجند) به صورت "پِ چِ آ" به همین معنی رایج است (همانجا). البته امروزه در بیرجند مانند فارسی رسمی کلمات "خوراک" و "پوشاک" نیز شنیده می‌شود، ولی این لغات در آثار کهن خراسان و در آثار کهن بقیه‌ی نقاط ایران دیده می‌شود و لغتی جدید است. اما مسأله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که در صورتی که این پسوندد در همه‌ی کلمات بالا مشترک باشد باید به‌صورتی یکسان نیز متحول می‌شد. مانند پسوندد "لأك" فارسی رسمی (معیار) که در همه‌ی کلمات با افتادن "ک" انتهای به "ل" متحول شده است، مانند: شنوا، دانا، بینا، روا و جز آن. به گفته‌ی صادقی (۱۳۵۰ الف: ۷۷۵) اگر پسونددی تحول آوایی یکسانی را پشت سر نمی‌گذارد و به چند صورت متحول می‌شود باید علت آن را یافت، زیرا تحولات آوایی زبان قاعده‌مند است. سؤال اصلی مقاله‌ی حاضر نیز حول همین محور است که چرا پسوندد "لأك" در گویش بیرجندی به دو صورت دیده می‌شود: ۱. بدون تحول و به‌صورت "لأك"؛ ۲. با تحول و به صورت "ل" یا "ش". برای روشن شدن مطلب، نخست باید معانی و کاربردهای مختلف پسوندد "لأك" در گویش بیرجند بررسی شود.

۱-۲- پسوند «-لاک» و دو معنای آن در گویش بیرجند

اگر ملاک ما در بررسی کاربرد پسوند "-لاک" در گویش بیرجند لغات «بَراک»، «پَراک» و «پیچاک» باشد، روشن است که ساخت این کلمات از "ماده‌ی مضارع" به‌علاوه‌ی پسوند "-لاک" تشکیل شده است. بنابراین مطابق دستور فارسی باید گفت چنین کلماتی "اسم" مصدر به‌شمار می‌آیند. اسم مصدر آن صیغه‌هایی است که از ماده‌ی ماضی یا مضارع به اضافه‌ی پسوندهایی مانند -âr و -eš و -âk و غیره ساخته شده باشد (صادقی، ۱۳۵۰: ۳۰۷؛ انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۵، ۱۰۵). به عبارت دیگر «اسم مصدر، اسمی است مشتق از فعل و دال بر معنی مصدرگونه، مانند: دانش، کردار، خوراک» (معین، ۱۳۴۱: ۱۱). اما با توجه به معانی "بَراک" (بُرنده) و "پَراک" (پرنده) به نظر می‌رسد که این دو لغت اسم مصدر نباشند، زیرا اسم مصدر معنای مصدری دارد و این دو لغت دارای معنای فاعلی هستند. تنها شاید در مورد "پیچاک" (پیچش دل) شاید بتوان گفت که هنوز معنای مصدری خود را حفظ کرده است. البته رضایی (۱۳۴۴: ۸۴) ذیل لغت «خارندنا/ خرنندنا» به معنی "خارش" آن را مرکب از "خارندن + -لا" و این "-لا" را همان "لاک" می‌داند (همانجا). در "برینا" نیز "-لا" انتهای آن را با "چرا"، "یرا" (= یارا)، پچا، خارندنا/ خرنندنا، مقایسه می‌کند و می‌نویسد: این پسوند گاهی اسم و حاصل مصدر می‌سازد (همان: ۶۹). بنابراین روشن است که در این موارد نیز رضایی معتقد است که پسوند "-لاک" به صورت "گ-لا" متحول شده است. به هر حال، به نظر می‌رسد علاوه بر این که تحول آوایی پسوند "-لاک" در گویش بیرجند دو مسیر متفاوت را پیموده است، این پسوند از نظر معنایی و کاربردی نیز دو گونه است. یعنی این پسوند علاوه بر دو تحول آوایی مختلف، دو معنای مختلف نیز دارد: ۱. معنای مصدری (اسم مصدری)؛ ۲. معنای فاعلی. از آن جا که بی‌تردید منشأ تفاوت تحول آوایی پسوند "-لاک" در تفاوت ریشه‌های این پسوند نهفته است، به بررسی ریشه‌های مختلف پسوند "-لاک" پرداخته می‌شود.

۱. اما صادقی (۱۳۷۱: ۲۹) پسوند کلمه‌های "یرا" و "چرا" را "-لا" می‌داند. به عقیده‌ی وی این پسوند در چند کلمه به صفات چسبیده و اسم حالت (حالت مصدر) ساخته است. این اسم حالت‌ها برای نامیدن چیزهای ملموس به کار می‌روند، مانند "زرفا"، "درازا"، "پهنا"، "گرما"، "راستا" (جهت و امتداد)، "تاریکا" (تاریکی). در کلمه‌ی "چرا" (چریدن) این پسوند به بن مضارع ملحق شده است. در «یرا» نیز این پسوند به بن مضارع فعل "یارستن" چسبیده است.

۲- پسوندد "لاک" مصدری

۲-۱- آرای دستوریان

برخی از دستوریان بدون توضیحی خاص کلمات مختوم به "لاک" را اسم می‌دانند؛ برای مثال انوری و احمدی گیوی (۱۳۷۵: ۱۸۶) "لاک" را پسوندی می‌دانند که به بن فعل می‌پیوندد و اسم می‌سازد. رضایی نیز می‌نویسد: این پسوند گاهی اسم می‌سازد (همانجا).

برخی نیز بر حاصل مصدر بودن این‌گونه لغات تأکید می‌کنند. نجم‌الغنی رامپوری (۱۹۱۹م: ۶۰۸) که مجموعه‌ای بسیار کامل و منحصر به فرد را در مورد دستور زبان فارسی در کتاب نهج الادب گردآورده است، در بخش "حروف مصدر و حاصل مصدر" می‌نویسد: "آک" چون: خوراک و سوزاک، به معنی خورش و سوزش. ناظم الاطبا (نفیسی) (۱۳۱۶: ۱۹۸) نیز پسوند "لاک" را جایگزین پسوند "ش" در اسم مصدر شینی می‌داند. رامپوری (۱۳۷۵: ۱۱) دیگر یعنی صاحب غیاث اللغات نیز بر اسم مصدر بودن این‌گونه لغات صحه می‌گذارد. وی ذیل مدخل "آک" می‌نویسد: ۱. برای نسبت و تشبیه آید، چون "مغاک" که به معنی عمق است و "فغاک" به معنی آبله مشابه به "فغ" که به معنی بت است. ۲. چون لفظ "آک" در انتهای صیغه‌ی امر آید معنی حاصل بالمصدر [در اصل اسم مصدر] دهد، چون "خوراک" و "سوزاک" به معنی "خورش" و "سوزش". اما در جای دیگر ذیل واژه‌ی "خوراک" می‌نویسد: مرکبست از "خور" که به معنی خورش است و آک کلمه‌ایست مفید معنی نسبت (همان: ۳۴۵). به همین ترتیب ذیل "پوشاک" نوشته است: "پوش" - "مخفف پوشش و آک لفظیست مفید معنی نسبت (همان: ۱۷۶). وی ذیل "مغاک" (همان: ۸۴۶) نیز آک را مفید معنی نسبت می‌داند. اما ذیل "فغاک" (همان: ۶۴۸) اشاره‌ای به معنی "آک" نمی‌کند. جالب است که وی ذیل "پیچاک" می‌نویسد: به معنی پیچ و خم و در مدار (نام کتابیست) به معنی طره و زلف (همان: ۱۷۷). روشن است که از دیدگاه وی "لاک" هم به اسامی اضافه می‌شود (مانند مغاک) و هم به صیغه‌ی امر یا همان ماده‌ی مضارع. شق اول مورد بحث ما نیست، اما در معنی دوم، وی این کلمات را اسم مصدر دانسته است. به نظر می‌رسد معنی نسبت در این پسوند را لغت‌نویسان و دستوریان قدیم از "مغاک" و

"فژاک" و این گونه لغات که اسم هستند، استنباط کرده‌اند. همین معنی نسبت را چندبهار (۱۳۸۰، ج ۱: ۴۴۱) نیز در بهار عجم تکرار می‌کند. وی ذیل "پوشاک" می‌نویسد: و پوشش، جامه‌های پوشیدنی، مثل "خوراک" چیزهای خوردنی. به عبارت دیگر، وی "لاک" را به نوعی پسوند نسبت یا لیاقت می‌داند. او ذیل "پیچاک" تنها به نوشتن "بر قیاس پیچ" اکتفا می‌کند (همان: ۴۵۰). کسان دیگری نیز مانند دهخدا و خراسانی "لاک" را با پسوند "سی" لیاقت مقایسه کرده‌اند. البته گفته‌اند که "سی" به آخر مصدر متصل می‌شود، اما "لاک" به انتهای فعل امر (ماده‌ی مضارع).

همایون فرخ (۱۳۶۴، ج ۱: ۴۴) کلمات مختوم به "لاک" را از یکسو اسم مصدر می‌داند و از سوی دیگر، بر معنی لیاقت و نسبت در آن تأکید می‌کند. طبق بررسی‌های وی از این نوع کلمات تنها سه مورد در فارسی یافت می‌شود: خوراک، پوشاک، سوزاک. درباره‌ی معنی لیاقت این پسوند نیز می‌نویسد: اگر چه این سه کلمه از حیث معنی اسم مصدر شمرده می‌شوند، اما معنی اسم عام و اسم مأخوذ یایی نیز از آن استنباط می‌شود. یعنی خوراک هم معنی خوردن و هم معنی خوردنی دارد. پوشاک نیز هم معنی پوشیدن و هم به معنی چیز پوشیدنی است. سوزاک نیز بیشتر علم شده و برای اسم مرض مخصوص به کار می‌رود. نکته‌ی بسیار مهم در تحقیقات همایون فرخ این است که «این سه کلمه (خوراک، پوشاک، سوزاک) در آثار فصحای قدیم اصلاً دیده نمی‌شود» (همانجا). مرحوم بهار (۱۳۲۳: ۲۹۷) نیز همین نکته را در مورد دو کلمه‌ی "خوراک" و "پوشاک" می‌نویسد: هیچ‌کدام نجیب فارسی نیستند و در عرف زبان دری هرگز استعمال نداشته‌اند و به جای آن دو "پوشش" و "خورش" مستعمل بوده است و از کلمات عامیانه که در قرن اخیر بعضی شعرا مثل حکیم سوری و غیره جزء طنز وارد شعر ساخته‌اند و در آثار استادان مسلم وجود ندارد و در عرف عوام نیز سوای این دو کلمه وجود ندارد. در برهان قاطع نیز این دو کلمه مدخل نشده‌اند و به جای مداخل "خوراک" و "پوشاک" مدخل‌های "خورا" و "پوشا" آمده است (خلف تبریزی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۷۸۷؛ همان، ج ۱: ۴۲۸).

البته معین (۱۳۴۱: ۸۶) در کتاب مصدر و حاصل مصدر در مورد این پسوند می‌نویسد: عدم استعمال "خوراک" و "پوشاک" در قدیم ملاک عدم صحت استعمال این دو نیست.

اما معین در ادامه به نکته‌ی بسیار مهم دیگری نیز اشاره می‌کند: «زیرا در غالب نواحی و ولایات ایران این لغات به کار می‌رود. به علاوه کلمات مختوم به "- لاک" منحصر به "خوراک" و "پوشاک" و "سوزاک" نیست و از این قبیل است: جوشاک از جوش، کاواک از کاو-^۱ (همانجا). همین نظر است که صادقی آن را کامل می‌کند و به این صورت بیان می‌دارد: «احتمالاً کلمات "خوراک" و "پوشاک" از بعضی از لهجه‌های شرقی ایران یا شاید از سغدی وارد فارسی شده و یا تحت تأثیر کلمات سغدی در فارسی به وجود آمده باشند» (صادقی، ۱۳۵۰ الف: ۷۷۵). صادقی برای تأیید حدس خود از اسم‌های دارنده‌ی پسوند "- لاک" کمک می‌گیرد و می‌نویسد: «می‌دانیم که کلمه‌ی "فغ" سغدی است و از آن لهجه به فارسی راه یافته است^۲. پس می‌توان احتمال داد که فغاک به معنی ابله و حرام‌زاده هم از سغدی گرفته شده باشد» (همانجا). یافته‌های ریشه‌شناختی جدید نیز همین حدس را تأیید می‌کند. کلمه‌ی "نیاک" که در سغدی به معنی "جَد" در این بیت از رودکی به کار رفته است: ایا شاهی که ملک تو قدیمی/ نیاکت برد باک از اژدهاکا (اسدی طوسی، ۱۳۱۹: ۲۵۳). کلمه‌ی "نغوشاک" (مانوی) نیز فارسی نیست و صورت فارسی آن "نیوشا" است (Benveniste, 1929: 226). "مغاک" واژه‌ای پارتی است که در ادبیات مانوی به کار رفته است: mg'dg به معنی سوراخ و غار (Henning, 1937: 58). کلمه‌ی "فژاک" نیز به گفته‌ی قریب (۱۳۸۳: ۱۱۷) دخیل از سغدی است. اصل این لغت در سغدی βaž بد و زشت است. بنابراین روشن است که هیچ‌یک از واژگانی که در معنای اسمی و مصدری (حاصل مصدری) پسوند "- لاک" دارند، فارسی اصیل نیستند و دخیل از سغدی هستند. پس می‌توان نتیجه گرفت که این پسوند نیز از گویش‌های شرقی یا سغدی وارد فارسی شده است (صادقی، ۱۳۵۰ الف: ۷۷۵). زیرا پسوند "- لاک" در معنی مصدری هیچ سابقه‌ای در زبان فارسی باستان یا میانه ندارد. اما سؤال اینجاست که آیا یافته‌های تاریخی در متون نیز این حدس را تأیید می‌کنند که پسوند "- لاک" در معنی مصدری متعلق به نواحی شرقی است؟ برای این منظور لازم است که متون کهن فارسی بررسی شوند.

۱. مرحوم معین علاوه بر این کلمات، واژه‌های "فژاک از فژ، فغاک از فغ، مغاک از مغ،" را نیز افزوده است که نادرست است. زیرا "فژ، فغ و مغ" اسم هستند، نه ماده‌ی مضارع و قابل مقایسه با خوراک و پوشاک و سوزاک نیستند.
۲. معین در حاشیه‌ی برهان قاطع می‌نویسد: فغ از سغدی faq یا fuq به معنی بت است.

۲-۲- پسوند "-لاک" مصدری در متون کهن

پسوند "-لاک" امروزه کاملاً مرده است و به همین دلیل، برای دریافت معنا و سابقه‌ی آن باید به متون کهن رجوع کرد. با بررسی فرهنگ‌های کهن، این پسوند را در واژه‌هایی مانند "پیچاک" (پیچ- + لاک) به معنی پیچش شکم یا شکم روش، "تاباک/تباک/تاپاک/تپاک" (تپ- + لاک) به معنی تپش، اضطراب و بی‌قراری، "جوشاک" به معنی جوشش می‌توان یافت. لغاتی که در فارسی با این پسوند به کار رفته‌اند بسیار کم هستند. بررسی این لغات از نظر تاریخی اطلاعات جالبی به دست می‌دهد. زیرا این پسوند در متون دوره‌ی تکوین زبان فارسی به کار رفته‌اند، اما تا چند قرن اثری از این پسوند در متون دیده نمی‌شود. تا این که مجدداً از دوره‌ی صفویه به بعد این پسوند در برخی از متون ظاهر می‌شود. جالب اینجاست که کاربرد مجدد این پسوند بیشتر در حوزه‌ی هند و شعرای سبک هندی (شرق ایران) قابل پی‌گیری و مشاهده است. برای مشاهده‌ی سیر تاریخی این پسوند نگارندگان شواهدی را که از اسم مصدرهای دارنده‌ی این پسوند یافته‌اند در پی می‌آورند:

- اگر گوشت کار تواند بردن آهارش تباه... بُود و پیچاک^۱ و پیوسته (نسوی، ۱۳۵۴: ۱۴۱).
- ینتون... یرقان را سود دارد و پیچاک شکم و اسهال را منفعت کند و خون حیض را براند (بیرونی، ۱۳۵۸، ج ۲: ۷۳۶).

- غار... تافتن شکم و پیچاک آن را مفید است و... علتی که آن را ضیق‌النفس گویند. (همان: ۹۳۵).

- همان خون جوشیده در بار تاک/ که از تن برد رنج و از دل تپاک (اسعد گرگانی، ۱۳۴۹: ۵۷).

- کنون که جان به لب آمد مپیچ در کارم/ مکن که کار من از تو بماند در پیچاک (عراقی، بی‌تا: ۲۲۰).

- از غم و غصه دل دشمنت باد/ گاه در تاپاک و گاهی در سنخج (دهخدا، ۱۳۵۸: ذیل تاپاک).

- مبین زین سو که جانم از خیال مهره‌ی چشم/ چو گنجشک گروهه کرده در تاباک

۱. در این نمونه پیچاک معنای پیچاک دارد. حذف ی از اسم مصدر در فارسی نمونه‌های دیگری نیز دارد (در این مورد رک. به: صادقی، ۱۳۸۰: ۱۳۰ و حاجی سید آقایی، ۱۳۸۸: ۱۱۳).

خواهد شد (خسرو دهلوی، ۱۳۸۷: ۹۴).

- تاپاکِ جان از حد گذشت افتادگان را بر درت / بر نیم بسمل کشتگان دستوری‌ای ده
ناز را (همان: ۱۴۹).

- هربار میا پیش من خسته‌ی بیدل / تا این دل بدبخت به تاباک نیافتد (همان: ۸۲).
- چون قرابه دیده از خُمخانه جوشاک شراب / شیشه‌خانه بین که بهر او چه‌سان آراسته
(همان: ۳۷۱).

- ننگ است اگر به خاتم جمشید بنگریم / پیچاک زلف یار نظیری به شست ماست
(نظیری نیشابوری، ۱۳۴۲: ۴۷).

- هر دست به پیچاک سر زلف نیززد / انگشت جم ارزنده بُود خاتمِ جم را (همان: ۳۷۸)
- زگلفروش ننالَم کز اهل بازار است / تپاک گرمی رفتار باغبانم سوخت (غالب دهلوی،
۱۳۷۶: ۶۳).

- من و پیچاک زلف آن بت و بیداری شب‌ها / کجا خسپد کسی کش می‌خلد در سینه
عقرب‌ها (واصفی هروی، ۵۰-۱۳۴۹، ج ۱: ۲۱۴).

- هیچ‌گاه بی سوز محبتی نبوده، به‌نوعی قفلِ عاشقی کشی بود که گردن جانم به فتراک
گیسو و پیچاک خطّ مقید گردیده، در معرکهٔ جان‌بازی دوتیغه می‌باختم و در میدان هوا و
هوس دو اسبه می‌تاختم (نصرآبادی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۶۶۸).

- به پیچاک آهم که در موی توست / به‌حقّ نگاهم که بر روی توست (ظهوری فخرالزمانی
قزوینی، ۱۳۴۰: ۳۸۸)

- نمی‌داد اگر عشق گردن به بند / نمی‌یافت پیچاک کاکل کمند (همان: ۴۰۰).
- ز پیچاک سنبل به بزم مقال / زبان‌ها چو گیسو پریشان خیال (بیدل دهلوی، ۱۳۷۶،
ج ۳: ۶۴۶).

- عقل در پیچاک اسباب و علل / عشق چوگان باز میدان عمل (اقبال لاهوری، ۱۳۶۱: ۸۴).
نکته‌ی جالب اینجاست که شواهدی که از پسوند "ـاک" در حاصل مصدرها هم دیده
می‌شود همین سیر تاریخی را تأیید می‌کند. مهم‌ترین پسوند حاصل مصدرساز فارسی
«-ی» است، مانند "سفیدی" (سفید + -ی) به معنی سفید بودن، بلندی (بلند + -ی) به

معنی بلند بودن. "ی" پسوندی است که امروزه نیز کاملاً زنده است. اما پسوند حاصل مصدر ساز "اک" امروزه مرده است. پسوند "اک" برخلاف پسوند "ی" معمولاً به اسامی می‌پیوندد. این پسوند در واژه‌هایی مانند "خُرَاک" (خُر + اک)، "خُر خُرَاک" (خُر خُر + اک) و "دشمناک" (دشمن + اک) دیده می‌شود. برای مثال در مذهب الاسماء صدای "خُر خُر" فرد محتضر "خر خُرَاک" خوانده شده است (دهخدا، ۱۳۵۸). زنده یاد احمد تفضلی (۱۳۶۰: ۵۳۲) نیز در ترجمه‌ی تفسیر طبری لغت دشمناک (تفسیر طبری: آیه ۶۴ سوره مائده) را نشان داده است. مذهب الاسماء و ترجمه‌ی تفسیر طبری متونی هستند که در شرق ایران نوشته شده‌اند. تفسیر طبری به گویش ماوراءالنهر و مذهب الاسماء به گویش سیستان و نواحی اطراف آن. حتی امروزه نیز پسوند "اک" در گویش‌های نواحی شرقی ایران رواج دارد که این امر نیز فرایند تاریخی مورد نظر ما را تأیید می‌کند.

۲-۳- پسوند "اک" مصدری در گویش‌های امروز

امروزه پسوند "اک" در معنای مصدری با نوعی تحول آوایی در بلوچی به کار می‌رود. در بلوچی نشانه مصدر اغلب ā/â - است. برای مثال kūsā/âg در این گویش به معنی کشتن است (آذرلی، ۱۳۸۷: ۲۹۹). در این گویش به دلیل قرار گرفتن k که واجی بی‌واک است در کنار ā که مصوت و واکدار است، k نیز به جفت واکدار خود یعنی g تبدیل شده است. در زبان یغنابی که بازمانده زبان سغدی است نیز این پسوند به صورت ak دیده می‌شود. برای مثال در یغنابی آسایک /osoyak/ به معنی آسودن و در آسوده بودن، آخشک /olxašak/ به معنی فروزان و روشن شدن، اشک /ešak/ به معنی جوشیدن و اورک /orak/ به معنی آوردن است (قاسمی، و دیگران، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۷۲-۲۷۳). احتمالاً همین پسوند است که در زبان اشکاشمی به صورت u/ok - و در یزغلامی به صورت aj - به کار رفته است؛ برای مثال: apəxšuk (شنیدن)، arok (عرعر کردن خر)، alok (ایستادن) در اشکاشمی (همان: ۵۲۵) و s(ə)pinaj (پر شدن)، s(ə)xapaj (خوردن)، s(ə)xfaj (شوره بستن) در یزغلامی (همان: ۵۸۲) در برخی از زبان‌های پامیری نیز ak پسوند مصدری است. برای مثال:

۱. در زبان تاجیکی «آ» /â/ به صورت نیمه افراشته و شبیه به O تلفظ می‌شود. به همین دلیل با O آوانگاری شده است.

fənjivak از fənj (ماده مضارع) + ĩv (برابر پسوند -ān- در فعل‌های گذرای فارسی) + پسوند مصدری ak (قاسمی، ۱۳۸۲: ۵۲). این پسوند به صورت -ek- در گویش مازندرانی به صورت peč-ek به معنی "پیچش و گره مو" رایج است. همین‌طور با حذف k پایانی به صورت peččâ در گویش روشن‌وند به معنی دل‌پیچه و شکم‌روش رایج است.

۲-۴- ریشه پسوند "-لاک" مصدری

دلیل وجود پسوند "-لاک" مصدری در گویش‌ها و نواحی شرقی ایران این است که ریشه‌ی این پسوند در زبان سغدی است. به عبارت دیگر پسوند سازنده‌ی اسم مصدر در زبان سغدی -āk- است (تفضلی، ۱۳۶۰: ۵۳۲). این پسوند به ماده‌های فعلی افزوده می‌شود: γrβ'k (غرواک) به معنی دانش، γnt'k (غنتاک) به معنی بدی (Gershevitch, 1961: 150). nβ'yt'k' (انواغتاک) به معنی تقسیم کردن (قریب، ۱۳۸۳: ۳۶)، nβrt'k' (انورتاک) به معنی و هم‌ریشه با انباردن و انبار کردن (همانجا)، nt'wys'k' (انتاوغساک) به معنی کوشیدن و هم‌ریشه با توخشیدن و تخس فارسی (همان: ۴۴) و بسیاری کلمات دیگر از همین پسوند ساخته شده‌اند.

لازم است یادآوری شود که معین (۱۳۴۱: ۸۶) و برخی دیگر از دستوریان ریشه‌ی پسوند "-لاک" مصدری را در پهلوی می‌دانند. وی در این مورد می‌نویسد: «این پسوند در پهلوی -āk- بوده و برای ساختن صفت فاعلی به آخر ریشه‌ی فعل افزوده می‌شده است: wīn-āk^۲ (بینا) و waz-āk^۳ (ورزا، کشاورز). چنان‌که دیده می‌شود در کلمات فارسی مذکور "ک" از آخر کلمات پهلوی حذف شده و تنها در کلماتی مانند خوراک و پوشاک باقی مانده است. همین ریشه‌یابی را در دستور همایون فرخ (۱۳۶۴: ۴۴) نیز می‌بینیم: در زبان پهلوی کلماتی که با "-لاک" تمام می‌شود نسبتاً زیاده‌تر بوده و در آن زبان برای معانی و مقاصد دیگری به کار رفته است و در فارسی در بیشتر آن‌ها "ک" انتهای افتاده است. ولی در زبان فارسی امروز آن معانی و مقاصدی که در زبان پهلوی برای آن‌ها بوده از میان

۱. معین به صورت -āk آوانویسی نموده که نادرست است.

۲. معین به صورت vīnāk آوانویسی کرده که نادرست است.

۳. معین به صورت varzh-āk آوانویسی کرده که نادرست است.

رفته و معنی آن‌ها تطور پیدا کرده است. ما این کلمات را جزء حاصل مصدرها طبقه‌بندی کرده ایم. اما برخلاف همایون فرخ، معین (۱۳۶۳: ۸۷) این کلمات را اسم مصدر نمی‌داند و می‌نویسد: «کلمات مختوم به " - لاک" را نباید در زمره‌ی اسم مصدر به حساب آورد، چه گفته شد " - لاک" در خوراک و پوشاک افاده‌ی لیاقت و نسبت می‌کند، سوزاک لغتاً به معنی سوزنده و سوزا است و مجازاً به معنی مرض مخصوص و آک مانند همین پساوند در پهلوی افاده‌ی فاعلیت می‌کند و بقیه‌ی کلمات مختوم به " - لاک" نیز معانی مختلفی دارند که در رساله‌ی جداگانه مورد بحث قرار خواهند گرفت». این ریشه‌یابی بر اساس شباهت ظاهری کاملاً نادرست است. زیرا پسوند " - لاک" فاعلی نمی‌تواند به " - لاک" مصدری تحول پیدا کند. به علاوه همان گونه که پیداست این دو پسوند دو تحول آوایی جداگانه را نیز در فارسی طی کرده‌اند؛ بدین معنی که پسوند " - لاک" فاعلی (پهلوی) با حذف "ک" به صورت " - ل" در آمده است، اما پسوند " - لاک" مصدری (سغدی) بدون حذف "ک" هم‌چنان به صورت " - لاک" رایج است. افزون بر این در برخی از گویش‌هایی که ارتباط مستقیم با فارسی میانه داشته‌اند، هنوز پسوند " - لاک" در معنای فاعلی رایج است. یکی از این گویش‌ها، گویش بیرجندی است. همان گونه که گفتیم پسوند " - لاک" در گویش بیرجندی قدیم و امروز در معنای فاعلی هم کاربرد داشته و دارد. در بخش بعدی مقاله به بررسی " - لاک" فاعلی در گویش بیرجند می‌پردازیم.

۳- پسوند " - لاک" فاعلی

یکی از تحولات آوایی عمده‌ای که از فارسی میانه به فارسی نو رخ داد حذف "ک" و "گ" انتهایی از اغلب لغات فارسی میانه بود. این "کگ" و "گگ" انتهایی معمولاً پس از مصوت‌های کوتاه یا بلند قرار داشتند. برای مثال آنچه که امروزه در فارسی رسمی به عنوان "ه" بیان حرکت یا کسره‌ی پایانی شناخته می‌شود، در دوره‌ی میانه پسوند ag- بوده است. برای نمونه لغت "کارنامه" در دوره‌ی میانه kār-nām-ag بوده است. همه‌ی صفت‌های مفعولی امروز نیز در دوره‌ی میانه به ag- ختم می‌شدند: رفته: raft-ag، خورده: xward-ag و جز آن. این "گ" امروزه خود را هنگامی نشان می‌دهد که این لغات به پسوند جمع

"ـان" افزوده شوند، برای مثال: رفتگان، دل شکستگان. علاوه بر پسوند ag- پسوندهای دیگری نیز در دوره‌ی میانه وجود داشته‌اند که مختوم به "ک" بوده‌اند و این "ک" در فارسی نو افتاده است. برای مثال "ک" انتهای پسوندهای نسبت ik- و ūk- افتاده و در فارسی نو به صورت پسوند "ـی" /-i/ در لغاتی مانند "آهنی"، "سبزی" و جز آن و پسوند "ـو" /-u/ در لغاتی مانند "ترسو" و "کرمو" درآمده است. اما در برخی از گویش‌های ایران از جمله گویش بیرجندی هنوز می‌توان آثاری از "ک" انتهای این پسوندها را یافت. برای مثال ik- انتهای در لغت پُختیک poxt-ik (شلغم پخته‌ی خشک شده) و uk- انتهای لغاتی مانند tars-uk (تَرسوک: ترسو) بدون حذف k انتهای از همین پسوندهای دوره‌ی میانه باقی مانده است. یکی دیگر از پسوندهایی که k انتهای آن در فارسی رسمی حذف شده ولی در گویش بیرجند هنوز باقی مانده است، پسوند āk- در معنای فاعلی است که در بخش بعدی مقاله به آن می‌پردازیم.

۳-۱- پسوند "ـاک" فاعلی در گویش بیرجند

همان‌گونه که پیش از این گفتیم این پسوند در واژه‌هایی مانند bōrr-āk به معنی "برنده" و parr-āk (پَرّاک: پرنده) هنوز در گویش بیرجند به کار می‌رود (رضایی، ۱۳۷۷: ۳۶۱). شاید بتوان پسوند āk- در لغات ās-āk یا ās-āk را هم با پسوند فاعلی āk- مرتبط دانست. رضایی (۱۳۴۴: ۶۲) وجود پسوند āk- در ās-āk را تأیید می‌کند و این لغت را مرکب از "آس" به علاوه‌ی "آک" می‌داند. اما مشخص نمی‌کند که این پسوند در لغت مزبور به چه معنی است. در صورتی که āk- در این لغت معنی فاعلی داشته باشد می‌توان ās-āk را دارای معنی "آس کننده" یا "خرد کننده" زمین دانست. این پسوند در بسیاری از روستاها و شهرهای دیگر خراسان جنوبی مانند طبس مسینا، کرغند و سیدان نیز رایج است. اما این پسوند در فارسی نو با حذف k به صورت "ـا" /-ā/ درآمده است. اما شواهد معدودی از متون کهن دیده می‌شود که در آن‌ها پسوند "ـاک" بدون حذف "ک" انتهای به کار رفته است. نکته‌ی جالب در این مورد این است که این لغات نیز همگی در حوزه‌ی شرق ایران و بویژه شعرای سبک هندی رایج است.

۳-۲- پسوند "-اک" فاعلی در متون کهن

همان گونه که گفتیم پسوند "-اک" در فارسی رسمی به صورت "-ل" به کار رفته است. در مورد پسوند "-ل" فاعلی صادقی (۱۳۷۲: ۱۳) می نویسد: این پسوند به بن مضارع ملحق می شود و صفات فاعلی نشان دهنده ی حالت ثابت می سازد: بویا، بینا، پایا، پذیرا، پویا، توانا، جویا، دارا، دانا، زایا، رسا، شکیبا، شنوا، فریبا، کوشا و ... اکثر این مثال ها به جای "-ل" با پسوند "-نده" نیز به کار می روند: بینا: بیننده، دانا: داننده، شنوا: شنونده. اما تفاوت این دو دسته مثال در این است که صفات مختوم به "-نده" دلالت بر کنندگی موقتی و گذرنده می کنند، در حالی که صفات مختوم به "-ل" دال بر حالات ثابت اند. در برخی موارد مانند "زیبا"، "روا"، "رها" و "شکیبا" ارتباط کلمات با فعل ها سست شده و تا حدی تغییر معنایی پیدا کرده اند.

اما در شواهد نادری که همگی متعلق به حوزه ی هند و سبک هندی هستند، دیده می شود که "-اک" پسوند سازنده ی صفت فاعلی است. این ابیات به ترتیب تاریخی متعلق به امیر خسرو دهلوی، نظیری نیشابوری و صائب تبریزی هستند:

- به جان تو که جان تاباک باشد در دم آخر / دم مهر و وفایت هم در آن تاباک خواهم زد (امیر خسرو دهلوی، ۱۳۸۷: ۳۸۱).

- می شود در نافِ آهو مشک هر خونی که خورد / دل کسی ز آن طره ی پیچاک نتواند گرفت (صائب تبریزی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۶۸۸)

- لفظ پیچیده به زنجیر کشد معنی را / دل از آن طره ی پیچاک نیاید بیرون (همان، ج ۶: ۳۰۵۷)

- قصد فریبی می کند سوی غزالی می چمد / آن چشم آهوگیر را با زلف پیچاکش نگر (نظیری نیشابوری، ۱۳۴۲: ۱۹۵).

در مثال هایی که در بالا نقل شد روشن است که "-اک" معنای مصدری ندارد. در نمونه ی اول "تاباک" به معنی "تپنده و مضطرب و بی قرار" آمده است و در صورتی که آن را "تپش" معنی کنیم معنای درستی از بیت به دست نمی آید. در سه نمونه ی بعدی نیز "پیچاک" به عنوان صفت "طره" و "زلف" به کار رفته و معنای پیچنده و تابدار می دهد.

یک مورد از کاربرد این پسوند در معنای فاعلی نیز در تفسیر حزقیال (از متون فارسی-یهودی) دیده می‌شود که از نظر تاریخی بسیار قدیم‌تر از شواهد فوق است. تفسیر حزقیال در قرن چهارم هجری قمری به نگارش درآمده و دارای دو بخش است: بخش اول آن در حوزه‌ی جنوب غربی ایران نوشته شده و بخش دوم در حوزه‌ی شمال شرقی (ماوراءالنهر) (Gindin, 2003). این پسوند در بخش دوم این متن که در حوزه‌ی ماوراءالنهر (شمال شرقی) نوشته شده در لغت "کوشاگ" به معنی "کشنده و قاتل" به کار رفته است. روشن است که در این کلمه پسوند "-اک" با تحولی آوایی که پیش از این توضیح داده شد به "-اگ" تغییر کرده است:

شمشیر ... رندیسته آمد پا رای دادن او را پا دستی کوشاگ Ez: 21: 16' šmšyr ...
 (شمشیر رندیده و تیز شد برای این که او را به دست کوشاگ (کشنده، rndyst' 'md p'
 r'ndyst' 'md p' dst kwš'g r'y d'dn 'wr' p' قاتل، جلاد) بسپارند)
 در این جمله "کوشاگ" در ترجمهٔ ַאֲרֵיג hw'r'eg به معنی slayer "کشنده" آمده است.

۳-۳ - پسوند "-اک" فاعلی در گویش‌های امروز

پسوند -āk فاعلی در اغلب گویش‌ها و نواحی ایران با حذف k انتهایی به -â تبدیل شده است. تنها لغات اندکی در برخی از گویش‌ها وجود دارد که پسوند -āk در آن‌ها وجود دارد. برای مثال لغت "پیچاک" با تحول معنایی و آوایی به صورت peč-āk در مازندران به معنی "نُچ و چسبنده (پیچنده به جایی که به آن می‌چسبد)" و pič-āk به معنی "سفت و محکم (پیچنده)" در بندر انزلی و به همین صورت و به معنی "چرب" در سوتالسر^۱ رایج است (آذری، ۱۳۸۷: ۹۳). در بویراحمدی نیز به ابزار آرد کننده‌ی گندم (آس) ās-āk (حسن‌دوست، ۱۳۸۹، ج ۲: ۶۲۵) و در بلوچی به ابزار دروکننده (داس) harr-āg (همان: ۶۶۸) می‌گویند.

۱. تفسیر حزقیال: باب ۲۱، آیه ۱۶

۲. نام محلی در گیلان

۳-۴- ریشه‌ی پسوند "-اک" فاعلی

پسوند "-اک" در این معنی بازمانده از دوره‌ی میانه است. در پهلوی پسوند āk- به ماده مضارع اضافه می‌شود و تشکیل اسم فاعل و صفت می‌دهد و گاهی به صفت فاعلی تبدیل می‌شود؛ مانند dān-āk (= دانا)؛ rav-āk (= روان) (راستارگویا، ۱۳۷۹: ۲۸). این پسوند در پهلوی اشکانی به صورت āg- دیده می‌شود: niyōšāg (= شنونده)؛ dānāg (= دانا) (ابوالقاسمی، ۱۳۸۱: ۳۲۷). این پسوند در دوره‌ی باستان نیز با همین معنی و کاربرد رایج بوده است. در اوستایی پسوند aka- برای ساختن صفت فاعلی به کار می‌رود: niv-ay-aka (= شکار کننده) (دارمستتر، بی تا: ۱۶). در ایرانی باستان این پسوند را به صورت *āka- بازسازی می‌شود (ابوالقاسمی، ۱۳۸۱: ۳۱۱، ۳۲۶).

نتیجه

با توجه به آن‌چه در این مقاله مطرح شد روشن است که پسوند "-اک" که در لغاتی مانند "پیچاک"، "بَراک" و "پَراک" در گویش قدیم بیرجند رایج بوده، دو ریشه‌ی مختلف داشته است. در لغاتی مانند "پیچاک" به معنی پیچش شکم، پسوند "-اک" بازمانده از پسوند مصدری āk- سغدی است. این پسوند در لغات "خوراک" و "پوشاک" و "سوزاک" هنوز در فارسی رسمی رایج است، این لغات بی‌شک به واسطه‌ی یکی از گویش‌های شرقی وارد زبان فارسی معیار شده است. سابقه‌ی این پسوند در متون کهن فارسی نیز این امر را نشان می‌دهد. زیرا این پسوند در دوره‌ی تکوین زبان فارسی که این زبان در شرق ایران شکل می‌گرفته است، در برخی متون دیده می‌شود. سپس تا مدت‌ها اثری از این پسوند در متون دیده نمی‌شود. اما با انتقال مجدد مرکز زبان فارسی به شرق ایران و بویژه هند، مجدداً شاهد کاربرد این پسوند در اشعار شعرای سبک هندی هستیم. گویش بیرجندی نیز احتمالاً این پسوند و لغات دارای آن را از زبان‌های شرقی مجاور خود قرض گرفته است. احتمالاً به همین دلیل است که تحول این پسوند با "-اک" نوع دوم متفاوت است. زیرا "-اک" مصدری امروزه در گویش بیرجندی جای خود را به "-یش" داده است و مانند دیگر اسم مصدرهای زبان فارسی با آن رفتار شده است. در نتیجه، این لغت به صورت "پیچش/

پیش " pečeš در آمده است.

اما از سوی دیگر پسوند "ـاک" فاعلی نیز از قدیم در گویش بیرجند در لغاتی مانند "پراک" رایج بوده است. پسوند "ـاک" فاعلی بازمانده از āk- فارسی میانه و āg- پارسی است. این پسوند امروزه نیز به همین صورت در گویش بیرجند رایج است. اما در فارسی معیار و اغلب گویش‌های دیگر ایرانی، این پسوند با حذف "ک" انتهای به صورت "ـا" در آمده است.

منابع

۱. آذری، غلامرضا (۱۳۸۷). *فرهنگ واژگان گویش‌های ایران*. تهران: نشر هزار.
۲. ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۱). *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۳. اسدی طوسی، ابومنصور احمدبن علی (۱۳۸۶). *لغت فرس*. مصحح محمد اقبال. تهران: علمی.
۴. اسعد گرگانی، فخرالدین (۱۳۴۹). *ویس و رامین*. مصحح ماگالی تودوا و الکساندر گواخاریا. تهران: بنیاد فرهنگ.
۵. اشمیت، رودریگر (۱۳۸۶). *راهنمای زبان‌های ایرانی*. مترجم حسن رضایی باغ بیدی. تهران: ققنوس.
۶. انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن (۱۳۷۵). *دستور زبان فارسی ۱*. تهران: فاطمی.
۷. بهار، محمد تقی (۱۳۲۳). "مصدر و اسم مصدر". *مجله دانش*، سال اول، دوره‌ی دوم، ش ۵: ۲۸۷-۳۰۲.
۸. بیدل دهلوی، مولانا ابوالمعالی عبدالقادر (۱۳۷۶). *کلیات*. مصحح اکبر بهداروند و پرویز عباسی داکانی. تهران: الهام.
۹. بیرونی، ابوریحان (۱۳۵۸). *الصیدنة فی الطب*. مترجم ابوبکر کاسانی. مصحح منوچهر ستوده و ایرج افشار. تهران: شرکت افست.
۱۰. تفسیر حزقیال (2007) Gindin.

۱۱. تفضلی، احمد (۱۳۶۰). *درباره سه لغت کهنه فارسی*. فرخنده پیام، یادگارنامه غلامحسین یوسفی، مشهد: ۵۳۵-۵۳۲.
۱۲. چند بهار، لاله تیک (۱۳۸۰). *بهار عجم*. تهران: طلایه.
۱۳. حاجی سید آقایی، اکرم (۱۳۸۸). "لزوم تصحیح مجدد ترجمه تفسیر طبری". معارف (دوره جدید). دوره بیست و سوم. پیاپی ۶۸، ش ۲ (پاییز): ۱۰۹-۱۳۸.
۱۴. حسن دوست، محمد (۱۳۸۹)، *فرهنگ تطبیقی - موضوعی زبان ها و گویش های ایرانی*. نو. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
۱۵. خسرو دهلوی، امیر (۱۳۸۷). *دیوان*. مصحح محمد روشن. تهران: نگاه.
۱۶. خلف تبریزی، محمد حسین (۱۳۷۶). *برهان قاطع*. مصحح محمد معین. تهران: امیرکبیر.
۱۷. دارمستتر، جیمز (بی تا). *وندهای پارسی*. مترجم محمدعلی لوائی. بی جا: بی نا.
۱۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۸). *لغتنامه*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۹. راستارگویوا، و. س. (۱۳۷۹). *دستور زبان فارسی میانه*. مترجم ولیالله شادان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۲۰. رامپوری، غیاث الدین محمد بن شرف الدین (۱۳۷۵). *غیاث اللغات*. مصحح منصور ثروت. تهران: امیرکبیر.
۲۱. رضایی، جمال (۱۳۴۴). "گویش بیرجند به ضمیمه فرهنگ ملاعلی اشرف صبوچی". *مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران*، سال ۱۳، ضمیمه ش ۳: ۱-۱۴۶.
۲۲. ----- (۱۳۷۷). *بررسی گویش بیرجند*. تهران: هیرمند.
۲۳. صادقی، علی اشرف (۱۳۵۰ الف). "مصدر و اسم مصدر در فارسی معاصر". *راهنمای کتاب*، سال چهاردهم. ش ۴ و ۵ و ۶ (مهر و آبان): ۷۷۳-۷۸۰.
۲۴. ----- (۱۳۵۰ ب). «مصدر و اسم مصدر در فارسی معاصر». *راهنمای کتاب*، سال چهاردهم، ش ۹-۱۲ (آذر و اسفند): ۳۰۴-۳۱۰.
۲۵. ----- (۱۳۵۷). *تکوین زبان فارسی*. تهران: دانشگاه آزاد ایران.
۲۶. ----- (۱۳۷۱). "شیوه ها و امکانات واژه سازی در زبان فارسی معاصر (۸)". نشر دانش، سال سیزدهم، دوره ی پنجم، ش دوم (بهمن و اسفند): ۲۲-۳۰.

۲۷. ----- (۱۳۷۲). "شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر". نشر دانش. سال سیزدهم. دوره‌ی پنجم. ش سوم (فروردین و اردیبهشت): ۹-۱۷.
۲۸. ----- (۱۳۸۰). *مسائل تاریخی زبان فارسی*. تهران: سخن.
۲۹. صائب تبریزی، میرزا محمدعلی (۱۳۶۸). *دیوان*. مصحح محمد قهرمان. تهران: علمی و فرهنگی.
۳۰. عراقی، فخرالدین ابراهیم (بی‌تا). *کلیات*. مصحح سعید نفیسی. تهران: کتابخانه سنایی.
۳۱. غالب دهلوی، میرزا اسدالله خان (۱۳۷۶). *دیوان*. مصحح محسن کیانی. تهران: روزنه.
۳۲. فخرالزمانی قزوینی، عبدالنبی (۱۳۴۰). *تذکره میخانه*. مصحح احمد گلچین معانی. تهران: شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبال و شرکاء.
۳۳. قاسمی، مسعود (۱۳۸۲). "پژوهش برخی واژه‌ها در زبان تاجیکی و متون کهن". *نامه پژوهشگاه فرهنگ فارسی*، سال سوم، دوره‌ی دوم (بهار): ۳۴-۶۲.
۳۴. قاسمی، مسعود، و دیگران (۱۳۷۶). *فرهنگ مصادر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی تاجیکستان*. دوشنبه: پژوهشگاه فرهنگ فارسی تاجیکی.
۳۵. قریب، بدرالزمان (۱۳۸۳). *فرهنگ سغدی*. تهران: فرهنگان.
۳۶. اقبال لاهوری، محمد (۱۳۶۱). *دیوان*. تهران: پگاه.
۳۷. معین، محمد (۱۳۴۱). *اسم مصدر - حاصل مصدر*. تهران: امیرکبیر.
۳۸. ناظم الاطبا، علی اکبر (۱۳۱۶). *نامه‌ی زبان‌آموز (نحو و صرف زبان فارسی)*. تهران: بی‌نا.
۳۹. نجم الغنی رامپوری، محمد (۱۹۱۹ م.). *نهج‌الادب*. لکهنو: بی‌نا.
۴۰. نسوی، ابوالحسن علی بن احمد (۱۳۵۴). *بازنامه*. مصحح علی غروی. شیراز: وزارت فرهنگ و هنر، مرکز مردم‌شناسی ایران.
۴۱. نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۷۸). *تذکره نصرآبادی*. مصحح محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
۴۲. نظیری، نیشابوری (۱۳۴۲). *دیوان*. مصحح مظاهر مصفا. تهران: امیرکبیر.
۴۳. همایون فرخ، رکن‌الدین (۱۳۶۴). *دستور جامع زبان فارسی*. تهران: علمی.
۴۴. واصفی هروی، زین‌الدین محمود (۵۰-۱۳۴۹). *بدایع الوقایع*. مصحح الکساندر بلدورف.

تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

45. Benveniste, E. (1929). *Essai de grammaire Sogdienne*, vol. ii. Paris: Morphologie, syntaxe et glossaire Reliure inconnue.
46. Gershevitch, Ilya (1961). *A Grammar of Manichean Sogdian*. Oxford: Basil Blackwell.
47. Gindin, T.E. (2007). *The Early Judaeo- persian Tafsirs of Ezekiel: Text, Translation. commentary, Vol. I: text (Veroffentlichungen zur Iranistik)*. Austrian Academy of Sciences.
48. Henning, W. B. (1937). *A List of Middle Persian and Parthian Words*. BSOS IX.

بازشناسی الگوی معماری و ساختار فضایی خانه‌های اسلامی شهرستان فردوس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۲

حسن هاشمی زرج‌آباد^۱

مرتضی نهاری^۲

چکیده

اسلامیه شهری است در شمال شرقی فردوس که بعد از زلزله سال ۱۳۴۷ خورشیدی در این منطقه تأسیس گردید. خانه‌های این شهر توسط معماران محلی و بدون حمایت و نظارت دولت وقت احداث شد. در این پژوهش سعی بر آن است با ارائه پلان و عکس به توضیح و توصیفی در مورد معماری این خانه‌ها دست یازیم. مطالعات انجام گرفته مؤید این امر است خانه‌های احداث شده بعد از زلزله در این شهر تقریباً دارای پلان یکسان بوده و به صورت خانه‌باغ بنا شده‌اند و ساختار فضایی شامل ایوان ورودی، هشتی، دالان، حیاط، اتاق‌هایی با کارکردهای مختلف و باغی که ساختمان در آن قرار گرفته، می‌باشد. مصالح به کار رفته در خانه‌های اسلامی اکثراً بوم آورد است از قبیل خشت و گل و آجر؛ جهت خانه‌ها همگی بدون استثنا شمال غربی - جنوب شرقی (رون اصفهانی) بوده این خانه‌ها در بعد از زلزله - خلاف خانه‌های سازمانی که توسط دولت در فردوس ساخته شده بود- از نمونه خانه‌های قبل از زلزله فردوس الگو گرفته است. خانه‌های تاریخی فردوس که کاملاً با اوضاع اجتماعی، معیشتی و اعتقادی مردم و خصوصاً شرایط اقلیمی منطقه متناسب بوده الگویی برای خانه باغ‌های تازه تأسیس بعد از زلزله در اسلامیه است.

واژگان کلیدی: الگوی معماری، ساختار فضایی، خانه باغ‌های اسلامیه، فردوس

مقدمه

شهرستان فردوس^۱ در شمال غربی استان خراسان جنوبی و در اقلیم حاشیه کویر قرار دارد. نام قدیم فردوس "تون" بوده و براساس منابع تاریخی همواره در منطقه مرکزیت داشته است. آثار معماری زیادی مربوط به دوران اسلامی در شهر قابل مشاهده است. جهانگردان و سفرنامه‌نویسانی که از این شهر گذشته‌اند توصیفات از آن ارائه داده‌اند. وجب به وجب شهر فردوس و آبادی‌های اطرافش را معماری خشتی تشکیل می‌داد که خشت خشتش را مردمان زحمت‌کش و هنرمند این دیار برپا کرده بودند (نهارى و عنانى، ۱۳۹۳: ۱۵).

اما زلزله‌ای که در سال ۱۳۴۷ شمسی رخ داد، باعث ویرانی شهر شد و مردم فردوس بر سر محل جدید تأسیس شهر، دچار اختلاف و دو دستگی شدند. یک گروه خواستار آن شدند که شهر در همان محل قدیمی و مناطق مجاورش احداث شود. اما گروهی دیگر از مردم که اکثراً قشر کشاورز و دامدار بودند خانه‌های خود را در فاصله‌ای بالاتر از محل شهر قدیم و در نزدیک باغ‌ها و مزارع ساختند و شهری جدید به نام اسلامیة تأسیس کردند. اهالی اسلامیة، خانه‌هایی ساختند که از هر جهت شباهت زیادی با خانه‌های قبل از زلزله فردوس داشت. مصالح مشابه، ساختار فضایی و پلان یکسان و جهت شمال غربی - جنوب شرقی در خانه‌های تازه تأسیس اسلامیة و خانه‌های قدیمی فردوس وجود دارد. در این پژوهش سعی شده است که با توصیف و تحلیل معماری خانه‌های تاریخی و خانه‌های احداث شده بعد از زلزله ۱۳۴۷ شمسی به مقایسه این دو نوع بپردازیم. بر این اساس، ابتدا به توصیف معماری خانه‌های تاریخی فردوس پرداخته می‌شود و در ادامه، خانه‌های اسلامیة را بررسی می‌کنیم. سپس وجوه مشترک بین این دو نوع را بیان کرده و در پایان به یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی می‌رسیم. علاوه بر این با

۱. شهرستان فردوس واقع در شمال غربی استان خراسان جنوبی بین ۳۳ درجه و ۲۱ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۲۱ دقیقه عرض شمالی و ۵۷ درجه و ۳۳ دقیقه تا ۵۸ درجه و ۲۸ دقیقه طول شرقی واقع شده است ۱۰ این شهرستان از شمال با شهرستان بردسکن از شرق با شهرستان گناباد، از جنوب با شهرستان سرایان و از غرب با شهرستان طبس و بشرویه محدود می‌شود، مساحت شهرستان ۵۶/۵۱۰ کیلومتر مربع و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۲۹۳ متر است، نوع اقلیم منطقه گرم و خشک و پوشش گیاهی آن استپی تنک می‌باشد. این شهرستان در فاصله ۱۹۷ کیلومتری بیرجند (مرکز استان) قرار دارد (سایت فرمانداری شهرستان فردوس)

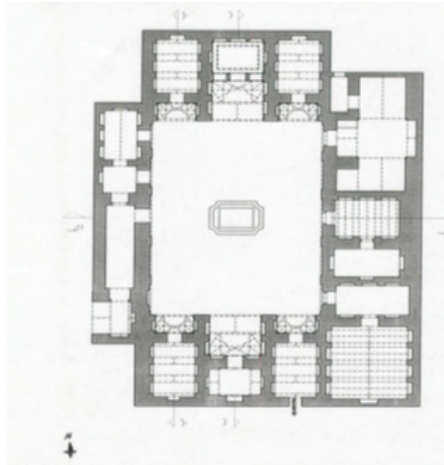
تشریح ساختار فضایی این خانه‌ها در این تحقیق به این پرسش کلی پاسخ گفته شده که الگوی معماری در ساخت خانه باغ‌های اسلامی چه بوده است؟ تحقیق حاضر از نوع توصیفی و تحلیلی است و جهت بازشناسی الگوی معماری و ساختار فضایی خانه‌های اسلامی شهرستان فردوس، از ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و مشاهده میدانی از خانه‌های مورد مطالعه استفاده گردیده است.

خانه‌های تاریخی فردوس

زلزله‌ای که در سال ۱۳۴۷ شمسی در فردوس رخ داد باعث ویرانی بسیاری از ابنیه تاریخی این منطقه شد. در بناهای عام‌المنفعه و عمومی تحت حمایت دولت و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در چند دوره مورد مرمت و بازسازی قرار گرفتند. ولی خانه‌هایی که مالکیت شخصی داشتند به علت نداشتن حامی، مرمت نشده و تا همین سال‌های اخیر روز به روز آسیب بیشتر دیدند. در این اواخر، این خانه‌ها به ثبت آثار ملی درآمده و مورد بازسازی قرار گرفتند. این ساختمان‌ها آسیب فراوان دیده‌اند ولی با این وجود، شاکله اصلی بنا هنوز حفظ شده و قابل مشاهده است. خانه‌های بدیعی (شکل ۱)، یاحقی، کباری، راهی و ... از نمونه خانه‌هایی هستند که در محله‌های قدیمی فردوس هنوز پابرجا هستند.

این خانه‌ها اکثراً در جهت شمال غربی - جنوبی شرقی ساخته شده‌اند و بعضاً دو ایوانه هستند. ایوان شمالی معروف به صفه آفتاب و ایوان جنوبی معروف به صفه نسر می‌باشد. در این منازل، اتاقی پشت ایوان‌ها ساخته می‌شده که در ضلع جنوبی، تابستان نشین بوده و اتاق پشت ایوان شمالی، در زمستان استفاده می‌شده و سقف آن نسبت به بقیه اتاق‌ها کوتاه‌تر بوده است و از اصولی‌ترین نکات هندسی در این منازل، رعایت اصل تقارن در طول حیاط بوده است. در وسط حیاط معمولاً حوضچه‌ای قرار می‌دادند که از لوله‌های سفالی آب را از جوی‌های بیرون وارد آن می‌کردند که این باعث ایجاد تعادل هوا و ایجاد رطوبت داخل منزل می‌شد. علاوه بر آن، در فردوس پیش از زلزله هر جز فضای داخلی خانه بر حسب عوامل اقلیمی و برای منظوری خاص سازمان یافته بود.

مصالح ساختمانی، ضخامت دیوارها، پوشش پشت‌ها و سطوح جانبی بناها، انتخاب جبهه بناها و دو سمتی بودن اتاق‌های مسکونی در رابطه با حرکت خورشید، از عواملی بودند که به اقتضای محیط خشک و سوزان تابستانی یا اقلیم سرد زمستانی منطقه، پاسخگوی نیازهای حیاتی به‌شمار می‌رفتند (همان: ۱۰۲).



شکل ۱) پلان خانه بدیعی واقع در شهر تاریخی تون
(مأخذ: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی)

خانه‌باغ‌ها

اسلامیه شهری در شمال شرقی فردوس است. این شهر بعد از زلزله ۱۳۴۷ خورشیدی تأسیس شده است (شکل ۲). بعد از زلزله مردم فردوس بر سر محل تأسیس شهر جدید، به اختلاف رسیدند. به این صورت که بازاریان و کارمندان دولتی خواهان تأسیس شهر در همان محل قدیمی و چند صد متر بالاتر بودند، اما کشاورزان و زمین‌داران که توسط روحانیت محلی رهبری می‌شدند خواستار آن بودند که شهر جدید را در چند کیلومتر بالاتر از محل قدیمی خود و نزدیک باغات و مزارعشان تأسیس کنند. با این اوضاع مردم دو دسته شدند اما کارمندان دولتی که نفوذ بیشتری در دستگاه حکومتی داشتند بر این ماجرا غالب آمدند و نهایتاً قرار بر این شد که شهر فردوس را در همان محل قدیمی

خود برپا سازند. اما گروه دوم به رهبری روحانی مردمی حاج آقا دانش سخنور، در محل باغ‌های مقصودآباد و بهشت‌آباد به خانه‌سازی پرداختند و شهرکی جدید بنیان نهادند به نام اسلامیة. اقتصاد شهر اسلامیة مبتنی بر کشاورزی و دامداری بوده و اهالی از این طریق امرار معاش می‌کنند. محصولات اصلی در کشاورزی این شهر زعفران و انار است. اسلامیة بافت شهری منحصر به فردی در میان شهرهای کویری دارد، به این صورت که چند راسته خیابان عریض به صورت موازی در جهت شمالی شرقی قرار گرفته‌اند و راه‌های باریکی این خیابان‌ها را به هم متصل کرده است. خانه‌ها در باغ‌های اناری که در این خیابان‌ها قرار دارند ساخته شده‌اند. وجود همین باغ‌ها باعث می‌شود که از حالت متراکم و فشرده که مختص بافت شهرهای کویری است خارج شود. خانه‌های اسلامیة توسط معماران محلی ساخته شده و این وجه تمایز بارزی با خانه‌های نوساز فردوس بعد از زلزله که توسط دولت ساخته شده، می‌باشد.



شکل ۲) عکس هوایی محدوده مشخص شده از بالا به پایین: اسلامیة، فردوس بعد از زلزله، شهر

قدیم فردوس (مأخذ: maps.google.com)

خانه‌هایی که در داخل باغ‌های اسلامیة ساخته شده - ما آن‌ها را خانه‌باغ می‌نامیم - از هر لحاظ شباهت زیادی به خانه‌های قبل از زلزله فردوس دارند. نگاهی به معماری و فضای ساختاری این خانه‌ها، این موضوع را روشن‌تر می‌سازد. پلان خانه‌های اسلامیة دارای تمام عناصری که در خانه‌سازی دوران اسلامی به آن اشاره کردیم هستند. عناصری

از قبیل اجزای ورودی، حیاط، اتاق، ایوان و ... این خانه‌باغ‌ها گویی حاصل تجربه صدها ساله بنایان و معماران محلی بود که از هر جهت با مردم و اقلیم فردوس سازگاری دارند. هر چند در سال‌های اخیر این خانه‌ها کمتر مورد سکونت قرار می‌گیرند و اهالی به بازسازی خانه‌های خود با مصالح با دوام‌تری مانند آهن، آجر و سیمان پرداخته‌اند، اما هنوز هم خانه‌باغ‌هایی به‌صورت پراکنده در اسلامیه قابل مشاهده است. از این گروه می‌توان به خانه‌هایی چون مزدستان، نظری، اصلی و ... اشاره کرد.



شکل ۳) عکس هوایی از خانه باغ‌های اسلامیه (مأخذ: maps.google.com)

ساختار فضایی خانه‌باغ‌ها^۱

شکل و پلان بنا

در خانه‌های فردوس پلان درون‌گراست^۲ و تمام اتاق‌ها را دور حیاط مرکزی ساخته‌اند.

۱. مهمترین اندام‌های خانه سنتی عبارتند از: درآیگاه، هشتی، دالان، فروار، میانسرا، اتاق‌ها، مطبخ، تالار، بروار و گوشوار (معماریان، ۱۳۸۷: ۱۴۵-۱۴۷).

۲. معماران ایرانی با ساماندهی اندام‌های ساختمان در گرداگرد یک یا چند میانسرا، ساختمان را از جهات بیرون جدا می‌کردند و تنها یک هشتی این دو را به هم پیوند می‌داد. خانه‌های درون‌گرا در اقلیم گرم و خشک، هم‌چون بهشتی در دل کویر هستند، فضای درون‌گرا مانند آغوش گرم بسته است و از هر سو رو به درون دارد. خصوصیت درون‌گرایی واحدهای مسکونی در جوامع اسلامی، که خانواده در آن از حرمت و درون‌گرایی خاص برخوردار است، با فرهنگ جامعه کاملاً سازگار بوده و تحت تأثیر آن نیز کمابیش تا عصر جدید تداوم یافته است (ریمون، ۱۳۷۰: ۳۶).

در این مناطق، درجه حرارت در منطقه بسیار زیاد است. میزان رطوبت هوا کمتر از حد آسایش انسان است. هم‌چنین تابش آفتاب و حرارت آن در تابستان، محیطی گرم و سوزان ایجاد می‌کند و بادهای پر گرد و غبار کویری که در برخی از روزهای سال در جریان است، مخل آسایش می‌شود. لذا با ایجاد یک حیاط مرکزی در وسط ساختمان و تعبیه حوض آب و احداث باغچه، باعث افزایش رطوبت شده و دیوارهای خشتی و آجری قطور مانند یک خازن حرارتی نوسان درجه حرارت در طی شبانه‌روز را کاهش می‌دهد. کلیه بازشوها^۱ رو به فضای نسبتاً مرطوب و معتدل حیاط و مسدود نمودن جداره خارجی تا حد امکان قطع شده و یک فضای مناسب برای آسایش ساکنین فراهم می‌آورد. اما اسلامی به دلیل این که هوای نسبتاً خنک‌تری به هوای فردوس دارد و به جهت این که ساختمان در داخل باغ قرار می‌گیرد نمی‌تواند پلان درون‌گرا^۲ داشته باشد و ساختمان در ضلع رو به باغ، باز است. این یکی از تفاوت‌های بین خانه‌باغ‌های اسلامی و خانه‌های تاریخی فردوس است.

جهت قرار گرفتن بنا

یکی از مسائل مهم مربوط به شهرسازی، جهت قرارگیری خانه یا رون است. این مربوط به آب و هوا، طرز تابش، جهت وزش (باد مطبوع، طوفان، گرد و غبار و ...) و مکان قرارگیری و جنس زمین می‌شده است. معماران ایرانی در کل سه جهت را در نظر می‌گرفته‌اند: رون راسته، رون اصفهانی و رون کرمانی. رون اصفهانی جهت شمال غربی - جنوب شرقی است. رون راسته شمال شرقی - جنوب غربی و رون کرمانی یک جهت شرقی - غربی دارد (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۵۴-۱۵۵).

در بافت قدیم شهر فردوس، خانه‌ها جهت شمال غربی - جنوب شرقی دارد و این باعث می‌شود خانه به دو قسمت تابستان‌نشین و زمستان‌نشین تبدیل گردد. از آن جا که اتاق‌های ضلع شمالی آفتاب‌گیر بوده و از گرمای آفتاب بهره می‌برده، در زمستان مورد

۱. پنجره‌ها

۲. اصولاً در ساماندهی اندام‌های گوناگون ساختمان و بویژه خانه‌های سنتی، باورهای مردم بسیار کارساز بوده است. یکی از باورهای مردم ایران، ارزش نهادن به زندگی خصوصی و حرمت آن و نیز عزت نفس ایرانیان بوده که این امر به گونه‌ای معماری ایران را درون‌گرا ساخته است (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۳۵)

استفاده قرار می گرفته است. جدای از آفتاب گیر بودن، ضلع شمال غربی جهت وزش باد در آن، زمستانی است که اهالی آن را "سیه باد" می نامند. این باد از شمال غربی می وزد و باعث سرمای شدید می شود. طبیعتاً این مهم نیز در جهت قرار گرفتن بنا تأثیرگذار بوده است. اما ضلع جنوب شرقی به دلیل پشت به آفتاب بودن در تابستان استراحتگاه ساکنین قرار می گرفته است. در ضلع جنوبی ساختمان ها عناصری چون بادگیر، ایوان و سردابه قسمت ساخته می شده است. ارتفاع سقف در این قسمت از ساختمان بیشتر بوده تا در گرمای تابستان، تعدیل جریان هوا راحت تر صورت گیرد. یکی از معایبی که در برخی خانه باغ های اسلامی می توان یافت همین جهت خانه بوده است. مردم اسلامی در بدو خانه سازی بعد از زلزله، خانه های خود را در جهت شمال غربی و جنوب شرقی ساخته اند، این باعث شده است در خانه های شمالی، ساختمان پشت به آفتاب و در جهت رو به سیه باد قرار گیرد و موجب سرد شدن خانه در فصل زمستان و پاییز می شده است. البته این ایراد که فقط در برخی خانه ها، باعث آزار اهالی ساختمان می شده در سال های بعد بر طرف گردیده و ساختمان را از نو و رو به آفتاب ساخته اند.

سازه های طاقی

در خانه باغ های اسلامی از آهن استفاده نشده است و برای پوشش های مسطح از چوب بهره برده اند. لیکن بام خانه های اسلامی اکثراً به صورت گنبدی است. یکی از دلایل این امر، اقلیم و پوشش گیاهی منطقه است که فاقد درختان زیاد است. در این شهر، سقف و بام خانه ها از خشت خام و گل ساخته می شود. به دلیل کمبود بارندگی و کمبود چوب، بام خانه ها غالباً دارای پوشش طاق و گنبد است. سقف گنبدی و قوس دار علاوه بر ایجاد سایه بر روی بدنه گنبد، باعث ایجاد سایه در محوطه پیرامون گنبد می شود و بدین ترتیب، بیش از نیمی از مساحت پشت بام در ساعات گرم بعد از ظهر در سایه قرار می گیرد.

هم چنین سطح منحنی و قوس دار طاق بام، باعث انعکاس بیشتر تابش خورشید شده و در نتیجه، باعث کاهش جذب حرارت می شود و زمانی که پوشش قوس دار و گنبدی

است، سطح بیشتری از بام در معرض وزش باد و نسیم واقع می‌شود. بام‌های گنبدی شکل به علت برجستگی که دارند همواره در معرض وزش نسیم قرار می‌گیرند. این در کم کردن گرمایی بام که در اثر تابش خورشید انجام می‌گیرد مؤثر است (توسلی، ۱۳۸۱: ۶۷). چنان‌که اشاره شد در خانه‌باغ‌های اسلامی عناصر شکلی قابل مشاهده است که در معماری سنتی منطقه بویژه در خانه‌های دوره قاجار فردوس وجود داشته است. در این جا به تشریح این عناصر و ساختار فضایی خانه‌باغ‌ها پرداخته می‌شود.

در اکثر خانه‌های فردوس این عناصر دیده می‌شود: ۱- فضای ورودی ۲- هشتی ۳- راهروی ورودی ۴- ایوان ۵- میانسرا ۶- اتاق (شکل ۷)

۱- فضای ورودی

فضای ورودی، یک فضای رابط و اتصال دهنده است، زیرا بسیاری از بناها به‌خصوص بناهای قدیمی درون‌گرای واقع در بافت‌های پیوسته از لحاظ شکلی، کارکردی و بصری غالباً تنها از طریق فضای ورودی با معبر یا سایر فضاهای عمومی، پیوند و ترکیبی فعال می‌یافته‌اند، چون بیشتر این‌گونه بناها، فاقد نماهای بیرونی طراحی شده‌ای بودند. به این سبب فضای ورودی یک فضای ارتباطی و اتصال دهنده یک بنا با محیط پیرامونش می‌باشد (سلطان زاده، ۱۳۷۲: ۷۲). در خانه‌باغ‌های اسلامی، فضای ورودی شامل ایوان، درب هشتی و دالان L شکل است. در جلوی هر خانه‌باغ، ایوان ورودی به اشکال مختلف وجود دارد و درب ورودی چوبی در یکی از اضلاع ایوان تعبیه می‌شده است. معمولاً در این ایوان، سکوهایی نیز ساخته می‌شده است. از دیگر ویژگی‌های این ایوان‌ها، تزیینات آجرکاری به‌صورت رخ‌بام بوده است. در خانه‌باغ‌ها تنها جایی که از آجر استفاده شده همین ایوان ورودی بوده است (شکل ۴). در برخی موارد بعد از درب ورودی فضای هشتی قرار داشت، ولی بعضی از خانه‌ها هشتی نداشته و مستقیم به دالان خانه راه می‌یافته است. دالان با یک گردش ۹۰ درجه به حیاط متصل می‌شده است. اصلی‌ترین کارکرد این فضای ورودی گسترده، توجه به اصل محرمیت^۱ بوده است.

۱. مراد از محرمیت در فضای معماری و شهرسازی، شکل دادن به فضا به گونه‌ای است که دارای حریم از دوجنبه شکلی و معنایی باشد. حریم داشتن در حوزه شکل فضایی بیشتر متمرکز بر اصولی است که امنیت فضا را شکل



شکل ۴) ایوان ورودی در خانه‌باغ‌ها (نگارندگان: ۱۳۹۳)

۲- هشتی یا کریاس: اکثر افراد می‌پندارند که هشتی باید هشت ضلع داشته باشد. ولی در واقع منظور از هشتی آن چیزی است که از فضای داخلی خانه بیرون آمده و تنها جایی است که با بیرون خانه ارتباط دارد. ایجاد مکث، تقسیم فضایی و فضایی جهت انتظار از عملکردهای این عنصر است (پیرنیا، ۱۳۸۷: ۱۶۰). هشتی در خانه‌های فردوس فضایی کوچک و اغلب مربع شکل بوده است.

۳- دالان یا راهرو: راهرویی که در خانه‌های دوره قاجار فردوس معمولاً با یک زاویه ۹۰ درجه از هشتی شروع می‌شود و با زاویه ۹۰ درجه دیگر به حیاط منتهی می‌شود.

۴- حیاط یا میانسرا

اساساً در خانه‌باغ‌های اسلامی فضایی به نام حیاط وجود نداشته و معمولاً آن فضای جلو اتاق‌ها را پیش یا جلو باغ می‌گفتند. کف حیاط‌ها، معمولاً از آجر استفاده شده است. حیاط خانه‌باغ‌ها به دلیل وجود باغ گلکاری نداشته است (شکل ۵).

خواهند داد و در حیطة معنایی، ویژگی‌هایی است که حرمت و ارزش را برای فضای معماری به ارمغان می‌آورد به گونه‌ای که فرد به آرامش برسد (سیفی‌ان و محمودی، ۱۳۸۶: ۶).

۵- ایوان

ایوان در خانه‌باغ‌های اسلامی با اندکی تغییر نسبت به خانه‌های تاریخی فردوس و با ظرافت خاصی اجرا شده است، به گونه‌ای که در نگاه اول به ساختمان، اثری از ایوان دیده نمی‌شود، ولی با دقت کمی می‌توان جایگاه آن را درک کرد. فضایی که از سه طرف دیوار دارد و از یک طرف، رو به باغ باز است. تفاوت این ایوان با ایوان خانه‌های تاریخی فردوس در این است که طرف رو به باغ را نیز دربی آهنی گذاشته‌اند و همین امر است که موجب می‌شود در نگاه اول نتوان تشخیص داد که این فضا همان ایوان خانه‌های تاریخی است. ایوان کارکرد تقسیم فضاها را نیز داشته است و در دو یا سه ضلع به اتاق‌های اطراف راه داشته است. مردم اسلامی این فضا را به نام سالون (سالن) می‌شناسند (شکل ۶).

۶- اتاق‌ها

یکی از ویژگی‌های خانه‌باغ‌های اسلامی، شمار زیاد اتاق‌هاست که کارکردهای گوناگون داشته است. اتاق‌های نشیمن، مهمان‌خانه، مطبخ، آشپزخانه، انبار نگهداری علوفه و محصولات کشاورزی مانند گندم و جو، گارگاه قالی‌بافی و نهایتاً اتاق‌هایی که به‌عنوان طویله و آغل استفاده می‌شده است. اتاق‌ها در سه طرف حیاط‌ها قرار داشته و ضلع چهارم حیاط باغ بوده است. در هر ساختمان یک اتاق مخصوص سکوت تابستانی بوده که در بامش، بادگیر کوچکی تعبیه می‌کردند. اتاق‌هایی که ضربی^۱ پوشش می‌شده‌اند معمولاً از دو حالت خارج نبوده‌اند؛ اتاق طولی شکل را به صورت هلالی مسقف می‌کرده و اتاق مربع شکل به‌صورت چهار ترک^۲ پوشش یافته‌اند. استفاده از تویزه‌های گچی نیز رایج بوده که در بین معماران قدیمی منطقه به "لنگه‌های گچی" معروف است.

۱. منظور از ضربی در اینجا اصطلاحی است که معماران محلی از آن استفاده می‌کنند. معماران قدیمی فردوس اصلاح پوشش ضربی را در مقابل پوشش مسطح چوبی به‌کار می‌برند (زمرشیدی، ۱۳۸۲: ۱۹۴).

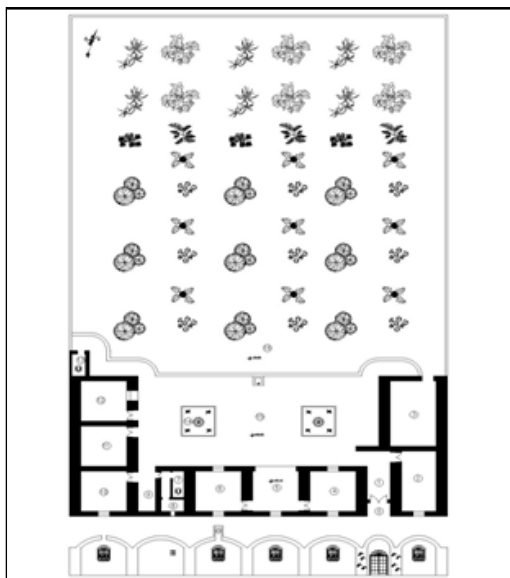
۲. در این پوشش که پیشرفت از چهار ضلع شروع و ادامه می‌یابد و ترک‌ها به یکدیگر بسته می‌شوند، فصل مشترک به قطرها محدود می‌شود. این شکل از پوشش اصولاً برای نقشه مربع و گاهی برای نقشه مربع مستطیل نیز استفاده می‌شود. این تاق بدون قالب بوده و تنها از یک قالب نازک ساخته شده از نی و گچ به‌عنوان الگو در محل هم‌رسی چهار تکه تاق استفاده می‌شود؛ در این تاق چهار ترک را به‌طور هم‌زمان و با یک تکیه بر هم اجرا می‌نمایند (همان: ۲۰۸).



شکل ۵) حیاط و اتاق‌های اطراف خانه‌باغ‌ها، در این تصویر آجرکاری کف حیاط نیز قابل مشاهده است (نگارندگان: ۱۳۹۳)



شکل ۶) نمونه ورودی یک سالن یا ایوان (نگارندگان: ۱۳۹۳)



شکل ۷) پلان عمومی خانه‌باغ اسلامی (نگارندگان: ۱۳۹۳)

مصالح

عمده‌ترین و قابل توجه‌ترین ویژگی مصالح ساختمانی، ظرفیت و مقاومت حرارتی آن است. مهم‌ترین ویژگی مصالح ساختمان به شرایط اقلیمی محیط آن بستگی دارد. از این‌رو، ویژگی‌های لازم برای مصالح ساختمانی در مناطق اقلیمی گوناگون متفاوت است. در بعضی مناطق که شاهد دو فصل بحرانی هستیم، یعنی زمستان‌های بسیار سرد و تابستان‌های بسیار گرم، مقاومت و ظرفیت حرارتی مصالح باید به گونه‌ای باشد که نیازهای هر دو فصل را تأمین کند (کسمایی، ۱۳۸۵: ۱۱۱).

مصالح مورد استفاده در مناطق گرم و خشک عمدتاً گل، خشت و آجر است. این مصالح از نظر اقلیمی عملکرد خوبی دارند، زیرا در طی روز دیر گرم می‌شوند و شب هنگام دیر حرارت خود را پس می‌دهند که باعث تعدیل نوسان حرارت در طی شبانه‌روز در ساختمان می‌شوند (قبادیان، ۱۳۸۵: ۱۴۲). اصلی‌ترین مصالح در خانه‌های تاریخی فردوس و هم‌چنین خانه‌باغ‌های اسلامی خشت بوده است. این خشت‌ها مکعب مستطیل

بوده و در ابعاد $25 \times 25 \times 5$ شناخته شده‌اند. آجر را به‌ندرت و فقط در سردر ورودی خانه‌ها به‌کار برده‌اند. استفاده از گچ نیز اغلب در فضاهای داخلی بناها صورت می‌گرفت و پوشش‌های خارجی به خاطر رنگ بیش از حد شفاف گچ و احتمال تغییر رنگ آن در اثر تماس با نور آفتاب و گرد و خاک، به‌صورت مخلوطی از گچ و خاک و یا استفاده از آهک و خاک به‌جای گچ بوده است.

ملات کاهگل آسان و ارزان به‌دست می‌آمده و ماهرانه به‌کار می‌رفته است. روشنی رنگ کاهگل گرمای تابشی رنگ خورشید را برمی‌گرداند. زمان عبور گرمای دیوارهای خشتی در شرایط اقلیمی گرم و خشک مناسب است (توسلی، ۱۳۸۱: ۸۴). این ملات در مقابل سرما و گرما عایق خوبی است و اگر اصولی ساخته شود، مقاومت کرده و بنا را به خوبی محافظت خواهد کرد. این ملات از مخلوط کاه و خاک رس به‌دست آمده و پس از اضافه کردن آب در آن به‌صورت آخوره و رهاسازی مخلوط بین ۱۲ تا ۲۴ ساعت و در بعضی از مناطق ۲ تا ۳ روز طول می‌کشد. پس از ورز^۱ کامل، ملات به‌صورت خمیری چسبنده به‌دست می‌آید. از این ملات به دو صورت اندودکاری دیوارهای داخلی و خارجی بناها و هم‌چنین به‌عنوان یک عایق رطوبتی در پشت‌بام استفاده می‌شد. از دیگر ملات‌های مورد استفاده در معماری فردوس ساروج و قوم‌آهک^۲ است.

نتیجه

با توجه به آن‌چه گفته شد خانه‌های اسلامی که توسط خود مردم و معماران محلی در باغ‌ها ساخته شده‌اند، به هر جهت نمونه‌برداری کاملی از خانه‌های تاریخی قبل از زلزله فردوس هستند. ویژگی کلی مشترک بین خانه‌های تاریخی فردوس و خانه‌های اسلامی را این‌گونه می‌توان برشمرد:

- داشتن عناصری از قبیل هشتی، ایوان ورودی، دالان، اتاق‌های زیاد تو در تو، بادگیر

۱. مخلوط کردن

۲. قوم‌آهک ملاتی است که از افزودن درصدی آهک به ماسه به‌دست می‌آید. حدود ۲۰ درصد از این ملات، آهک است و بقیه آن را شن و ماسه‌ای که از کف رودخانه جمع می‌کردند تشکیل می‌دهد. این شن خالص نبوده و مقداری خاک با آن مخلوط بوده است که باعث چسبندگی بیشتر ملات می‌شده است (همان: ۳۷)

و

- بام‌های گنبدی شکل، دیوارهای قطور، وجود رف و طاقچه

- جهت شمال غربی - جنوب شرقی (رون اصفهانی)

- استفاده از مصالح بوم‌آورد، از قبیل خشت و گل و گچ و آجر

- اندود دیوارها با ملات کاهگل

خانه‌های اسلامی از هر لحاظ تناسب زیادی با شرایط اقلیمی منطقه و ویژگی‌های فرهنگی مردمش دارد. از یک طرف، با ویژگی‌هایی از قبیل جهت خانه، عناصر ساختمانی، ویژگی‌های معماری (بام‌های گنبدی و منحنی، قطور بودن دیوارها)، استفاده از مصالح سازگار با اقلیم گرم و خشک، متناسب با اقلیم منطقه هستند. از طرف دیگر، تعدد اتاق‌ها با کارکردهای گوناگون با الگوی معیشتی مردم سازگار بوده است. مردمی که زندگی خود را با دامداری و کشاورزی اداره می‌کردند مصرف‌گرا نبوده، بلکه محصولات خود را نیز به بازار عرضه می‌کردند. اتاق‌هایی به‌عنوان مطبخ، انبار نگهداری محصولات کشاورزی مانند گندم و جو، آغل و طویله برای نگهداری دام و طیور، در خانه‌ی چنین مردمی ضروری می‌نماید. وجود هشتی و دالان ورودی در این خانه‌ها توجه به اصل حریمیت است و نشان از نوعی اعتقادات مردم فردوس در روابط اجتماعی‌شان است. این سازگاری‌های اقلیمی، معیشتی و اجتماعی در خانه‌باغ‌های اسلامی زمانی واضح‌تر نشان داده می‌شود که نگاهی به نوع معماری خانه‌های تازه تأسیسی که دولت در شهر فردوس ساخته است، بیاندازیم. این خانه‌ها که ملاک زمان در فرایند ساخت آن‌ها تأثیر زیادی داشت و باید هر چه سریع‌تر برای اهالی احداث می‌شد و همین امر، از کیفیت خانه‌ها بسیار می‌کاست. مصالح مورد استفاده در ساخت این خانه‌ها، آجر و آهن و ملات سیمان بود. این خانه‌ها تشکیل شده بود از سه الی پنج اتاق شش متری با یک حیاط کوچک. نمای بیرونی خانه‌ها با سیمان سفید اندود می‌شد و سقف خانه‌ها آهن‌پوش و مسطح بود. عایقی از قیر و گونی برای جلوگیری از نفوذ رطوبت به داخل ساختمان به آن افزوده می‌شد. فضای داخلی با گچ‌اندود شدن بدون تعبیه هیچ‌گونه طاقچه و رفی در داخل دیوارها که بتوان از آن استفاده کرد قابل مشاهده بود. با مقایسه این دو نوع خانه‌سازی پس

از زلزله می‌توان دریافت که خانه‌باغ‌های اسلامی که توسط خود مردم ساخته شده‌اند، شرایط مقبول‌تری نسبت به خانه‌های سازمانی دولت در فردوس دارند.

منابع

۱. توسلی، محمود (۱۳۸۱). *ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک*. تهران: پیام و پیوند نو.
۲. پیرنیا، کریم (۱۳۸۷). *سبک‌شناسی معماری ایرانی*. تصحیح غلامحسین معماریان. تهران: سمت.
۳. زمرشیدی، حسین (۱۳۸۲). *معماری ایران، مصالح‌شناسی سنتی*. تهران: زمرد.
۴. ریمون، آندره (۱۳۷۰). *شهرهای بزرگ عربی اسلامی در قرن‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری*. ترجمه حسین سلطان زاده. تهران: ریمون.
۵. سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۲). *فضاهای ورودی در معماری سنتی ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی.
۶. سیفیان، محمدکاظم؛ محمودی، محمدرضا (۱۳۸۶). "محریت در معماری سنتی ایران". *هویت شهر*، سال اول، ش ۱ (پاییز و زمستان): ۳-۱۴.
۷. کسمائی، مرتضی (۱۳۸۵). *اقلیم و معماری*. ویراسته محمد احمدنژاد. تهران: نشر خاک.
۸. معماریان، غلامحسین (۱۳۸۷). *آشنایی با معماری مسکونی ایران، گونه‌شناسی درون‌گرا*. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
۹. مکی‌نژاد، مهدی (۱۳۸۷). *تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی، تزئینات معماری*. تهران: سمت.
۱۰. میربلوکی، مرتضی (۱۳۸۴). گزارش ثبتی خانه بدیعی در فهرست آثار ملی. بیرجند: اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی [چاپ نشده].
۱۱. قبادیان، وحید (۱۳۸۵). *بررسی اقلیمی/بنیه سنتی ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. نهاری، مرتضی؛ عنانی، بهرام (۱۳۹۳). *فردوس؛ اقلیم معماری اسلامی*. تهران: فکربرگر؛ حوزه هنری خراسان جنوبی.

The Inspection of External Form and Content of Khorshid Newspaper (Constitutionalism Period)

Bitarafan, Mohammad ¹

Abstract

The constitutionalism revolution bring out the suitable environment for the acceleration of news transmission and partly the growth of public awareness. For this reason, the free newspapers was one of the important achievements of constitutionalism revolution. This statement follows two main goals. One of them is the inspection of external form of the newspaper; such as print typing, letter, newspaper structure, and...., and the other is the investigation and analyzing main political and social matters of Khorasan state. The findings of research indicates that the Khorshid newspaper despite the existence of Besharat newspaper, was the important daily paper in Mashhad in constitutional period. This newspaper beside the attention to urban and suburban matters uses various political, satire and scientific articles proceed conspicuously and clearly the public opinions. The methodology of this paper is descriptive-analytic and on the basis of external form and content study of the Khorshid newspaper.

Key Words: Khorshid Newspaper, Mashhad, Khorasan, Constitutionalism.

1. PhD Student in Islamic Iran History of Kharazmi University. std_mbitarafan@khu.ac.ir

The Inspection of the Relation between Social Reliance and Job Satisfaction of the Teachers of Mashhad City

Hajizadeh Meymandi, Masood ¹

La'l Sajadi, Seyyed Mahmoud ²

Abstract

The definition of job satisfaction briefly is the positive and pleasant attitude of individual from his/her occupation. For the reason of accomplishing various existing organization's goals in a society, it is necessary that its staffs enjoy the pleasant job satisfaction and the teachers as an educated stratum who assume the responsibility of decisive role in training human forces and also the promotion of cultural-social environment of the society, for performing of their role and functions, it is necessary that they enjoy enough job satisfaction. Social reliance which is defined as the confidence level and joint affections of the involved persons in a social relation, has taken into account as the important dimensions and social capital factors and the teachers as one of the effective groups and social resort are in needs to enjoy enough social reliance in order to be able in better fulfilling of their mission and responsibilities. The present research has been practiced the rate of social confidence and its relation to the rate of job satisfaction of the teachers of Mashhad city. The research methodology is survey scale one and its statistical community were all of the regular teachers who were teaching in the curriculum sessions of elementary course, guidance and high school courses from Mashhad city which their numbers are 18828 and

1. Associate Professor in Sociology of the University of Yazd. The responsible writer, masoudhajizadehmeymandi@gmail.com

2. MA in Sociology, Teacher of Secondary Schools of Mashhad.

among them 298 people has been selected as a sample case on the basis of Cocaran Formula. The method of sampling is the suitable classification in multi stage model. The main data collection methodology in this research has been accomplished in the form of questionnaires which were enjoyed appropriate status of admissibility and permanency. The admissibility weighting is of conceptual one namely referring to the experts who were mainly the university professors from the department of social sciences and for permanency weighting, the Cronbach Alfa Coefficient Measure computation has been used that this coefficient for social reliance has been equaled to 89/0 and for job satisfaction to 83/0. The findings of the research indicated that the rate of social confidence has been about the average scale and the rate of job satisfaction over the average value and there was a meaningful relation between social reliance and job satisfaction for this implication that whatever the rate of social confidence among the teachers of Mashhad city increase, so also their job satisfaction will increase.

Key Words: Social Capital, Social Reliance, Job Satisfaction, Teachers, Mashhad.

The Investigation of the Relation of Attitude to Official Corruption and Emotion of Relative Deprivation

Case Study: Students of the Payame Noor University of Bojnood

Hasan Doost Fakhani, Hadi ¹

Rezae, Omid ²

Pakzad Sardari, Hasan ³

Rezae, Said ⁴

Abstract

In this research the attempt has been made firstly to investigate from one aspect the problem of attitude regarding official corruption (in contrast to official health) in critical class of students as a potential administrators of organizational positions in near future and from the other aspect its relation to the concept of the emotion of relative deprivation as one of the important concepts and theories in the ambit of social aberrations has been researched. The methodology of this paper was of scale survey type and the data collection are of questionnaires which includes the index of attitude to official corruption and the index of weighting analysis of emotion of relative deprivation and also some questions about the demographic characteristic of the respondents. The statistical community is the students of Bojnood Payame Noor University in 2014-2013 semester which via Cocatan formula and by the use of systematic categorical sampling procedure and by the process of collaborative statistical method 150 people has been studied.

-
1. Lecturer in Payame Noor University of Bojnood and culture expert of the general office of public library of north Khorasan. hadi_hasandoust@yahoo.com
 2. MA in Social Science research. om.rezaei@yahoo.com
 3. MA in Intelligence Science and Epistemology. h.pakzad.s@gmail.com
 4. MA in General Law. sa.rezaei@ymail.com

The results of this paper shows that from one point of view there is a meaningful relation between the variance of attitude in official corruption of students and their emotion of relative deprivation and from the other hand is in relation with variables of gender basis and economic and social base of individuals to the attitude of official corruption.

Key Word: Official Health, Official Corruption, Emotion of Relative Deprivation, Social Safety, Social Aberrations.

**Making Use of Dynamic TV Canal and Its Role in Educational
Motivation and Educational Progress of Students of Fifth Grade Degree
Case Study: (Birjand City in 2014-2013 Session)**

Sabzeh Kar, Maryam ^۱

Poorshafei, Hadi ^۲

Abstract

Television counted as an effective instruments in increasing of knowledge and awareness and has a dynamicity in medium industry and theatrical arts and an enormous affinity both in production and establishment of communication with the addressee. Since kids, child and the youths organize the first rate chain of interest and addresses of dynamic canal, so this canal has come forth with the aim of responsiveness to the training, educating, entertaining and amusing needs of the addresses for training of kids and child to help families. The present research is descriptive-comparative in its nature and has been used for the reason of inspecting the exploitation of dynamic TV canal and its role in educational motivation and educational progress of students. The statistical community has contained all of the students of fifth grade degree of Birjand's city. The case study under investigation is 500 individuals of boys and girls which has been selected from cluster and random method. In order to collect data, a questionnaire of demographical, educational status and Harter's scale of educational motivation (1981) has been prepared and distributed among the examinees. The results of this article indicated that there was not a

1. MA in Educational Sciences of Islamic Azad University, Qayent Unit. m.sabzekar@birjand.irib.ir

2. Associate Professor in Educational Sciences of the University of Birjand. hpourshafei@birjand.ac.ir

meaningful differences between the educational progress and motivation of the students who watch dynamic canal program in TV and who do not watch this program. And also the results suggested that there was not a meaningful differences relating to sexuality between the educational progress and motivation of the students who watch dynamic canal program in TV and who do not watch this program.

Key Words: TV dynamic Canal, Educational Motivation, Educational Progress.

The Inspection of Social Consequences of Drought in Rural Regions

Case Study: Shoosf District of Nehbandan County

Fal Soleyman, Mahmud ¹

Mikaniki, Javad ²

Sanjeri, Hussein ³

Abstract

Our country for the reason of resting on dry strap of geographical latitudes in northern hemisphere suffered continuously from famine, dryness and droughty. Although about two third of the country's geographical arena situated on the dry zones, but in two recent decades, the dryness and famine has influenced all of the country so that this problem turned as one of the important concerns of politicians and planners which the oppositional effects of this problem can be seen very clearly in two recent decades in different seasons of developmental programs of the country. The provision and drawings of contrasting methods with famine and dryness and its direct and indirect economical and sociological effects demands the recognition of dearth influences in various geographical arenas. This research has been investigated the restricted area of geographical boundary of the east of country in South Khorasan as a region of case study of influence weighting of sociological effects of drought in rural spaces. This present research for the reason of its applicability aim, from the view of its nature and methodology is descriptive-analytic and from

1. Assistant Professor in Geography of the University of Birjand. mm_fall@yahoo.com

2. Associate Professor in Geography of the University of Birjand. javadmikaniki@birjand.ac.ir

3. MA Student in Geography and Rural Planning of the University of Birjand. h.sanjari@birjand.ac.ir

the view of data collection is documentary-survey one. The statistical community of research contains from 153 villages of Shoosf district of Nehbandan city which among them the numbers of 38 villages has been selected as a sample community and the labor of inquiry making has been accomplished from among 262 selected ones in this village. For the analysis of the required data, the statistical software of SPSS and EXCEL and for the reason of data processing method, the single sample T test has been used. The findings of research indicated that the dryness from social dimension causes the increase of immigration, illegal activities, poverty and the more dependency of villagers to the patronizing organizations. For this reason in opposition to drought consequences the harmonious methods with regional conditions from the environmental, economic and social aspects should be assumed

Key Words: Drought, Social Consequences, Rural Regions, Village Expansion, Shoosf.

The Suffix “-āk” in Dialect of Birjand and its Past Record in Middle FarsiNoruzi, Hamed ^۱Ghorbani Jooybari, Kolsoom ^۲**Abstract**

The inspection of South Khorasan dialects shows that from one hand the components of middle Farsi can be found in it and from the other hand the components from east languages comes upon which entered in this dialect from a long time ago and partly are prevalent in official Farsi too. One of the methods to investigate the original and loan components in dialects is the historical pursue of suffixes. Because the suffixes are among the components that rarely can be accepted in language. One of the important Iranian suffixes is the suffix “-āk” in word like, “pichak”, “Borrak” and “Parrak” which were prevalent in Birjand’s old dialect. This suffix in dialect of Birjand has hold two different roots. In words like “Pichak” with the meaning of abdomen crimp, the suffix “-āk” which is lag behind from the suffix infinitive -āk of Sādi. This suffix in words “Khorak” and “Pooshak” and “Soozak” is still prevalent in official Farsi. Today in Birjand’s dialect the infinitive “-āk” is superseded by the suffix “-esh” and has been dealt with it like the other action infinitives in Farsi. As a result this word has been come out in the form of “Pichesh/Pecesh” (pečeš). But from the other hand, the subjective suffix -āk has been current in words like “parak” in the dialect of Birjand from the far past. The subjective suffix -āk is detained from the -āk of middle Farsi and the -āg of Parti. Also today this suffix is being used

1. Assistant Professor in Persian Language and Literature of the University of Birjand. hd_noruzi@birjand.ac.ir

2. Assistant Professor in Persian Language and Literature of the University of Birjand. kolsoomghorbani@birjand.ac.ir

in the same form like in the dialect of Birjand. But in standard Farsi and the majority of the other Iranian dialects, this suffix has been changed to the form of “-ā” by the omission of final “K”.

Key Words: Farsi, Birjand’s Dialect, Suffix, Sa’di, Middle Farsi.

Exploration of the Architectural Pattern and Environmental Texture of Garden Houses of Islamiyeh of Ferdows County

Hashemi Zarjabad, Hasan ^۱

Nahari, Morteza ^۲

Abstract

Islamiyeh is a city in the northeast of Ferdows which is established after the earthquake in solar year of 1347 in this region. The houses of this county crated by local architects without any support or supervision of the rolling government. In this research the attempt has been made to explain and describe about the architecture of these houses by the use of image and photos. The accomplished studies verifies this fact that the established houses after earthquake in this city approximately contain the same kind of image and created in the form of garden house and the environmental texture includes the entrance porch, vestibule, porch dome, courtyard, rooms with various functions and the garden which contains a building in itself. The used materials in the garden houses of Islamiyeh are mostly from ecological materials; such as mud brick, clay, brick; all the side points of these houses were in northwest- southeast without exception (Roon-e Isfahan) and these houses after the earthquake- in contrary to the organizational houses which has been built in Ferdows by the government- and has modeled from the houses before the Ferdows's earthquake. The historic houses of Ferdows which were totally in harmony with the

1. Assistant Professor in Archeological Studies of the University of Birjand. The Responsible Writer, hhashemi@ birjand.ac.ir

2. MA in Archeological Studies of the University of Birjand.

social, livelihood and ethical circumstances of people and especially with ecological condition of the region, are the pattern modeling for newly established garden houses after the earthquake in Islamiyeh.

Key Words: Architectural Modeling, Environmental Texture, Garden houses of Islamiyeh, Ferdows.

Table of Content

The Inspection of External Form and Content of Khorshid Newspaper: Constitutionalism Period

Bitarafan, Mohammad 7

The Inspection of the Relation between Social Reliance and Job Satisfaction of the Teachers of Mashhad City

Hajizadeh Meymandi, Masood/ La'l Sajadi, Seyyed Mahmoud 35

The Investigation of the Relation of Attitude to Official Corruption and Emotion of Relative Deprivation: Case Study, Students of the Payame Noor University of Bojnood

Hasan Doost Fakhani, Hadi/ Rezae, Omid/Pakzad Sardari, Hasan/Rezae, Said 59

Making Use of Dynamic TV Canal and Its Role in Educational Motivation and Educational Progress of Students of Fifth Grade Degree: Case Study, Birjand City in 2014-2013 Session

Sabzeh Kar, Maryam/ Poorshafei, Hadi 87

The Inspection of Social Consequences of Drought in Rural Regions, Case Study: Shoosf District of Nehbandan County

Fal Soleyman, Mahmoud/ Mikaniki, Javad/ Sanjeri, Hussein 111

The Suffix “-āk” in Dialect of Birjand and its Past Record in Middle Farsi

Noruzi, Hamed/ Ghorbani Jooybari, Kolsoom 129

Exploration of the Architectural Pattern and Environmental Texture of Garden Houses of Islamiyeh of Ferdows County

Hashemi Zarjabad, Hasan/ Nahari, Morteza 149



Referees of This Period. (Alphabetical Order)

1. Asadi Younesi, Mohammad Reza, PhD, Assistant Professor, University of Birjand
2. Eskandari, Sani, Mohammad, PhD, Assistant Professor, University of Birjand
3. Elahizadeh, Mohammad Hasan, PhD, Assistant Professor, University of Birjand
4. Bidokhti, Mohammad Ali, PhD, Assistant Professor, University of Birjand
5. Pourshafei, Hadi, PhD, Assistant Professor, University of Birjand
6. Rasti, Omran, PhD, Assistant Professor, University of Birjand
7. Rostaminezhad, Mohammad Ali, PhD, Assistant Professor, University of Birjand
8. Shateri, Mofid, PhD, Assistant Professor, University of Birjand
9. Asgari, Ali, PhD, Assistant Professor, University of Birjand
10. Farouqi Hendvalan, Jalilollah, PhD, Assistant Professor, University of Birjand
11. Ghoreyshi, Seyyed Mohammad Hussein, PhD, Assistant Professor, University of Birjand
12. Najafzadeh, Ali, Lecturer, University of Birjand



In The Name Of God

Khorasan Quarterly of Cultural and Social Studies

Serial: 32

ISBN 1735-8256

Vol. 9 No. 4. Summer 2014

Concessioner: General Office of Islamic Culture and Direction

Chairman: Mohebbi, Ahmad

Editor-in-chief: Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD

Executive editor: Bahari, Abbasali

Executive manager: Zarang, Mahin

Editorial Board:

1. Ahmadi, Habib, PhD, Associate Professor of Sociology and Planning, Shiraz University
2. Poorshafei, Hadi, PhD, Associate Professor of History, Birjand University
3. Rashed Mohassel, Mohammad Taghi, PhD, Professor of Language and Culture; Research center of Humanities and Cultural Studies.
4. Rashed Mohassel, Mohammad Reza, PhD, Assistant Professor of Persian Language and Literature, Mashhad University
5. Sarmad, Gholam Ali, PhD, Associate Professor of Demography, Islamic Azad University, Tehran Branch
6. Shateri, Mofid, PhD, Assistant Professor of Geography and Rural Planning, Birjand University
7. Shokoohi, Gholam Hossein, PhD, Professor of Educational Science, Tehran University.
8. Alizadeh Birjandi, Zahra, PhD, Associate Professor of History, Birjand University
9. Farbod, Mohammad Sadegh, PhD, Assistant Professor of Cultural Sociology, Islamic Azad University, Tehran Branch
10. Kamyabi Mask, Ahmad, PhD, Professor of the Theater and Literature, Tehran University
11. Mikaniki, Javad, PhD, Associate Professor Geography and Rural Planning, Birjand University
12. Sepehr, Mohammad Homayoun, PhD, Assistant Professor of Demography, Islamic Azad University, Tehran Branch

Literature Editor (Persian): Nasrollahi, Seyyed Noorollah

Translator and English Editor: Azarkamand, Akbar MA

Cover designer: Dastgerdi, Faezeh

Technical affairs and press: fekreBekr puplications.

Circulation: 1000

Price: 20000 rials

Address: South Khorasan, Birjand, Shahid Mahallati Av. General Office of Culture and Direction,

Research Society Office

Tel: 056 – 32323393

Fax: 056 – 32323277

Email: Daftarehnashriyeh@yahoo.com

The ideas mentioned in this issue declare the view of this quarterly. The writers are responsible for the ideas mentioned in their writing, and translators are responsible for their translations. Materials sent to the quarterly for publication are not sent back if not appropriate. This quarterly has the right to edit or delete some material.